

مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
«مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب
کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:
اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، اسپانیا،
اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال
آلمان، اندونزی، اوروگوئه، ایالات متحده
امریکا، ایتالیا، ایران، ایرلند، برزیل، بریتانیا،
کبیر، بلغارستان، بلوی، یاراگوئه، پاناما،
پرتغال، پرو، چکسلواکی، دانمارک، رومانی،
ژاپن، سنگال، سوریه، سوئد، سودان، شیلی، عراق،
فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس، کانادا، کلمبیا،
کواتزالا، لبنان، لوکزامبورگ، لهستان،
مجارستان، ممالستان، مکزیک، نروژ،
هندوراس، هندوستان، یونان.

شماره ۵ (۸۹)

مهر - آبان سال ۱۳۵۶

همانطورکه قبلا اطلاع داده شد از ۲۸ تا ۳۰ ژوئن سال ۱۹۷۷ بنا به سبب شصتمین سالگرد انقلاب کمپرسوسالیستیک اکثریت در شهر پراگ و سی و نهمین مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" کنفرانس بین المللی علمی - تئوریک برگزار گردید که موضوع آن :

"اکتبر کمپروسوی جهان معاصر" بود .

نمایندگان ۶۶ حزب کمونیست و کارگری از جمله نمایندگان حزب توده ایران در کنار این کنفرانس شرکت جستند . علاوه بر این نمایندگان ده حزب و سازمان انقلاسی - دموکراتیک و ملی آزاد بهختر نیز در کنفرانس حضور داشتند .

در شماره نهم مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شش نام سخنرانیهائی که در کنفرانس ایراد شده با اختصار درج گردیده است استاد ویدارک و سخنرانیهائی که در کنفرانس ایراد گردیده به شکل کاملتری در کتابی که در این نشریات بین المللی "صلح و سوسیالیسم" آماده چاپ میگردد ، درج خواهد شد .

مادر این شماره مجله "مسائل بین المللی" متن کامل سخنرانی بوریس پوتوماریف عضو شاخه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را با چاپ هم رسانیم .

اکتبر کبیر و جهان معاصر

کنفرانس را ک. ای. زاروف عضو شاخه مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، سردبیر مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" افتتاح کرد . او ضمن سخنان خود گفت : شصت سال مارا از هفتم نوامبر سال ۱۹۱۷ جدا میکند . ولی "هر قدر این روز بزرگ از ما دورتر میشود ، همانقدر اهمیت آن انقلاب پرولتری در روسیه آشکارتر میگردد" (۱) . این سخنان را لنین بزرگ در آستانه چهارمین سالروز انقلاب اکتبر نوشت . اما اندیشه لنین که در آن سالهای دورمان گردیده ، امروز هم قوت خود باقی است . علاوه بر این آن اندیشه برضمن ترویه جانیهتر و صمیمتر میگردد .

در واقع هم ، ما امروز ماگان داریم ، بهتر از هر زمان دیگری در گذشت تمام عظمت و در ضمن تمام بغرنجی و ظایقی را که در جریان تعویض پراونیک فورما سیون سرما به داری با فورما سیون کمونیستی پیدا می آید ، از نهای کنیم . بهین سبب این روزها ضعفون و مفهوم غنی و تاریخی نخستین انقلاب پرولند سوسیالیستی جهان پاروشنی و سیاسی به سبب ای آشکار میگردد .

سیمای اجتماعی - سیاسی کنونی شماره ما در نتیجه تاثیر متقابل متضاد و بی اندازه مختلف پرولسها و رویدادهای اجتماعی بوجود آمده است . اما اگر در جریان کلی تاریخ جهان در قرن بیستم سمت اصلی و صده را جد کنیم ، مشاهده میشود که این سمت را انقلاب اکتبر تعیین کرده است .

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
-	اکتبر کمپروسوی جهان معاصر کنفرانس علمی - تئوریک بین المللی	۴ - ۳
بوریس پوتوماریف	برخی مسائل فعالیت تئوریک حزب کمونیست اتحاد شوروی طی شصت سال پس از انقلاب اکتبر	۱۸ - ۵
ایرج اسکندری	مسائل مربوط به دیکتاتوری پرولتاریا و دوران معاصر	۲۶ - ۱۹
عبد الفتاح اسمعیل	سنگبری بسوی سوسیالیسم	۳۱ - ۲۲
کارلوش کوشا	راه بازاری اقتصاد پرئتال	۳۸ - ۳۲
یعقوب گارو	پیدايش و تشکل طبقه کارگر در روسیه	۴۶ - ۳۹
مارتا پوشتان	بعب نورتون ایراز خصوصاً با جامعه بشری است	۵۰ - ۴۲
-	ایرکای لاتین : مسائل بیرونی مبارزه ضد امپریالیستی و همبستگی بین المللی	۶۲ - ۵۱

هرگاه در جهان امروز مگانان تازه و مسابقه ای برای تسریع ترقی اجتماعی و پیشرفت موفقت آمیز مبارزه انقلابی در راه سوسیالیسم (از جمله با شکل مسالمت آمیز) ، برای تثبیت حقوق دموکراتیک و منافع انسانها و برای حفظ صلح همگانی پدید آمده و همزمان و تماماً معاصرین ما آنها را مد بین تحول تاریخی بزرگ که در اکتبر سال ۱۹۱۷ صورت گرفت درست آورد های انقلابی عظیم شصت ساله اخیر هستیم . از این رو بازنمایش انقلاب اکتبر منزله رویداد عده قرن بیستم مسا با دلیل اساسی کامل میگویم که انقلاب اکتبر فقط بتاریخ تعلقند ارد و از آن دوران معاصرین هستیم . در بیجا همینطور هم مقیاس که اهمیت اکتبر و موفقت های سوسیالیسم را با آن می سنجیم ، مقیاسی فقط طی پاروسی نبوده ، بلکه مقیاس بین المللی و واقعاً جهانی است .

تصادفی نیست که مسئله اهمیت انقلاب اکتبر و تجربه حاصله از آن همواره در حاد ترین جنبه جریحیت های ایدئولوژیک و سیاسی در دوران کمونی مطرح میشود . باز همتصادفی نیست که دشمنان سوسیالیسم و طبقه کارگر برای تحریف حقایق در باره اکتبر ، در باره امری نظیر انقلابی و سازند مان در باره دموکراتیسم عمیق آن و تاثیر خلیک ناپذیرش در دگر سازی انقلابی جهان وسط و تکامل دانش مارکسیستی - لنینیستی و در پدید آوردن واقعتهای اجتماعی - سیاسی در دوران ما از مصرف نیرو و انرژی در رخ نیورزند .

از این رو است که موضوع کنفرانس ما " اکتبر کیروز جهان معاصر " نه فقط از لحاظ ثنوری بسیار باورگش حاضر اهمیت است ، بلکه از بدگاه و واقف علمی هم که در جریان مبارزه ای پیش میآید کمکونیست ها و سایر نیروهای انقلابی انجام میدهند فوق العاده حاد و ضروری است . تصور میکنم توجه و علاقه ای که اجزای کمونیست و کارگری و همچنین جنبشها و سازمانهای انقلابی - دموکراتیک کنفرانس ما بر ارزاشته اند نیز این نظرها تایید میکنند .

برخی مسائل فعالیت ثنوری حزب کمونیست اتحاد شوروی طی ۶۰ سال پس از انقلاب اکتبر

پیرس پونو ریف

عضو مشاور هیروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی
در بیرکته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی

موضوع پیشرفت ثنوری طی شصت سال پس از انقلاب اکتبر از لحاظ حجم بسیار عظیم است - همانقدر که دامنه فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی که تمام جوانب زندگی سیاسی و اقتصادی در ولتی و ایدئولوژیک جامعه و انسان را در بر میگیرد وسیع است ، ثنوری هم که بنیاد این فعالیت بر آن استوار است ، یعنی ثنوری ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم بهمان نسبت همعاجانه است . فعالیت ثنوری حزب کمونیست اتحاد شوروی هم پیش و هم پس از انقلاب برپا به استواری که مارکس و لنین و لنین آنرا بنیاد نهادند اندین ریزی شده است . کشف قانونی پیا و گرایش های دوران نو بوسیله و ا. ل. نین حائز اهمیت ویژه ای بود . به همین علت درک علمی مسائل در دوران معاصر نیز جز از نظریات و اندیشه های لنین امکان ناپذیر است .

حزب کمونیست اتحاد شوروی طی شصت سال در نوسازی انقلابی جهان سهم عظیمی ادا کرد بود را بهر درجات زیاد ی مرهون برخورد بر با مسئولیت و به شیوه لنینی خود نسبت به ثنوری و وفاداری نسبت به اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم و پیشرفت خلاق مداوم آن برپا به تعمیم تحریکات خود و نتایج پروسه انقلاب جهانی است .

۱

پیروزی انقلاب کیروز سوسیالیستی اکتبر دران نوی و اید پدید آورد ، دورانی که در آن انسان ها خود با آگاهی کامل ایجاد تاریخ خود را " آغاز کردند (۱) . نقش مامل ز هنی در پیشرفت اجتماع بهرمان فوق العاده زیاد ی افزایش یافت . اهمیت شگرف ثنوری علمی که دگر سازی سوسیالیستی جامعه بدون آن غیر قابل تصور است از همنجانشی میشود . اهمیت اصولی و غیر قابل تمویض نقش

رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی - حزب طبقه کارگر، پیشروترین و انقلابی ترین طبقه - کده با فراگرفتن این تئوری تاد راست موقع با قاطعیت تجزیموتحلیل تئوریک بد بد معای و برابرسورت راحمل های سیاسی درست و قابل درک برای مردم بعور اجرا گذارد نیز از همینجا سرچشمه میگردد . با نظری به گذشته تیوع وحکمت لندن که نظریه حزب پرولتری طراز زینین را تدوین کرد و آنرا در بیکارهای انقلابی آبد پده نمود و بعد لندن آنرا بعسروی سیاسی پیروزند قرن بیستم که مورد قبول همگان و باارح و افتخار جهانی است تا بنین کرد . با افروغ و پیروجاهی مشاهد میشد .

در شرایطی که حزب در راس حاکمیت قرار دارد میزان مسئولیت و تقدر آن فوق العاد ما فزاینتر میباشد زیرا عایت اصول حزبی لنینی نه فقط برای خود آن ، بلکه برای سرتوشت انقلاب ، برای تمام ملت و کشور واقعاً اهمیت فراوانی کسب میکند .

اراده و انقلاب طبقه کارگر در حزب تجسم می یابد . طبقه کارگر رهبری حزب رسالت تاریخی جهانی خود را در تحقق می بخشد . طبقه کارگر پیروز وجود حزب مانند نیروی عمده و ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی در اتحاد با دهقانان و همه اقشار مردم زحمتکش عمل میکند . بدیهی است که بدون وحدت و خلیل ناپذیر و با نقیضات ، حزب نمیتواند این مشکل ترین و پر مسئولیت ترین نقش خود را ایفا کند . حزب حاکم باید نسبت بهمیکار ماندن از نفوذ عناصر ضد انقی و جاه طلب توجه و اهتمام ویژه ای بذول دارد ، ترکیب اجتماعی خود را با حفظ اولویت نمایندگان طبقه کارگر تنظیم کند و از اصول مرکزیت دیموکراتیک ، رهبری جمعی با قاطعیت پیروی نماید ، انتقاد و انتقاد از خود را راجح و با خشد و پیوند خلیل ناپذیر خود را با توده ها و تمام مردم حفظ کند .

حزب ماکر در راس جمهورری شوراهای قرار گرفت قبل از هر چیز میبایست به عهد شرین مسئله ، یعنی مسئله اتکان اصلی ساختمان سوسیالیسم در یک کشور ، کشوری که از لحاظ صنایع از بد پیکر کشورهای سرما به داری عقب مانده بود و اکثریت عظیم اهالی آنرا دهقانان تشکیل میدادند پاسخ بد هد . بلشویکها در این زمینه نیز مانند زمینه های دیگر برخوردی واقعاً خلاق و ضرر جزئی از خود نشان دادند . مخالفین بلشویکها مدعی بود ند که روسیه " برای سوسیالیسم آمادگی ندارد " چونکه گویا سرما به داری در روسیه به سطح کافی رشد نرسیده است . لنین یک چنین درک سطحی مارکسیسم را بیا قاطعیت رد کرد و نشان داد که قانونمندی عام تکامل جهان " برخی مراحل پیشرفت را که شامل ویژگی خاصی در شکل و با طوریه ای میباشند " (۱) غیر ممکن نمیداند ، بلکه بعکس مستعمل بشمار میآورد . نتیجه گیری لنین از این فرایند بود : اگر درست است که گذار به سوسیالیسم نیازمند شرایط مقدساتی اقتصادی و فرهنگی معینی است ، پس مطلب بد پیکر نیز درست است و آن اینکه زمانیکه حاکمیت به دست پرولتاریای پیروزند می افتد ، او میتواند بیاید از این حاکمیت برای تسریع در سر و صورت دادن بد کارها اینکه سرما به داری بوقوع به انجام آنها نشده و استفاد کند تا با سرعت کامل به پیروی خود بسوی سوسیالیسم ادامه دهد . این خط نشی را حزب فقط از لحاظ تئوریک مستند نکرد . حزب در مبارزه شد بد ای دی تولوزیک - سیاسی علیه تروتسکیسم ، " کمونیسم چپ گرا " و دیگر جریانهای راست و چپ گرا بانه از آن دفاع کرد .

آقا به ساختمان سوسیالیسم یافتن راه حل برای بسیاری از فرخج ترین مسائل کلا ج بد بد را هم بشرح زیر غالب میکرد : اصول ساختمان دولت و سازمان دولتی در کشور کنترالنه . نتا سب اقتصاد با سیاست . نقش نظام های مختلف اقتصاد و اشکال مالکیت ، ویژگیهای مبارزه طبقاتی

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) ، جلد ۴۵ ، ص ۳۲۹ .

در دوران گذار و شیوه های لفظی طبقات استثنای کارگر ، خصلت روابط میان شهروست و اهمیت بازرگانی ، نقش پول ، راهبهای گذار از تولید کوچک و باغرفای در ورستو به تولید بزرگ سوسیالیستی ، منقصد کردن سوسیالیستی . مراحل ساختن سوسیالیسم ، ترتیب طبقه بندی و وظایف ، اهمیت رشد صنایع تا بنین بود چه لازم . سیاست در رشته فرهنگ ، دانش و هنر . وضع قوانین و انجام امور قضائی . مناسبات با جهان خارج یعنی اصول سیاست بین المللی دولت پرولتری و شیوه های صلح و وسامی مسائل دیگر . همه اینها مسائلی بود ند که در براتیک سیاسی و اجتماعی گذر شما ستانی تجربه کوتا مدت و محدود و کمون پارسی با سخی برای نیا یافت نمیشد . بوزواری هنگامیکه در زمان خود بحکومت رسید بنابه بیان استعاره آمیز لنین " کالسنکه آزمون شده ، راه از پیشتر آماده شده و مکانیسم هائی که در گذر گشته آزمایش شده بود در اختیار داشت . اما در اینجا نه کالسنکه ای ، نه راهی ، بطور کلی هیچ چیز ، واقعاً هیچ چیزی که در گذر گشته آزمایش شده باشد نبود " (۱) .

هیچ تردیدی هم در این نمیتواند وجود داشته باشد که بدون تئوری جامع و همه جانبه و ران گذار ، سوسیالیسم موجود نمیتوانست وجود داشته باشد . ایجاد چنین تئوری خود یکی از عظیم ترین خدمات لنین ، حزب بلشویک و وسیعی جدائی ناپذیر در رنجینه مارکسیسم - لنینیسم است . تئوری دولت سوسیالیستی بنابه وسیله عمده دفاع و ساختمان جامعه نوین از اجزاء تشکله طبیعی است . لنین و حزب بر این مبنای تحلیل ساختن طبقاتی جامعه در دوران گذار نشان داد ند که استقرار حاکمیت سیاسی طبقه کارگر ، که این طبقه در اتحاد با دهقانان و دیگر قشرهای توده ها و زحمتکش بوجود میآورد ، مهم ترین قانونمندی ساختمان جامعه سوسیالیستی است .

نتیجه گیریهای لنین درباره فعالیتها ی سازنده دولت سوسیالیستی حائز اهمیت فراوانی هستند . این جنبه مسئله را بویژه از آن بویخواستم تاکید کنم که اید تولوزکیهای بوزواری و فروروسیسم همواره درک لنینی محتوای دیکتاتوری پرولتاریا را در حریف میکنند و به ابدال میکنند . لنین تعاریف بسیاری درباره این مفهوم عمیق چند جانبه دارد که جوانب مختلف آنرا روشن میکنند . این تعاریف در مجموع خود ماهیت طبقاتی دولت سوسیالیستی و ویژگیهای فعالیت آنرا در شرایطی که مسئله " کی - که ؟ " مطرح است و در آن بعد از آن آماد میکنند . تهیه و تدوین همه مسائل عمده ایجاد دولت طراز زینین - بدون استثنای کارگران طبقه استثنای کارگران ، دولت سازنده سوسیالیسم و کمونیسم به لنین تعلق دارد . برای آنکه بطور جدی درباره دیکتاتوری پرولتاریا بحث و نقسوات شود ، در رشتارد اشتن همه تعاریف لنینی در مجموع بیکار چگی آنها و تجارب تحقیق یافتن تئوری دیکتاتوری پرولتاریا را در عمل ضروری است و در غیر اینصورت بزرگترین کوتاهی و اشتباهات کسبتواند بی آمد توری دیگری همبیشرا از نایب تولوزیک داشته باشند ، حق است .

در تئوری سوسیالیسم طبقی ، تجزیموتحلیل پیرومهای اقتصاد ای همواره مقام عمده و مرکزی را داشته است . اگر در گذر گشته اندیشه اقتصادی مارکسیستی ربن این مسئله که چگونه سرما به داری انقلاب سوسیالیستی را " آماده " میکند متمرکز بود ، حاد بد پیکر وجود آوردن دانش ساختمان اقتصاد سوسیالیستی و بالا تراز آن ایجاد تئوری اقتصاد بیکار چه سوسیالیسم و روابط فصل نوی در مجموع آموزش مارکسیسم - لنینیسم ضرورت داشت . در رستی سیاست اقتصادی حکومت انقلابی به ایسین مسئله بستگی داشت . خود سرتوشت انقلاب هم بد رستی این سیاست وابسته بود . یکی از عظیم ترین کشفیات لنین در این زمینه " سیاست اقتصاد ای نو " بود .

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) ، جلد ۴۴ ، ص ۱۱۶ .

جامعه انسانی را طبق تئوریهای مختلف ساختار سوسیالیسم و کمونیسم تکامل بخشید و آنتیفرای
غنی میکند. در آنجا بعد از این فعالیت تئوریک و سیاسی در اسنادی از مارکسیسم - لنینیسم
خلق مانند قانون اساسی جمهوری فدراسیون شوروی سوسیالیستی روسیه در زمان ۱۹۱۸ و قوانین
اساسی سائهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۶ اتحاد شوروی بازتاب یافته است.

اکنون طرح قانون اساسی جدید کمونیسمی برپایست لنینیسم اصلاحی برزف تهیه شده
است و وسیعاً مورد بحث و مذاکره قرار گرفته است. این سند در آن مربوط به گذار از سرمایه داری
به کمونیسم و دولت سوسیالیستی سهم و کار بزرگی بشمار آید.

حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن تکامل بخشیدن به کمونیسم مارکسیسم - لنینیسم در باره
دولت که اکنون در دسترس آن نه در گفتار بلکه با امری عظیم - یعنی ایجاد جامعه سوسیالیستی
مقتدر تاریخ شده است آرزوهای تاریخی و دیکتاتوری پرولتاریا را نشان داد. نتیجه گیری اصولی
در باره این مطلبی که عملی است که دیکتاتوری پرولتاریا را قبل از اینکه دولت بزوال برآید، ضرورت خود را
از دست میدهد. با تئوریکال عناصر استوار گردید ستمی بوجودات اجتماعی و سیاسی جامعه برپایه
مواضع طبقه کارگر و رهبری طبقه کارگر دولت به دولت همگانی خلق، به ارگان بیان کننده مناقشع
و اراده همه خلق تبدیل شده است.

اکنون دولت اقتصاد عظیم و سرخ و جوی و رشتمهای فوق العاده ای را رهبری میکند.
و با اقتدار و ارتباط با مسائل اجتماعی فراوان رشد فرهنگ معنوی خلق سی اندازه افزایش
یافته است. بدینوسیله کمترین فونکسیون (وظیفه) آن یعنی سیاست خارجی و دفاع همین
سوسیالیستی اهمیت بیشتری گمب کرده و پرزحمت تر شده است. همه اینها نیازمند هماهنگی
موزن و تطبیق هر چه در قیاس قریه بری مترکزواتنگار توده ها از این است. خلاصه اینکه اداره
امور باید با صلاحیت هر چه بیشتر انجام گیرد.

تئوریهای بنیادین تنظیم حقوق و آزادیهای اتباع اتحاد شوروی در طرح قانون اساسی اتحاد
شوروی در دسترس تنظیم حقوق و آزادیهای اتباع اتحاد شوروی در دسترس تازه ایست. در ردیف حقوقی
مانند حق کار و سربازی واقعی گمب تباهست در کشور ما بموجب قانون اساسی تثبیت شده است و
در طرح قانون اساسی جدید به مواد گنجانده شده است که بطور اصولی نواست و در قوانین اساسی
کشورهای میوزوایی وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد. این مواد عبارتند از حق شرکت
در اداره امور دولتی و اجتماعی، حق انتقاد از کارهای دولتی، حق سخن، حق حفظ تند رستی، همه
این حقوق و سربازی که تئوریها و باستی در راه پیروزی مردم و منافع توده های زحمتکار چند ملیونی
که بطور انبساطی در پی پیروزی و زندگی و سرزوش خود را با سوسیالیسم پیوند داده اند، مورد استفاده
قرار گیرد. از این رو تئوریکال گمب تباهست در قانون اساسی که استفاده از این حقوق علیه منافع جامعه
منع میکند به پیروجه یعنی "تحدید" دموکراسی که تبلیغات بورژوازی عنوان میکند، نیست، بلکه
بنا بر آزادی دموکراتیک تنظیم است.

در طرح قانون اساسی اتحاد شوروی تصرف میسوط نقش رهبری کنند خواهد این کند که حزب
کمونیست در جامعه و در گفتار به تفصیل تشریح شده است. حزب کمونیست با حزب طبقه کارگر
باقی میماند، اکنون به نایه حزب همه خلق عمل میکند، منافع اقشار و گروههای مختلف را با منافع تمامی
جامعه پیوند میدهد و وحدت سیاسی و رفتمی جامعه را تأمین میکند. به همین جهت طرح قانون اساسی
جدید اتحاد شوروی از جنبه کمونیست اتحاد شوروی که موجود بختن با خطر خلق است و به خلصق

خدمت میکند بدرستی به نایه هسته سیاسی جامعه شوروی و همه سازمانهای دولتی و اجتماعی
تا می برد.

به این ترتیب حزب ما کمونیست مرکزی آن بر رهبری رفیق برزف با انجام وظیفه رهبری روزمره جامعه
سوسیالیستی پیشرفته و تأمین گذار توده ای آن به کمونیسم شوروی این پیرویه را در همه زمینه های
سیاسی اقتصادی و ایدئولوژی طرح و تدوین میکند.

۲

پیروزی انقلاب کمونیست سوسیالیستی اکثر باران سمت نوین به رشد و تکامل جهانی موجهات
افزایش عظیم تقوی عوامل سیاست خارجی در زندگی خلقها را فراهم کرد. بنا بر این در این زمینه
نیرو ایجاد میکرد که اندیشه مارکسیستی به مسائل و شواهد بسیاری بغیرت پاسخ دهد. حزبی که
انقلاب اکثریت را رهبری کرد و سگان اداره امور دولت کارگران و دهقانان را بدست گرفت به این
مسائل پاسخ داد.

لنین در همان آستانه انقلاب ناگزیری وجود همزمان دول دارای نظامهای اجتماعی متفاوت
را طی دوران تاریخی معینی مستدل ساخت، این استنتاج ناشی از قانون شدیدی در رشد نابرابر
سرمایه داری در مرحله امپریالیسم بود که خود اکتشف کرده بود. در آن پیروزی اکثریت را قما چنین
دولتی قرار میداد و این زمانی بود که بنایه پیش رفتن لنین "کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری به
زیستن در کنار هم پرداختند" (۱).

لنین بارها احتمال حمله مسلحانه کمونیست را در نظر گرفته بود و با آورشده که باید قدرت در فاهسی
کشورهای رسانده شود که دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم را تأمین کند. حزب کمونیست اتحاد
شوروی این توصیه لنین را همواره بخاطر داشته و دارد.

لنین در ضمن حال وجود "حزب صلح" و "حزب جنگ" دارای روحیه تجاوزکارانه را
در آن واحد در اردوگاه پیروازی خاطر نشان ساخت و همواره وجود شرایط مدماتی عینی و از جمله
اقتصادی همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای سیستم متضاد را یادآوری میکرد.
سیاست همزیستی مسالمت آمیز طی سراسر دوران پیروزی نگذشت لنین از جانب حزب
عمیقاً بررسی و تدوین شده است. در همان اواسط سالهای سی با استقامت و نیرومندی و ولست
شوروی توسعه فعالیت نیروهای ضد جنگ و تقویت نفوذ و تاثیر احزاب کمونیست در کشورهای سرمایه
داری مسئله امکان جلوگیری از جنگ جهانی جدید و ضرورت مبارزه سرسختانه علیه تجاوز و سربازی
گردید. چنانکه معلوم است حزب کمونیست اتحاد شوروی به اتفاق دیگر احزاب برادر سراسر
فعالیت خود را در آن سمت معطوف داشت تا از رهبری جنگ جلوگیری شود و تجاوزکاران را متوقف
سازد.

بررسی اوضاع جهانی در دوران میان دو جنگ نشان داد، که اردوگاه سرمایه داری کسب در
قطب مخالف سوسیالیسم و اتحاد شوروی قرار گرفته مرکب از گروه کشورهای است: یکی از این دو گروه
پرخاشگریترین و تجاوزکارترین نیروهای امپریالیسم یعنی فاشیسم هیتلری و متحدین آنرا مجسم میکرد
و گروه دیگر که تئیم امپریالیستی بود به علنی میخواست با شعل و نا بهنگری هرگز باشد علیه تجاوزکاران
دارد عمل شود. چنانکه معلوم است تجربه جنگ جهانی دوم اهمیت سیاسی عظیم این استنتاج
را بوجه قانع کننده ای نشان داد.

پس از پیروزی مردم شوروی در جنگ کبریه یعنی شکست فاشیم و پیروزی انقلاب در یکسلسله از کشورهای اروپا و آسیا در تناسب تقریباً بنهاری بسود سوسیالیسم روی داد .
 حزب کمونیست اتحاد شوروی بر اساس تحلیل تئوریک و سیاسی همهجانبه آرایش نیروها در هر صده جهانی باین نتیجه رسید که شرایطی پدید میآید که محتوم و مقدر بودن جنگ را نافی میکند و شرایط لازم برای مازم موفقیت آمیز در راه حذف جنگ جهانی آرزندگی جامعه معاصر فراهم میآورد .
 این نتیجهگیری نخستین بار از جانب بهترین نگاره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح شد و سپس به شکل مبسوط تری در همین برنامه حزب قبول بند یگزید بد .

در نتیجه تنظیم تئوریک و سیاسی مسئله جنگ و صلح در شرایط معاصر و تشریح همزمانی مسالمت آمیز ، نگاره های ۲ ، ۳ و ۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی در پیش بزرگ کمینه مرکزی حزب کمونیست و در رهیت رقیسه شویا عالی اتحاد شوروی بویژه نقش بزرگ و در واقع تاریخی دارند .
 برنامه صلح تنظیم شده از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، مصوب بیست و چهارمین کنفرانس که هدفهای عمده آن چنانکه بداندیم با موفقیت تحقق یافته است ، نمونه درخشان سیاست خارجی است که بر مبنای علمی میباشند . برنامه ادامه مبارزه در راه صلح و همکاری بین المللی و بیکار در راه آزادی و استقلال خلقها که در بیست و پنجمین کنفرانس حزب تصویب شد ادامه آرگانیک این برنامه است . اکنون همهجانبه حزب کمونیست اتحاد شوروی در ولت شوروی معطوف به نخل و فصل این مسائل است . گاه سخن شنج را متعلق نهائی اهل همزیستی سالمند آمیز زندگی بین المللی است . اندیشه مارکسیستی - لنینیستی دقیقترین تجزیه و تحلیل مضمون این مفهوم چند جانبه را بدست داده است . ل . ای . برونف خاطر نشان میکند که شنج زدایی مقدم بر هر چیز یعنی بر طرف کردن " جنگ سرد " و پرداختن به مناسبات عادی و برابریان کشور ها است . شنج زدایی یعنی آمادگی برای حل اختلاف نظرها و مناقشات نه با توسل به پیروزی به با تشدید و اصلاحه برخی کشیدن ، بلکه با وسایل مسالمت آمیز در شصت و یک اگرات . شنج زدایی یعنی مقدار معنی اعتماد و آماده بودن برای در نظر گرفتن منافع قانونی بیکدیگر " (۱) .

در بیست و پنجمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی مسئله رابطه و تناسب شنج زدایی با مبارزه طبقاتی بطور مشخص مطرح شد . تاکید گردید که شنج زدایی به هیچوجه قوانین مبارزه طبقاتی را لغو نمیکند ، نمیتواند لغو کند و با شنش آن شود . شنج زدایی چنانکه ما را در اساس تئوریک و سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان شده است بمعنی قطع مبارزه طبقاتی که با زتاب رویا رونی سیستم های اجتماعی متضاد است ، رفیق برونف طی همهجانبه پدیدار خود با پیروان " موند " متذکر شد که " مناقشه میان دو سیستم اجتماعی و میان ایدئولوژی های آنها را امتیاز خود زندگی ، برانگیختن تاریخی و آرایش در میدان عمل میتواند حل کند " .

۲

انقلاب کبیر که سر آغاز دوران گذار به سوسیالیسم بحیاس جهانی بود ، مسائل بنیادی تئوری پیروان انقلاب جهانی را از جهات بنیادی به شکل تازه ای مطرح کرد .
 لنین در نتیجه اهمیت بین المللی انقلاب روسیه را خاطر نشان میکرد ، یکی به معنی وسیع کلمه یعنی " به مفهوم تاثیر آن بر همه کشورهای " و دیگری بمعنی محدود آن یعنی در انگیزه تکرار برخی از خصوصیات اساسی انقلاب کبیر به طایس جهانی از مبارزه اهمیت جهانی انقلاب روسیه (۲) .

۱ - ل . ای . برونف : قدمی به سمت تمدن نوین ، مسکو انتشارات سیاسی ، سال ۱۹۳۳ ، ص ۱۲ ، ۲ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) جلد ۴۱ ، ص ۳ .

مسائل مربوط به اهمیت بین المللی اکثریت یعنی وسیع کلمه از جانب حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور تئوریک از چند جهت مطالعه بررسی میشود .
 جهت نخست - نقش سوسیالیسم در نوسازی انقلابی جهان .

هنگامیکه سوسیالیسم پس از جنگ دوم جهانی به معنی که از لحاظ کیفیت جدید بود گام نهاد بر توسعه ایستگن آن بشا پیروزی بین المللی و تاثیر آن به سراسر پیشرفت جهان مورد بررسی عمیق قرار گرفت . به اتفاق احزاب برادر رگسورهای سوسیالیستی بر اساس آموزش لنینی در باره تنوع اشکال ساختار سوسیالیسم ، سرشت سوسیالیستی کشورهای دیگر و مرکز آن بود ای همهجانبه مورد بررسی قرار گرفت و خصوصیات مشترک وطنی مشخص آنها روشن گردید . برانگیختن بدل بودن نتیجهگیری تئوری مارکسیستی - لنینیستی را در باره اینک تفرقی سوسیالیسم در هر کشور به درستی و رهبری جامعه از طرف حزب کمونیست بستگی دارد ، تأیید کرد .

در جریان بررسی بروسه های رشد و تکامل سیستم بین المللی کشورهای سوسیالیستی ، قانونمندی های عینی آن روشن گردید . نقش قاطع مناسبات برادرانه متقابل میان احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی ، همکاری و اولیایانه بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم ، انترناسیونالیسم سوسیالیستی ، برابری حقوق و استقلال و همکاری رفیقا نه از بعد متفرق آنها است .

ل . ای . برونف ضمن بررسی گرایش های پیشرفت سوسیالیسم به مثابه سیستم بین المللی بر آوردش که " سراسر جهان سوسیالیسم در حرکت و جنبش است و بطور ایدئولوژیک تکامل مییابد ، پیشرفت آن طبعاً از طریق مبارزه نپاکهفته و از طریق حل تضاد های درونی آنجا میگذرد " (۱) .

استحکام مبنای دوستی میان احزاب و خلقهای برادر ، پدیدایش عناصر مشترک هر چه بیشتر در مسائلی اقتصاد ، زندگی اجتماعی و ایدئولوژی آنها را بری تدریجی سطح رشد به حزب مسا امکان داد که در بیست و پنجمین کنفرانس خود به این نتیجه برسد که نزدیکی تدریجی کشورهای سوسیالیستی اکنون همانند قانونمندی پیروزمندگ . این قانونمندی به پدیدایش بهم پیوستگی انترناسیونالیستی جدید کشورهای خلقهای برادر منجر میشود .

جهت دوم - بررسی مسئله جنبش کارگری بین المللی و بویژه نقش آن به مثابه نیروی انترناسیونالیستی ترقی جهانی به اتفاق احزاب برادر . تجزیه و تحلیل لنینی این مسائل همواره به نتیجههای در دسترس و خوش بینانه منجر شده است ، بدین معنی که با وجود همه بحرین رشد جنبش کارگری در شرایط نوین گرایش انقلابی در این جنبش که از انقلاب کبیر نیروی محرکه قوی گرفته و از پیروزیهای سوسیالیسم موجود کسب اعتماد و امید میکند ، همچنان گرایش میدهد است . جنبش کارگری بطور کلی استحکام مواضع خود در مبارزه با سرمایه انحصاریه با امپریالیسم و دستاوردهای جدی اجتماعی - اقتصاد و سوسیالی خود را بد رجای قاطعی در نتیجه رهبری این گرایش است .

جهت سوم - تمهید ایدئولوژیک و تئوریک و نتیجهگیریهای سیاسی حاصله بر اساس آنست که به تغییرات بنیادی در مناطق وسیع مستعمرات و کشورهای نیم مستعمره پیشین که مبنای آنرا انقلاب اکثریتهاست ، مربوط میگردد .

مسائل مهمی مانند اهمیت موفقیت های سوسیالیسم برای پیروزی جنبش رها می بخش وطنی پیشرفت بعدی کشورهای آزاد شده ، سمت گیری سوسیالیستی به مثابه یگانه راه امید بخش برای ترقی این کشورها ، همکاری کمونیست ها با د مرکز آنها ی انقلابی ، مقام و اهمیت بخش در ولت در اقتصاد

۱ - ل . ای . برونف ، با خط مشی لنینی ، مسکو ، انتشارات سیاسی ، جلد ۳ ، سال ۱۹۲۲ ، ص ۲۶۰ .

تناسب جنبه های طبقاتی و ملی در پیشرفت کشورهای جوان و بسیاری مسائل دیگر توسط کمیونیت های شوروی و کمیونیت های دیگر کشورها بطور همه جانبه و بنیادین مطالعه و بررسی شده است . بطور خلاصه وضع بررسی مسائل مربوط به اهمیت بین المللی انقلاب اکثریت به معنی وسیع کلمه "از این قرار است .

حال به این مطلب میپردازیم که نئین اهمیت انقلاب اکثریت "بمعنی محدود کلمه" را یعنی مسئله مربوط به قانون گذاری برای تمام انقلاب سوسیالیستی را در چمید بد . این قانون گذاریها همیشه بنیادین تئوری انقلابی را تشکیل میدهند که بدون آن تاگزیر از هم فروپاشی شد ، جنبه ملی خود را از دست میدهد و در نتیجه نمیتواند شیوه عمل انقلابی باشد . علاوه بر این حزب با شرایط تأکید کرده است که مبارزه در راه امر طبقه کارگر ، در راه سوسیالیسم به اشکال مختلف مطابق با شرایط مشخص تاریخی و ویژگیهای ملی کشور مورد نظر جریان مییابد و هر حزب کمیونیتی تاکنیک و استراتژی قابل انطباق با این شرایط را خود تعیین میکند .

مطلب عمده و رقانون گذاری برای تمام سوسیالیستی آنستکه بهترین خصوصیات دوران نورا منعمک میسازد و ارزش و اهمیت آن گذران نیست . در اینجا منظور چیست ؟

نخستین - برخورد با پیروان انقلاب یعنی بر ماركسيسم-لنینيستم نسبت به تئوری و پراتيکي تجليات اجتماعی . حزب کمیونیت اتحاد شوروی برای درک درست این اصل که با مفهوم ذهنی طبقه کارگر و یک الزام نداشتی شرکت سازان در ادوار دولت ، بلکه بدست آوردن قدرت سیاسی در اتحاد با دیگر رده های اجتماعی ، پیوند ناگسستنی دارد ، همواره اهمیت درجه اول قائل بود . فایده این مطلب خود معنی آژانده بودن برای آنستکه مسائل سرکوب تودها و سرمایه انحصاری گرفته شود ، در مقابل خود انقلاب تضمین های لازم بوجود آید و قبل از هر چیز اهرمهای اقتصادی که نقش قاطع دارند از دست سرمایه انحصاری خارج گردد . این مسائل بسته به شرایط مشخص میتواند با اشکال گوناگون حل شوند . اما ماهیت آنها حفظ میشود . در شرایط بصورت خود اهل انقلابی گری فاقد ضمیمه میشود . هدف "جد اشدن" از سیستم سرمایه داری ، خواصا خواه با جستجوی راههای سازش با آن نمیباشد .

دوم - اشتراک سوسیالیسم پرولتری

حزب کمیونیت اتحاد شوروی طی شصت سال پس از تأکید و فعالیت تئوریک خود به این شرط ضروری برای موفقیت جنبش انقلابی همواره توجه فراوانی معطوف داشته است . در اسناد حزب ذکر شده است که اشکال و مسأله های اشتراک سوسیالیسم پرولتری تاریخی هستند و با پروسه انقلابی جهانی تغییر شکل میدهند و تکامل مییابند . اما خود اصل اشتراک سوسیالیسم پرولتری ، اصل همیشگی و روابط متقابل جبهه های عدو و پیرو است . پیرو است ، زیرا این اصل بیانگر قانون گذاری عام مبارزه طبقاتی است . حزب ما طی تمام دوران شصت سال پس از تأکید ، ضمن تعیین خط مشی سیاسی خود همواره منافع احزاب برادر رومنافع جنبش کمیونیتی بین المللی را در نظر داشته است . حزب کمیونیت اتحاد شوروی سیاست اشتراک سوسیالیسم را در عمل اجرا کرده و اجرا میکند و از مبارزان طبقه سرمایه و علیه امپریالیسم و در رده اول از کسانیکه در محیط پیگرد فشار و شرایط سنگین فعالیت جغرافیایی مبارز میکنند و دفاع اگاران از حقوق و خواسته های قانونی طبقه کارگر و مردم محرومکنش دفاع میکند برادرانه و بطور موثر پشتیبانی میکند . حزب کمیونیت اتحاد شوروی در این مسائل همانند مسئله دفاع بگوناگون گری ماركسيسم - لنینيستم و دستاورد های سوسیالیسم

موجود از وسایلی اشتراک سوسیالیستی نئین بهره یزد میسر می خواهد کرد .

سوم - نقش پشاهنگی جنبش جهانی کمیونیتی

مجموع مسائل مربوط به فعالیت نیروی عدومنازی انقلابی جهان در فعالیت تئوریک حزب کمیونیت اتحاد شوروی طی شصت سال سیری شده و بازتاب یافته است . نقش جنبش کمیونیتی که در دوران پس از جنگ افزونی یافته بود امکان داد چنین نتیجه گیری شود که این جنبش به استقلال ترین نیروی سیاسی دوران معاصر بدل شده است .

حزب کمیونیت اتحاد شوروی که سعی در ارتقای وجهه و نفوذ جنبش کمیونیتی و تبلیغات پشاهنگی آن دارد در رشته تئوری نیز طرفدار محیط سازنده و متقابل برادرانه نظریات و در چهارچوب اصول کمیونیتی است . ما بررسی مسائل جدیدی را که کمیونیتها با آنها برخورد میکنند که علاوه بر جنبه میدانیم . در ضمن در این رشته هم مانند هر سه سیاسی ، حزب کمیونیت اتحاد شوروی مخالف ایجاد هرگونه مرکزی در جنبش کمیونیتی و مخالف تقسیم احزاب به احزاب بهره گیری کننده و بهره یزد کننده میباشد . ما طرفدار ایستادگی حقوق واقعی احزاب برادر و طرفدار همبستگی رفیقانه و اتحادات مشترک در مبارزه و برآوردنهای خطر مشترک یعنی صلح با بهره یزدی زمین ، آزادی و استقلال خلقها و ایدئولوژی سوسیالیسم هستیم .

کمیونیت ها همواره متکی بر این اصل اند که به سرعت علمی تئوری انقلابی نیازمند تعیین مداوم و معلوماً متناسب به اقتصاد و سیاست سرمایه داری است . حزب کمیونیت اتحاد شوروی این خواست را شرط لازم اتحاد خط مشی سیاسی درست میسازد . حزب ما با تمرکز کردن توجه خود روی گرایشها و پدیدهای نو به تکامل هرچه بیشتر تئوری لنینی امپریالیسم گذر میکند . در راستای حزب کمیونیت اتحاد شوروی حکم مربوط به فراوانی سرمایه داری انحصاری سرمایه داری دولتی - انحصاری که به موقع خود از طرف لنین مطرح شده بود ، تکامل داده شد و محتایه سیستمی تعیین شد و تشریح شده است که بر پایه بنیادهای انحصاری تئوری و دولت که در ماركسيسم واحدی بهم پیوند داده شده ، بوجود آمده است . بر اساس تحلیل وضع سیستم سرمایه داری در واسطه سالهای پنجاه اینطور نتیجه گیری شد که تقریباً در همین زمان سیزدهمین مرحله بحران عمومی سرمایه داری روی نوسعه نهاد و این مرحله بحران بود که در ارتباط با جنگ جهانی ، بلکه در شرایط همزستی سلامت آمیز آغاز شد و این خود مهمترین خصیصه آن بشمار میآید .

در گزارش سال ۱۹۶۶ ، حزب کمیونیت اتحاد شوروی مسئله ویژگیهای امپریالیسم را که در اواخر سالهای شصت نمود آورده بود ، مطرح ساخت . رفیق برتوف در سخنرانی خود متذکر شد که بسیاری از این ویژگیها چنین تشریح میشوند که افزایش قدرت و توانائی سوسیالیسم ، لغو نوسعه های استعماری و فشار طبقه کارگر بر پیش برپروسه های درونی و سیاست امپریالیسم تأثیر میبخشد . امپریالیسم تاگزیر استغفور را با محیط تازه در جهان و شرایط مبارزه و سیستم سازگار کند ، نیست و جهان را من گره حزب کمیونیت اتحاد شوروی ضمن تکامل و تعمیق این بررسی متذکر شد که سازگاری با شرایط نوگراییهای هم پیوندی و اقتصادی و سیاسی و نظامی و معنای تثبیت سرمایه داری بظاهر سیستم نیست و همچنین تأکید نمود که تحقیق بحران عمومی سرمایه داری ادامه دارد .

امروزه جاست یاد آوریم که حزب کمیونیت اتحاد شوروی نیازمند دیگر احزاب برادر بناگویی بحران کنونی اقتصاد سرمایه داری را از این پیش بینی کرد که ایدئولوژیهای بورژوازی هم آوازه میگردند که گویا دوران بحرانها سپری شده است . در سال ۱۹۶۶ یعنی در آن دوره ای که

ایدیولوژیهای بیرونی ایگون آتراماند دوره "نشسته" (شکوفایی) توصیف میکند، رفیق برونف طی گزارشی خود در کمیته سومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت: "... نیروهای پنهانی مذهب اقتصاد سرمایه داری مبتا نیرو خود را امید میدهند اقتصاد سرمایه داری ارتکان ها و آشفته گنهای تازه صحن نخواهد ماند" (۱). این پیش بینی کاملا تایید گردید.

بحران سرمایه داری جهانی که در اواسط سالهای هفتاد فرارسید در پیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی از لحاظ تئوریک عمقا ارزانی شد. بحران اقتصادی که از لحاظ شدت قابل قیاس با بحران اواخر سالهای سی میباشد، این بار اقتصاد دولتی - انحصاری کاسلا پیشرفته ای را که پس از دوران جنگ بوجود آمده بود دربرگرفت. این بحران برخلاف دگرگونیهای دوران پراژنگ در یک زمان همصدا گردید اقتصاد سرمایه داری جهان رافرا گرفت. ویژگی این بحران آنستکه رکود تولید و افزایش بیکاری در اکثریت کشورهای سرمایه داری با بحران انرژی، بحران انرژی و مواد خام با تیرم همپایه ای برای دوران صلح و بحران ایدئولوژی - سیاسی و اخلاقی جامعه بورژوازی درهم آمیخته است. همه این عوامل امکان داد که در پیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اینطور نتیجه گیری شود که بحران کنونی با زتاب عدم ثبات روز افزون سرمایه داری مبتا به یک سیستم است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی مسائل تئوریک مربوط به عوامل ذهنی پروتاریخی، بد بگرگن مربوط به رسالت تاریخی طبقه کارگر احواره در نظر دارد.

در اسناد برنامه ای حزب کمونیست اتحاد شوروی و پژوهش های دانشمندان شوروی بگردان جدید پرولتاریا بین الطالی که با بحرصه جهانی گذرده و یعنی به جنبش جوان کارگری کشورهای آسیا و افریقا و امریکا لاتین توجه فراوانی معطوف میشود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی این ادعا را که گویا انقلاب علمی ونی به "ازمان رفتن" مرزهای طبقه کارگر مستحیل شدن آن در توده انبوه افراد مزد بگیر منجر میشود، رد کرد؛ حزب کمونیست اتحاد شوروی این تصور مستدل را نیز رد کرد که گویا انقلاب علمی ونی با کاستن از میزان کار دست به کاهش مطلق ونسبی تعداد طبقه کارگر ترتیب جمعیت منجر میشود. بعکس واقعات نشان میدهد که طبقه کارگر در همه جا افزایش میابد و پیش از اطل آن بدایش حرفه های جدیدی است که تولید مفاصوم و مواد میآورد.

حزب ما هیچگاه به تثبیت ساده شرایط زندگی و مبارزه پرولتاریا بسند متکدره است. تحلیل علمی وضع پرولتاریا برای آن لازمست که امکان روز افزون مبارزه طبقه حلقه سرمایه مستدل گردد و همین برخورد به حزب کمونیست اتحاد شوروی امکان داد که در تین و نظام استراتژی مبارزه سیاسی سهمگینی داشته باشد؛ این نظر مطرح و مستدل گردید که در شرایط تاریخی ستاره ای که پراژنگ، بد پد آمده برای استفاده از راههای متنوع گذر سرمایه داری به سوسیالیسم و از جمله استفاده از مسالمت آمیزگانات بهتری بوجود آمده است. در ضمن برای طبقه کارگر، توده های زحمتکش و مهادنگ کمونیستی آنها اصل ضرورت آمده بود برای همه اشکال مبارزه جهت پیروزی سوسیالیسم و برای آنکه از دستاوردهای انقلاب آداده شود. به اعتبار خود باقی میماند.

در پیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین نتیجه گیری شد که، برخلاف آفساز سالهای سی مقیاس، خصلت و تشکل نیروهای کماکون در مقابل امپریالیسم فرار آید و امکان میدهند از اصل ارتجاعی "خروج" از بحران جلوگیری شود، از حقوق آزادی بسیار بیکه زحمتکشان

۱ - ل. ای. برونف: باخاط مش کنینی، مسکو، انتشارات سیاسی، جلد ۱، ص ۲۲۴.

در گذشته احراز کرده اند در نام خود و چنان راصلی برای خروج از بحران تاخیر کرد که در مرحله بنزله حرکت به پیش یعنی سوی دموکراسی واقعی، صلح باید اروسوسیالیسم باشد.

فاکت های هرچه بیشتری در با تصحیح بحران سرمایه داری گردآوری میشود. این مطالب راحتی بلندگوبان رسمی سرمایه داری نتوانند انکار کنند. البته سرمایه داری هنوز هم در خابرساری در اختیار آرد. حزب کمونیست اتحاد شوروی نظر خود را علیه پیشگامی "زوال خود بخودی" سرمایه داری صریحا اظهار کرده است. اما اندیشه بی باکی اجتماعی سرمایه داری و ضرورت گذاره شکل عالی تر سازمان اجتماعی یعنی به سوسیالیسم بانوی هرچه بیشتری در رکنس و ذهن انسانها رسوخ میکند. به همین سبب اهمیت استراتژی و تاکتیک سیاسی درست ما، تشکل تیر و های عده ای که در مقابل امپریالیسم فرار گرفته اند یعنی طبقه کارگر متحدین آن و مقدم بر همه احزاب کمونیست که به مسئولیت تاریخی آنها در دوران مافوق العاده افزوده شده است، بسیار اهمیت بصورت مسئله ای مبهم مطرح میشود.

سخن بر سر سیاست متکی بر مارکسیسم - لنینیسم است که تشبیرات عظیم در مرصه جهانی این بی آدهای تشنج زدانی و تشبیرات در ساختار و شیوه های عمل سرمایه داری انحصاری دولتی در آن مآور شده باشد. سخن بر سر راههای رسیدن به اتحاد نیروهای چپ و ایجاد ائتلاف توده ای ضد امپریالیستی و امکانات و اشکال شرکت احزاب کمونیست در رهبری کشور و خط شی است که تحقق اصل لنینی در باره پیوند ناگسستی مبارزه در راه دموکراسی با مبارزه در راه سوسیالیسم را تا مناسازد. نظریه مارکسیست - لنینیستی بروسه انقلابی یک نظریه مادی نیست. این نظریه بسا براتیک تاریخی تکامل می یابد و تجارب متنوع مبارزه طبقه کارگر آزادی اجتماعی وطنی و راهر جمعیتش در رخود جمع میکند.

بعنوان نتیجه گیری از بحثها طالی کنگته شد میتوان سنکته اساسی را خاطرنشان کرد. نخست - حزب کمونیست اتحاد شوروی در مجموع فعالیت های خود همواره به اندیشه ها و استنتاجات و تئوری های تین شده از جنب مارکس، انگلس ولینن وفادار است، و تا شمس تاخوندنی های بیام رشد و تکامل اجتماعی را که از جانب آنها کشف گردید همواره در نظر دارد. حزب ما همیشه بخاطر آرد و به این اصل متکی است که مارکسیسم درگم نبوده بلکه رهنمودی برای عمل است. در واقع چنین برخوردی نسبت به آموزش نباید گذارن مارکسیسم - لنینیسم به حزب امکان داده است که تحولات تئوریک را در ضمن تحقق بخشد. مارکسیسم - لنینیسم پایه و اساس بریناتی خلق بی برزی شده است، کهنشده و هیچگاه کهنش نخواهد شد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور بیکر همیشه نظریات بگانه آشکار در ضمن طبقاتی و هم طیه تلاهایی بیکه برای تحریک مارکسیسم - لنینیسم با روح معا فکارداری دکاتیک و پاتمبرهای گوناگون و اصطلاح خلقی روین وینستی بعمل میآید، مبارزه میکند.

دوم - حزب کمونیست اتحاد شوروی با جلب بیکر تیر و های چند ملیونی به بروسه خلاق آموزش احکام و نتیجه گیریهای تئوریک و انطباق آنها در زندگی، فعالیت تئوریک راهمواره با تبلیغات وسیع فوام میسازد. مقیاس سرمایه ای که آموزش مارکسیسم - لنینیسم در کشور ما بد آرد و در پیست و

بنحین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ، بمثابة " بهترین ویژگی رشد آگاهی اجتماعی در میزله کونی " مورد ارزیابی اصولی قرار گرفت .

سوم - حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره در همه چیز بدون انحراف با اهمیت انترناسیونالیستی دافتر مارکسیستی - لنینیستی بمثابة جهان بینی واحد و تجزیه ناپذیر پروولتاریستی است .

این بد آنحی است که حزب کمونیست اتحاد شوروی پیوند متقابل روزافزون بهشرفت کشورهای اروپستاریخی جهانی راهمعیانیه در نظر میگردد و توافق وظائف درونی مشبوهی انترناسیونالیستی خود را با توجه بهزمان حال بطورطبی معین و مشخص میسازد .

این بدان معناست که حزب کمونیست اتحاد شوروی فعالیت تئوریک خود را جزئی از مجموع کار جمعی و مبارزه کمونیستیهای جهان بمثابة سهم خود در اشاعه اندیشههای مارکسیستی - لنینیستی در سراسر جهان و در مبارزه علیه آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم بهر شکل که بروز کند ، بشمار میآورد . این بدان معناست که حزب کمونیست اتحاد شوروی به فعالیت تئوریک احزاب برادر را توجهی معیار واقع نمیشود و همواره برای پذیرش آنچه که از نتایج فعالیت تئوریک و پراکنش آنها برایش با ارزش و سودمند باشد اقدام میسازد . به همین علت همواره در راستای توسعه و تکمیل و یافتن اشکال نسبو همکاری انترناسیونالیستی احزاب کمونیست که با سادگی شرایط معاصر باشند ، هم در رشته - ایدئولوژیک و هم در رشته سیاسی کوشااست .

انترناسیونالیسم ، پیوند برخورد طلعی و خیزی عمیق همان چیزی است که تئوری مارکسیستی - لنینیستی را چنانکه بنیاد گذاران مارکسیسم آموخته اند نقشه برای تشریح بلکه همچنین برای دگر سازی جهان مستعد میسازد . امروز مارکسیسم - لنینیسم تنها آن چیزی نیست که بوسیله بنیاد گذاران آن و همزمان آنها نوشته شده است . مارکسیسم - لنینیسم در دوران ما تجارب تحمیل یافته و دستاوردهای سوسیالیسم واقعی موجود در ۶۰ سال گذشته را هم با وراگتیک شامل میشود . اهمیت دافتر تئوریک اکثر کبیر ، حقایق تئوروی حیات بخش مارکسیسم - لنینیسم در دست آورد های تاریخی غیر قابل انکار و غیر قابل بازگشت خلقیهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ، جنبش کمونیستی و همفکرانهای انقلابی معاصر با وضوح و بنحوی قابل لمس متجلی میگردد .

برخی مسائل درباره اهمیت جهانی آموزش

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر

مسائل مربوط به دیکتاتوری پروولتاریا و دوران معاصر

اسیر سکندری

د بیرواول کمیته مرکزی حزب
توده ایران

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبریود ادیست که اهمیت آن به مراتب از مرزهای کشوری گذر آن این انقلاب روی داد تجاوز میکند . این حقیقت است که هزاران بار تکرار شده است . در واقع ، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر یک چرخش بنیادی در تاریخ گیتی است . بزرگترین جنبش است که جامعه انسانی در جهت رفاهتی خود از جبر اجتماعی کور و سارت آرزویود به دوران اختیار و معادلات نسبو بشرانجام داده است .

انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکبر ، این بوقیبت سترگ را به منظور رفاه انسانی استوار ، ظلم ، بردگی ، مستعمراتی ، جنگ ، تیره روی و نادانی ، مرهون اعمال جهان بینی مارکسیستی مرهون لنینیسم بمثابة تئوروی و پراکنش انقلاب کارگری است . به همین جهت میتوان گفت انقلاب اکبر در ضمن حال یک پیروزی دافتر انقلابی اجتماعی است ، پیروزی مارکسیسم - لنینیسم بمثابة پایه ایدئولوژی و تئوریک این رویه اد بنسابقه و بی همتای تاریخ پرشور انسانی است . هملت جهان شعول آن ، چه از لحاظ تاثیر عمیقی که در تمام حیات بین الطلی معاصر اعمال کرده و میکند وجه از لحاظ فنی آموزشیهایی که از آن برای عمل انقلابی طبقت کارگر و خلقیهای مستکش یود استفاده واقع میگردد ، از همینجا نشأت میگردد .

امروزه دگرگونی نمیتواند در باره نفوذ عمیق که اتحاد شوروی ، یعنی دولت کارگری که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبری وجود آمده و سیستم جهانی سوسیالیستی که محصول غیر مستقیم آنستند پیروزی وضع سیاسی و اجتماعی جهان معاصر دارد ، تردید ی بخود راه دهد . حوادث ۶۰ سال اخیر از جمله پیروزی تاریخی ارتش پراقتشار شوروی بر فاشیسم ، قدرت روزافزون اقتصادی شوروی و کشورهای سوسیالیستی ، گسترش مداوم جنبش کمونیستی بین الطلی در پنج قاره جهان ، بهشرفت عظیم جنبش خلقیها ، فروپاشی کامل سیستم مستعمراتی امپریالیسم ، گسترش نیرومند جنبش برای صلح د سراسر و ترقی و بسیاری از مسائل دیگر بین الطلی این حقیقت را بنحوی غیر قابل انکار ساخته است که حتی دشمنان ما اینک میبویزند در محاسبات و استراتژی خود آنها در نظر بگیرند .

درست به همین جنبه یعنی تاثیر جهانی نشمول انقلاب اکبر است که لنین در نخستین فصل اشرف جایید خود " بهیاری کودکی " جب گراش " دگرگونیسم " اشاره کرده میبویسد :

... تمام خصائص اساسی و بسیاری از خصائص فرعی انقلاب ما از نظر تاثیر آن در همه کشورهای

اهمیت بین المللی دارند. ... (۱)

تا همین الان انقلاب اکثریتها به عنوان یکی از جنبه های این انقلاب در وضع سیاسی جهان و جریانات حوادث ۶ سال اخیر محسوس و محسوس گردید. این انقلاب برای زحمتکشان و خلقها، تمام جهان به مثابه نمونهای شورانگیز، در مبارزه با رژیمهای فاسد و استبداد و برای برپا کردن انقلاب بطوریکه و انقلاب پرولتری بیژنه بلتایید خود در برپا کردن انقلاب پرولتری در روسیه، افسانه قدر قدرتی سرمایه داری و امپریالیسم را درازان همت خودهای خلق کشورهای مختلف برهم زد. آگاهی سوسیالیستی پرولتری بین المللی را با لایحه الهام بخش خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته گردید، اندیشه انقلابی را در بین خلقهای کشورهای مختلف و اتحادیه ناسیونی خود پرورزی را در آنها پدید آورد. اندیشه های سوسیالیسم و کمونیسم بهر آرزوی درین توده های زحمتکش رسوخ کرد و به طایفه گری بین المللی یا شوروی لنینی انقلاب پرولتری و اصولی که حاکم بر سازمان و فعالیت حزب طرازینون با بقا کراست اسلحه قطعی پرورزی خود را در شرایط جدید تاریخی بدست آورد.

بدان جنبه اهمیت بین المللی اکثریت که لنین در کتاب پیشگفته خود به تفوآن در مقام بین المللی درمقدود ترین معنی "کلمه" اشاره میکند و در فصل دوم همین اثر معروف تمام کمونیست ها را به کارگیری این آموزشها فراموشاند.

بدین معنی است انقلاب اکثریت نظریه ای که بوسیله خلق روس تحقق یافته و در شرایط خاص ملی و بین المللی که روسیه ۱۹۱۷ تا آن مواجه بوده انجام گرفته است. مانند هر انقلاب دیگر، دارای مبرهنه های خلقی است که آن انقلاب را متمایز و مشخص می کند. مصادرات شرایط ویژه ای است که این انقلاب در درون آن گسترش یافته و به ثمر رسیده است. اما خطای فاحشی است اگر در این حقیقت بدین معنی راه یافته به پیامدهای این نتیجه برسیم که گویا این انقلاب فاقد ارزش نمونه وارد رقیاس بین المللی است.

و چون بعضی خصایف اساسی مشترک بین تمام انقلاب های پرولتری ناشی از اهمیت مشترک طبقاتی آنها و مبارزه ایست که علیه همان دشمن طبقاتی انجام میگردد. بنابراین تفاوت در شرایط ملی و بین المللی نمیتواند در حدی فکری که باید بدان رسید و اصول علی کلی که بر آنها حاکم است تاثیر داشته باشد. و بنا بر این به همین تنوع در شرایط و مکانی پرورزی انقلاب پرولتری و اشتراک و برخی از خصایف اساسی انقلاب اکثریت که لنین ما را از یک سو بر حد رسیدن او و پیوستن به این "خطای عظیمی خواهد بود اگر در این حقیقت بیالغ شود و دانش کاربست آن از حد و برخی از خصایف اساسی انقلاب ما فراتر رود" (۲). و از سوی دیگر بر این نکته تاکید میکند که: "... نمونه روسیه بسمت کشورهای بعضی چیزها، و آنچه چیزهای بسیار مهمی از اینها در ناگزیر و نیز دیگران تشکیلات میدهند" (۳).

تجارب ۶۰ سال گذشته بطور بارزی صحت این فضاوت آموزگار رهبر انقلاب را نه تنها در مورد انقلابهای سوسیالیستی پرورنده اروپا، آسیا و آمریکا لایق بلکه در مورد انقلاب های ملی-دموکراتیک یک سلسله انگیزه های پنج قاره روی زمین نشان میدهد.

- ۱ - لنین: "بیماری کودکی" "چپ گرائی" در کمونیسم" ترجمه محمد یزدان فارسی، از انتشارات حزب توده ایران، سال ۱۳۵۳، ص ۲۰.
- ۲ - همانجا، ص ۳.
- ۳ - همانجا، ص ۴.

پرورزی انقلاب پرولتری در چندین کشور اروپا و آسیا و همچنین در کوبا، نخستین بار در گری است که لنین از تحلیل تغییراتی که در اعمال قانون رشد سایر پرولتریتهای سرمایه داری در دوران امپریالیستی بعمل آورده و امکان وجود انقلاب را بدو در چند کشور و حتی در یک کشور اثبات نموده است. از سوی دیگر پرورزی انقلاب اکثریت رقیاس بین المللی در مورد صحت نزد کسب لنینی، یعنی بر اینکه - انقلاب سوسیالیستی حتماً لازم نیست ابتدا در کشورهای سرمایه داری پیش رفته وقوع باید بلکه ممکن است در هر کشوری که صرف نظر از رجعتال آن، ضعیفترین حلقه در سیستم امپریالیسم جهانی را تشکیل میدهد به پرورزی برسد. در لایق غیر قابل ردی بدست داده است. این نتیجه گیری اخیر لنین که در برپا کردن انقلاب بین المللی تأیید شده، هم از لحاظ ارزش بزرگ تشویر خود و همچنین بنسایت عملت مسیح کننده عمومی آن، دارای اهمیت ویژه ای برای جنبش انقلابی کشورهای در حال رشد است، زیرا در مقابل آنها و رتقای عبوریه سوسیالیسم را، بدون گذار از مرحله سرمایه داری، میگذاید.

یکی از عملت های اساسی انقلاب کمپرسوسیالیستی اکثریت این است که این انقلاب بوسیله یک کارگری طرازینون، پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر که قادر است توده های وسیع زحمتکش را به سوی مبارزه برای سرنگون ساختن سرمایه داری و ساختن سوسیالیسم بکشد، با حصول آگاهی و تدارک و رهبری شده است. این درست یکی از مهم ترین جنبه های انقلاب اکثریت است که از آنجا که از لحاظ بنیادی و وجه از لحاظ سازمانی از هر انقلاب بزرگ پرورنده ای که انسانیت قبل از آن شناخته است، متمایز میسازد.

لنین در ۱۹۲۰ در این مورد چنین میگوید:

... بدون یک چنین تدارک احتیاط آمیز، در ویران پشته و دراز آمدن ماضی و استقامت در اکثریت سال ۱۹۱۷ به پرورزی دست یابیم و نه این پرورزی را در دست نگاه داریم" (۱).

این امر که بلافاصله پس از انقلاب اکثریت احزاب کمونیستی نوع لنینی در بسیاری از کشورهای دیگر بدگرید و اینکه جنبش کمونیستی بین المللی بهر از ۹۷ حزب در دربرگیرنده و تعدادی از آنها انقلاب کارگری را به پرورزی رساند و ساختن سوسیالیسم را در کشور خود رهبری میکنند بخودی خود برهان چشمگیری برای اهمیت جهانی این آموزش اکثریت است. تاریخ تمام احزاب کمونیستی و کارگری درستی نظریه لنینی حزب پرولتری را به اثبات رسانده است.

انقلاب سوسیالیستی اکثریت، نقشه راه و زمان انقلابهای پرولتری را گوشده است بلکه جدا از بحران سیستم مستعمراتی امپریالیسم و دوران جدیدی از تاریخ جنبش خلقهای مستعد است. لنینیسم با پیوند مسئله ملی و مسئله مستعمراتی با تائید حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش تا حد جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل، با متحد ساختن جنبش انقلابی پرولتری، با جنبشهای رهائی بخش مستعمرات و کشورهای وابسته علیه امپریالیسم، با پذیرش پیشتهای و کمک به خلقهای مستعد و در مبارزه ضد امپریالیستی شان، به مثابه جز" جدائی ناپذیرنیگای برای انقلاب پرولتری و سرانجام با تحقق این اصول و در جریان انقلاب اکثریت برای رهائی خلقهای مستعد و به روسیه تزاری راه درستی را که خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته باید برای آزادی و استقلال ملی خود بیابند، نشان داد.

انقلاب کمپرسوسیالیستی اکثریت با پرورزی طبقه کارگر درین حال افزاینده ای و دفاع و تحکیم

۱ - لنین: "بیماری کودکی" "چپ گرائی" در کمونیسم" ترجمه محمد یزدان فارسی، از انتشارات حزب توده ایران، سال ۱۳۵۳، ص ۱۱.

آمرانیز بوجود آورد - بر پایه ولین بارد تاریخ ، پرولتاریا بعنوان طبقه حاکم ، دیکتاتوری خود را که جمهوری شوراهای شکل دلی آن بود ، تشکیل داد . این نمونه حکومت پرولتاریائی ، ارگمان و بهترین پیشنهادی انقلاب ، بمنظور رهم مقاومت طبقات استوارکننده سرنگون شده و برای دفاع انقلاب پرولتاری علیه نیروهای ضد انقلاب داخلی و خارجی برای سازمان دادن گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم بوجود آمد .

تجربه اکثریایجا و جمهوری شوراهای نخستین دولت کارگری تاریخ که پیروز شده اند از نبرد های سختی که بوسیله اتحاد وسیع نیروهای ارتجاعی داخلی و بیرونی بزرگ بین المللی به احتمال شده بود ، پیروز آمد ، صحت و تحریک نادرها و کمونیستی تئوری دیکتاتوری پرولتاریا را که بوسیله لنین تشکیل گردید و در شرایط مشخص انقلاب اکثریایت کرد .

بد بنسازن دیکتاتوری پرولتاریا جزء لا یتفک و محتوی اساسی انقلاب سوسیالیستی را تشکیل میدهد ، زیرا همانطور که لنین گفته است : " انقلاب پرولتاری بدون درهم شکستن قهری ماسین د ولئی بیرونی و ملی آن با ماسین جدیدی که بگفته انگلس " و بگذرد ملت بمعنای اخیر که کمونیست " محال است " (۱) .

در واقع انقلاب پرولتاری تنها بگرفتن قدرت بوسیله طبقه کارگر محدود نمیشود ، بدست گرفتن قدرت شرط نخستین و مقدمه انقلاب است . دیکتاتوری پرولتاریا با اگر بخوابیم از اصطلاحی که بوسیله مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست بکار برده است استفاده نکنیم ، " پرولتاریائی که بصورت طبقه حاکم سازمان یافته است " نه تنها وظیفه سرکوبت مقاومت استوارکنندگان طبقات سرنگون شده را دارد ، بلکه در ضمن حال وظیفه اجبارت سازمان دادن عمل ساختن جامعه نوپوهی بر کردن و هدایت تمام خلق ب طرف سوسیالیسم ، و دفاع از دستاوردهای انقلاب در برابر امپریالیسم و ارتجاع بین المللی است . بر همین پایه است که استقرار دیکتاتوری بوسیله پرولتاریا بی پیروزی و قانون مطلق و جام انقلاب پرولتاری ، و در تمام دوران تاریخی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است . در روند این تغییر کیمیای جامعه است که دولت پرولتاری نظریا باینکه وظائف انقلابی خود را پایان داده ، و به معنی مگر باید و خود بخود خاموش میگردد .

این قانون انقلاب پرولتاری که بوسیله بنیان گذاران سوسیالیسمی ، مارکس و انگلس کشف شده و استوارانه بوسیله لنین و حزب کمونیست در جریان انقلاب کمپروسوسیالیستی اکثریت تحقق یافته است ، و بر پایه تحلیل صیق تکامل و اقلی حوالت انقلابی گذشته و همچنین بر پایه بدیهی ، گسترش و کار بست دولت ، و بحثا به افزایش طبقه کارگر بر طبقات دیگر قرار گرفته است .

بسیاری از جنبشهای انقلابی گذشته و از آن میان جنبشهای قرن ۱۹ در اروپا ، بهمین دلیل که طبقات رهبری کننده قانینا برای سرکوبدن دشمنان انقلاب متوسل بپرویزندند که مایه بگردند . در اینجا این نتیجه مستطقی قریبال رد بوجود میاید که چون بدست آوردن قدرت مسئله بنیادی هیسبر انقلاب است ، هر انقلاب پیروزیند با هر سلبی که قدرت سیاسی را بدست گرفته است ضرورتا با بدست قدرت بدست آمده را بوسیله اعمال زور دفاع و تحکیم نماید و گرنه در زیر ضربات نیروهای ضد انقلابی سرنگون شده ، ناگزیر بدقت راز است میاید . از سوی دیگر نظریا باینکه دولت محصول تاریخیی است و تفاوت طبقاتی آشتی ناپذیر برامت ، وسیله تسلط طبقه بر طبقات دیگر جتنای است و در دست طبقه قدرتمند ، ماسین اعمال فشار علیه مخالفین طبقاتی و برای سرکوبت مقاومت آنها بوسیله زور بوجود آمده است و از این جا با زبان نتیجه مستطقی بسیار مهم گرفته میشود که دولت پرولتاری (یعنی پرولتاریا

۱ - لنین ، آثار منتخبه ، جلد دوم (قسمت دوم) ، سال ۱۹۰۷ ، ص ۴۰ .

کمپروت طبقه حاکم سازمان یافته (بنیام خود نمیتواند جز یک دیکتاتوری طبقاتی یعنی دیکتاتوری طبقه کارگر باشد که علیه دشمنان طبقاتی خود اعمال میکند . معنائک و تفاوت اساسی بین این دو دیکتاتوری وجود دارد :

۱ - دولت پرولتاری برعلاف تمام دولت های که در تاریخ بوجود آمده اند دیکتاتوری کهرت استوارکننده طبقه اقلیت استوارکننده است .

۲ - دولت پرولتاری با سایر دولت های که در تاریخ بوجود آمده اند این فرق را دارد که وظیفه اش حذف استوارانسان از انسان و ساختن جامعه بی طبقه است .

بهین دلیل است که این دولت با زمین رفتن طبقات زوال می یابد .

انگلس در اثر مشهور خود " منشا " خانواده ، مالکیت خصوصی و دولت " میگوید : " جامعه ای که تولید بر پایه اتحاد آزاد و برابر تولید کنندگان از زمانان میدهد تا ماسین د ولئی رابی جاسی میفرستد که از آن پس جای آمنت ، یعنی به موزه اشیا " عتیق در کار چرخ نقریسی و شیر فرای " بنا بر این دولت پرولتاری ، در واقع قدرتمند ، با چنانکه لنین گفته است ، جز یک نیمه دولت بخش نیست که با برانداختن دولت بیرونی و ملی با ساختن جامعه کمونیستی بی طبقه خود به زمین رفتن ملوله تاریخی دولت کلسبکند .

میتوان این سؤال را مطرح کرد که آیا میشود این قانون انقلاب پرولتاری را به خارج از میدان عمل ویژه آن انطباق داد ، و تکمیل نموده و به انقلاب های ضد امپریالیستی و مکرانیک و ایران ما و انقلابهای رهایی بخش ملی خلقمان نیز متمم داد ؟ این مسئله ایست نیازمند به یک مطالعه صیق بشوریک که در این مختصر نمی گنجد ، ولی میتوان بر پایه تجزیمات و هه های اخیر دریافت که این قانون اگر بنفعتم و کمال ولی لا اقل بطور قسیمی برانقلاب های ملی و مکرانیک نیز قابل انطباق است .

بر پایه تغییرات ذهنی که پس از اکثریت رتاسا بسببورها ، بحد سوسیالیسم و بزبان امپریالیسم بوجود آمده ، چنین ادعا شده است که کار دیکتاتوری پرولتاریا بر پایه قانون جهان فصول تمام انقلاب های سوسیالیستی ارزش خود را اقل برای برهی از کشورهای سرمایه داری پیشرفته از دست داده است . نخست باید گفت ، این نظر ساده لوحانه است ، زیرا از زمان حوالم عددی به طبیبوم دیکتاتوری پرولتاریا فقط یک جزء آنرا که ضرورت دفاع از دست آوردن های انقلابی به قهر طبقه دشمن خارجی و داخلی انقلاب است مورد توجه قرار میدهند .

تا این ادعا فقط بر پایه ضعف نسبی امپریالیسم و لذ امپریا به این فرض قرار گرفته است که بهنگام گرفتن قدرت بوسیله طبقه کارگر در یک کشور سرمایه داری پیشرفته ، نیروهای امپریالیستی اهم از نیروهای داخلی و خارجی امکان حمله و هجوم به انقلاب پیروزیند راز دست داده اند .

بدیهی است ، هر قدر بحران عمومی سرمایه داری زرفتر میشود و قدرت سیستم جهانی سوسیالیستی افزایش می یابد ، امپریالیسم ضعیفتر میگردد . این بدیهه بقدری در واقع حقایق بین المللی آشکار است که خود متخالف امپریالیستی ناگزیر به اعتراف آتند ، ولی بر اساس این واقعیت قریا قابل انگار میتوان چنین نتیجه گرفت که امپریالیسم بر فعال گردیده و ضایع طبقاتی خود را کسار گذارده و به تبعیت و زکارانه این راز دست داده است . بعکس رویداد های ۶۰ ساله اخیر نشان می دهد که در هر یک از مراحل بحران عمومی خود ، امپریالیسم بر شدت تجا و زگرویش می افزاید تا تمام نیرویی که هنوز در دست دارد میکوشد تا مواضع از دست رفته راز زینه جنگ آورد . تنها بعد از جنگ جهانی دوم امپریالیسم امریکالا اقل به جبار چرنگ تجا و زکارانه مستقیم طبقه جنبش های انقلابی کشورهای مختلف دست زده است ، خواه برای اینکه در کشورهای نظیر کره ویتنام از سوزنا بر مباداری

را مستقر کند ، خواه برای جلوگیری از اینکه خلقهای لا ثور و کاصح بوجه فواید نهی توده ای خوش برسد . مدخلات غیر مستقیم بوسیله کودتا ، پشتیبانی نظامی نیروهای مداخله گرانجامی ، فشار و شانتاژ برای تغییر جریان ریداد های دموکراتیک انقلاب به کشورهای مختلف درجهان بقدری شناخته شده است که احتیاجی به برشمردن آنها نیست . استثنای امریکای پروکینگ* .

خود الاقل ۲۱۵ مورد از این قبیل مدخلات در گزارشی ماه دسامبر ۱۹۲۲ خوش متذکرده است . ولی بر فرض این هم که ضعف امپریالیسم همچنان درجه ای رسیده باشد که امکان مداخله مستقیم را از خارج از اسلب کرده باشد ، باز ماده لوحانه است اگر تصور شود ، بورژوازی فقط بر مبنای اینکه قدرت را از دست داده است به از دست دادن تظاهراتی خود ، بدین مقاومت تن میدهد و معلوم نیست مطابق کدام " وظایف شهروندانه " به قانون پروتاریای پیروزیت تسلیم میگردد .

در چنین شرایطی اولین مسئله ای که مطرح میشود ناگزیر عارضت آن برخوردی است که قدرت انقلابی در مقابل اقدامات ضد انقلابی طبقه وارگون شده و انواع موانعی نشان میدهد که بوسیله طبقه سزیز برای جلوگیری از تحقق این وظایف ، مبنای اوست و قرار میدهد و قدرت سرمایه در سر راه دولت پرولتری قرار میگیرد .

از دو حالت خارج نیست یا قدرت پرولتری چنانکه لازم است قهر انقلابی را برای سرکوب این مقاومت و برداشتن موانعی بوسیله بورژوازی و عهد ستان داخلی و خارجی آن در راه انقلاب گذاشته شده است بکار میرسد ، در این صورت این خود عارضت از اعمال واقعی دیکتاتوری پرولتاریا تحت هر نامی که خوانده شود و یا نیز هر ویس طلافی که مخوانند برای آن بسازند ، در صورت عکس ، انقلاب پرولتری طریقی آنکه قدرت سیاسی را بدست آورده ، پیشک بوسیله قوای متحده سرمایه ، ارتجاع داخلی و خارجی با شکست مواجه خواهد شد ، در آن صورت بدست آوردن قدرت سیاسی یک عمل تاریخی البته قهرمانانه نیست ولی بی نتیجه .

پرولتاریا ، بمثابه طبقه ، قدرت سیاسی را بدست نمیگیرد مگر برای آنکه آنرا برای تغییر بنیادی جامعه بکاربرد ، جامعه ای توسعه یافته ، جامعه ای بی طبقه که در آن برای همیشه هرگز نیست بهر مکتبی انسان از انسان دگر حذف شده است ، بدون این هدف والای انسانی و دیکتاتوری پرولتاریا تحت هر نامی بدین آنکه بطریق قطع همه چیز در واقع آن بکار رود ، تصرف قدرت سیاسی در بهترین حالات معنی دیگری جز یک تغییر سطحی در کارمندان (پرمنل) دستگاه دولت بورژوازی نخواهد داشت . معمولاً در مورد مسئله دیکتاتوری پرولتاریا است که روابط آن با دموکراسی چند رنگ ششده و جمعا ملطرح شده و مطرح میگردد و غالباً به معنی قهرآمیز دیکتاتوری پرولتاریا استناد میشود و گاه هم به خود گفته " دیکتاتوری " که معنی شده است استرا در مقابل " دموکراسی " قرار دهند ، تکیه میشود . در این مطلق نظر گمانی که چنین استدلالی متوصل میشود در دموکراسی بمعنی فقدان کامل فشار یا به عبارت دیگر بمعنی آزادی کامل و مطلق برای همه تلقی میگردد . شکی نیست که چنین تکیه گری ابدالهیستی درباره دموکراسی منتقدان برخلاف نظریات علمی مارکسیسم - لنینیسم است ، بلکه یا خود نبود رفتار قرار میگیرد ، زیرا شناختن آزادی مطلق و یبحد برای هر کس منطقی به نفع آزادی برای همگی بی انجامد . اگرین قادیانم که هر چه در نخواهد است انجام دهد ، دیگری نمیتواند آنچه را که خواهان اوست در جهت مقابل انجام دهد .

اگر نپذیرد و مانند جامعه چنین هیچ و برچی مبتلا گردد ، ناچار ایستی برخی محدودیتها برای این " آزادی نام " یا " دموکراسی کامل " قائل شوند ، در چنین صورتی لزوماً این سؤال مطرح میشود ، که آیا در یک جامعه طبقاتی این محدودیت جز بوسیله دولت یا قدرت تسلط یک طبقه بصر

طبقات و دیکراسی بذر است ؟

درواقع " دموکراسی شکل دولت و یکی از اشکال آن " (۱) چیزی بگرنیست . ولی چون بنا بر ترمیم ، دولت ، دستگاه اعمال فشار سیستماتیک و سازمان یافته طبقه مسلط نیروی طبقات دیکراسیست ، دموکراسی نمیتواند چیزی جز یک دموکراسی طبقاتی باشد . در این مورد مطلقاً هیچگونه فرقی بین دولت بورژوازی و دولت پرولتری وجود ندارد ، زیرا هر دوی آنها ابزار فشار طبقاتی هستند . تفاوت بین این دو شکل از دموکراسی فقط در ارائه اعمال فشار از طرفی و دردهنهای هر یک از آنها از سوی دیکراسیست . دموکراسی بورژوازی ، دیکتاتوری اقلیت در برابر اکثریت استعاره میکند . دموکراسی پرولتری ، دستگاه فشار اکثریت طبقه است . در حالیکه دموکراسی بورژوازی هدف خود را در تنگداری ، تحکیم و جاود ساختن امتیازات طبقات استعاره میکند و قرار داده است ، دموکراسی پرولتری ، بردهد حذف هرگونه استعاره هرگونه استعاره طبقاتی ، بر پایه ازین برن خود طبقات در جامعه قرار گرفته است . دموکراسی بورژوازی بمثابه شکل و سزیه قدرت در لایق میگوید تا این ماشین فشار را نگذارد ، و آنرا در دم بدم کاملتر کند ، در صورتیکه گرایش در دیکتاتوری پرولتری بسوی ازین برن دولت ، این دستگاه فشار است و لذا بسوی آزادی کامل انسانهاست ، بطرف جامعه ای میگراید که دیکتاتوری بمعنیوم دموکراسی بمعنای شکل ویژه دولت نیست ، این همان مطلبی است که انگلس در نامه ای به بیل (Babel) تاریخ ۱۸-۲۸ مارس ۱۸۷۵ بشریح بیان کرده است : " تا زمانیکه پرولتاریا به دولت شناخته شود ، نیازش برای آزادی نیست بلکه برای سرکوبی دشمنان خویش است و زمانیکه بتوان از آزادی سخن گفت ، دیکتاتوری بمعنیوم واقعی آن ، وجود نخواهد داشت " (۲) .

این است تحلیل مارکسیسم - لنینیسم در باره موقلات تاریخی و لذا میرسد به دیکتاتوری و دموکراسی و چنین است که دیکتاتوری پرولتاریا نیست بهر دموکراسی بورژوازی برعکس و دموکراتیک تراست ، علیرغم اینکه اسم یکی دموکراسی و نام دیگری دیکتاتوری است . گمان بسورده ، این تحلیل برای نشان دادن معایب نظری و فطنی نظریاتی که امکان وجود سیستم چند حزبی (Pluralisme) را در دولت پرولتری قائلند ، کافی باشد . در واقع اگر از سیستم چند حزبی مقصود وجود گروههای سیاسی دشمن حکومت پرولتری است ، این بمعنای آن خواهد بود که به بورژوازی شکست خورد و اجازه داده شود سازمان یابد و طبقه دولت پرولتری قیام و اقدام کند ، چیزی که بدیهی است برخلاف مصالح طبقه انقلابی است . ولی اگر ترازوی " آزادی " یا " الیوم " آزادی اجتماع برای دیکتاتورهای زحمتکش (دهقانان ، پیشهوران روشنفکران و غیره) است که آنها در زمین همکاری با پرولتاریا و تحت رهبری آن در ساختن سوسیالیسم نظریات ویژه فلسفی ، اجتماعی و دینی خود را دارند . شکی نیست چنانچه عمل بسیاری از کشورهای سوسیالیستی نشان میدهد دولت پرولتری این آزادی را بر مبنای میثاقند و تضمین میکند ، هم چنانکه هر ترازوی فردی یا اجتماعی را که هدفش اقدام علیه آزادی اکثریت خلق نباشد (یعنی آن اکثریتی که در زمین توتوس راه سوسیالیستی را برگزیده و تحت رهبری طبقه کارگر و ولتس ، سوسیالیسم را باقیبماند و از خود گذشتگی میبازد) ، مجاز بشمارد .

۱ - لنین : " دولت و انقلاب " ، ترجمه جدید فارسی ، از انتشارات حزب توده ایران ، سال ۱۳۵۵ صفحه ۱۰۰ .
۲ - همانجا ، صفحه ۷۰ .

رفقای عزیز

در آستانه این نمایش بزرگ همبستگی بین الطلیح بنیادین نخستین سال انقلاب اکبر -
 وظیفه مقدر من است که بیست و یکمین سالگرد پیروزی و پیروزی بزرگ آزادی بگردد و احترامات قلبی
 خود را به نخستین دولت کارگری جهان ، دولت بزرگ و نیرومند آفریده ای انقلاب کمونیستی
 اکبر ، به اتحاد شوروی ، پشاهانگ و پایگاه اساسی جنبش انقلابی جهانی تقدیم دارم .
 عرض توپ های انقلاب اکبر بزرگ برای کشور ما ایران ، نغمه های خوش آهنگ استقلال و آزادی
 را با هم نام تاریخی لندن بلافاصله پسران روزی انقلاب (دسامبر ۱۹۱۲) خطاب بزمختگان مسلماً
 روسیه و خاور زمین که در آن اعلام داشتند که قرار داد های روسیه تزاری و انگلستان درباره تقسیم
 ایران برای همیشه پاره شده است ، بارمان آورد .

دولت جوان شوروی با منظور اراد های ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ درباره تقسیم ایران ، با الفسای
 تمام قرار داد های اسارت آوری که امپریالیست تزاری به کشور ما تحمیل کرده بود ، با انصراف از تمام
 امتیازات ، همه پایگاه های اقتصادی ، مالی و سیاسی تسلط تزاری در ایران ، خلق ما را از بردگی
 مستعمراتی نجات داد و بدان اهمیت مترگ وجود حکومت شوروی ، همسایگی آن و کمک برادرانه
 آنرا برای هائی ایران از یوغ امپریالیسم و برای رشد مستقل و درامتیق و سعادت نشان داد . بسا
 انقلاب اکبر ، نام لندن ، رهبر نیروم انقلاب پرولتری و در برترین کلیه های زحمتکشان سپه من مسا
 رموع کرد . لندن برای خلق ایران سبیل عدالت و دفاع حقوق ملت های اسیر و مردم زحمتکش گردید .
 با انقلاب سوسیالیستی اکبر مارکسیسم - لننیزم در کشور ما نفوذ یافت . در ۱۹۲۰ حزب کمونیست
 ایران تشکیل گردید و بلافاصله در پیشتاز جنبش انقلابی ضد امپریالیستی در ایالات شمالی ایران
 که بوسیله ارتش انگلستان اشغال شده بود قرار گرفت .

با اینکه انقلاب خلقی سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۲ تحت فشار متحد نیروهای امپریالیسم انگلستان
 و دولت ارتجاعی تهران شکست خورد و مذلک در نتیجه کمک برادرانه دولت جوان شوروی توفیق یافت
 که ارتش بریتانیا را مجبور به ترک اشغال ایران کند و قرار داد مستعمراتی ۱۹۱۹ را که امپریالیسم
 انگلستان بکشور ما تحمیل نموده بود ملغی سازد .

خلق ایران آنچه را که برای استقلال و حاکمیت ملی خود به اتحاد شوروی ، به لندن و حزب
 پرولتری آن مدیون است هرگز فراموش نکرد و پیوسته یاد کرد .

حزب توده ایران که از ۱۹۴۱ جانشین و ادامه دهنده حزب کمونیست ایران گردید ، وفادار
 به دستهای انترناسیونالیستی و سپه من برترماند عیوش ، وفادار به جهان بینی مارکسیسم - لننیزم
 با پیگیری و ملغی انقلاب پرولتری است بطور پیوسته راه های برادرانه و معزب بزرگ لندن ، به حزب
 کمونیست اتحاد شوروی سازمان دهنده انقلاب کمونیستی اکبر ، بناکننده جامعه سوسیالیستی
 و در ولایت ما خلق میزند دارد .

دولت شوروی آفریده انقلاب اکبر در روزگار ما پیش از گذشتن در پدیده جهان بینی پشاه بزرگترین
 در ملحق و موکراسی و ترقی و سوسیالیسم است . اتحاد شوروی طی ۶ سال موجودیت خود بصورت
 نیرومندترین عامل دوزان کنونی تاریخ جهان ، بزرگترین پشتیبان انسانیت در مبارزه این برابری
 از یوغ سرمایه ، برای هائی آزادی ، برای آزادی از یوغ تاجد و یوغ سرمایه کشی
 و جنگ در آمده است .

خلقهای شوروی از اینکه چنین نیک بختی نصیب آنان شده که با انقلاب کمونیستی اکبر
 توانسته اند این ماهیت تاریخی اتحاد دهنده و برابری این همه زخود گذشتگی و فد آوری در نیالی کنند
 حق دارند بر خود ببالند . افتخار جاوید ملت بزرگ ، به حزب مارکسیست - لننیزم است که
 دولت نیرومند پرولتری آن

سمتگیری بسوی سوسیالیسم

محمد الفتح اسمعیل

دبیرکل کمیته مرکزی سازمان سیاسی
 متحد - جبهه ملی
 عضو شورای ریاست جمهوری جمهوری
 توده ای موکراتیک چین

تغییر و تحولات روز افزون بسوی نیروهای آزاد بخواه ، شرقی و ملحق و سوسیالیسم پیروستان
 امپریالیسم ، صهیونیسم ، ارتجاع و نژادگرایی از ویژگیهای اوضاع بین المللی معاصر است . این
 تغییرات مثبت بطور کلی در نتیجه وجود سیستم جهانی سوسیالیسم است که مرکز جاذبه و کانون
 است کتعام جنبش انقلابی جهان گردان متعدد میشود و پشتیبانی عمده از این جنبش را نیز بعهده
 دارد .

پیدا شدن این تغییرات در بخشهای مختلف کره زمین با سیاست همزیستی سلامت آمیز
 و کاهش تشنج بین الطلیح میبندد و ناگسستن دارد . پروسه کاهش تشنج کنونی موفقیت بزرگ بشریت
 ترقیخواه و نتیجه سیاست پیگیر صلح جویانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی است . در
 عین حال کلاً معلوم است که موفقیت های بدست آمده در امر کاهش تشنج بجهت جویچه معنی شوق
 شدن مبارزه میان سیستم های سوسیالیستی و سرمایه داری جهانی نیست . آنچه تغییر میزند ،
 فقط شکل مبارزه است و با در دسترس بودن تناسب نیروهای آنها عوض میشود . در شرایط بین المللی
 کنونی مبارزه ایدئولوژیک شدت و دامنه بسیار یافته است . بورژوازی جهانی نمیتواند آنکه
 از انتشار وسیع ایدئولوژی های سوسیالیسم علمی جلوگیری کند ، وسایل و نیروی عظیمی مصرف تبلیغات
 گسترده سیستماتیک و اشاعه دروغ و تباهی و افترا بر ضد جنبه های مختلف زندگی در کشورهای سوسیال
 لیستی میکند و به خرابکاری دامنه دار ایدئولوژیک و نظار بر اینها متوسل میگردد . از اینجا معلوم
 میشود که واکنش و موضع گیری این تلاشها و خرابکاریها ، افشای روز افزون انواع جعلیات ضد سوسیالیسم
 و اشاعه اندیشه های سوسیالیسم علمی در تمام نقاط روی زمین چقدر راهمیت دارد .

در عین با آوری نقش بسیار زیاد مبارزه ایدئولوژیک میان دو سیستم اجتماعی متضاد باید گفت
 جریان و نتیجه برخورد ایدئولوژیهای آشتی ناپذیر برآی توده های چندین ملیتی که جمعیت روی زمین
 را تشکیل میدهند ، برای گروه بزرگی از کشورهای پیرو سوسیالیسم در حال رشد بطور گاملا مستقیم
 وابسته به مسئله انتخاب راه پیشرفت اجتماعی است . سرمایه داری در نظر اکثریت عظیم مردم در کشور
 های در حال رشد در نتیجه استتار و پنهان استعماری سرمایه داری در نظر اکثریت عظیم مردم در کشور
 اقتصادی کنونی این کشورها را درین داشته ، صفا بی ارج و اعتبار شده است . اما این بی اعتباری ،
 به پیچیده معنی تغییر خود بخودی (اتمواتیک) صورت و موازن ایدئولوژیک بورژوازی با ناهم

موازن و تصورات اید تلویزی سوسیالیست در ذهن و شعور اجتماعی توده هاست . این پروسه است که تحقق موفقیت میزان علاوه بر انجام مجموعه گامی از تغییرات متحولات اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، نیازمند فعالیت هدفمند برای اشاعه عقید اید تلویزی سوسیالیستی در کشورهای در حال رشد میزد تشریح تئوری سوسیالیسم علی بنظره کارها به اید تلویزیک ونتم البدل (اکثریتانوی) اید تلویزی بوزوادی در کشورهای سرمایه داری است .

در ضمن میدانیم که بسیاری از جنبش های آزاد پیش و سازمانها سیاسی هدایت کنند و آنها در کشورهای در حال رشد نظریه های گوناگونی را مطرح میکنند نسبت به تئوری سوسیالیسم علی در مواضع مختلفی قرار دارند . گروه های اجتماعی - سیاسی رهبری کننده در قاره های آسیا ، آفریقا و اغلب انواع " ویژه ای " از سوسیالیسم راه فد خود فرامید هند که رنگ منطقه ای و یا ملی دارد . مانند سوسیالیسم " آفریقائی " ، " آسیائی " ، " عربی " و نظایر آنها . این نظریات که به این یا آن اندازه معین بیانگر جنبش گلی در نظریات وتلاش معینی برای ایجاد سازمان اجتماعی از نوع فزایشتماری است برجیزد بگری همگواهی میدهند و آن اینکه تمام آنها برخوردی نامعلوم و غیر معین نسبت به سوسیالیسم علی دارند . بعقیده ما چنین برخوردی ، بهمانظریکه تجربه نشان میدهد ، بدان نتیجه میگرد که بسیاری از انقلابهایی که استقلال سیاسی دین داشته اند قادر به حفظ کشورهای خود از استعمار زونی نیستند . شعارهای روشنفرازانقلابی گری ، گاهی به رهنمود هائی مبدل میشوند که توده های مردم را گمراه میکنند و نتیجه آن فقط روی مسائل درجه اول سوسیالیسم ما بر این عقیده ایم که بسیاری از شکست ها و ناگامی های جنبشهای آزاد پیش و انقلابهای ملیست که استقلال دین داشته اند ، تا حدود معینی نتیجه همین برخورد نامعین تئوری سوسیالیسم علی است .

بجاستاد یاد آور شویم که تئوری سوسیالیسم علی هم فقط یکی است و اختلاف ضروری شیوه های تحقق درگمازهای انقلابی متناسب ومطابق با آن به پیچوجوه معینی " کثرت " تعالیم سوسیالیستی نیست . وجود انواع مختلف شیوه ها ، وحدت قانونندی ای های مشترک فراهم کردن شرایط برای گذار به سوسیالیسم و خود بهشرف سوسیالیستی راغنی نمیکند . از طرف دیگر ، خود تعالیم سوسیالیسم علی قالب های تغییرناپذیر برار میکند وانطباق خلاق اصول آن را در شرایط مشخص مختلف ضروری میسازد .

" اصلاح " اید تلویزیک " تجویز " تئوری سوسیالیسم علی هم از اپورتونیسیم راست پروگاماتیکی وهم از اپورتونیسیم کم خطرچپ سرچشمه میگردد . همین موجودیت این دو جریان در کنار یکدیگر گواهی خصلت بفرنج طبقاتی - سیاسی جنبش آزاد پیشخرف ملی در کشورهای در حال رشد است . تشریح وتعمین این خصلت ویژه تجزیه وتخلیل مواضع سیاسی و اید تلویزیک در موکراتهای انقلابی وتائیدر مقابل نیروهای مترقی ، یکی از مهمترین مسائلی است که نیازمند گوشه نشینی تئوریک فراوان است . ما خود میدانیم که گوشه نشینی در موکراتهای انقلابی وجود دارد . یکی آنهایی که هرچسه بیشتر به اساسهای سوسیالیستعلی نزدیک میشوند و این امر هم در جنبش چین پرستانه وانترناسیونالیستی وهم در سیاست شخصی آنها خود را نشان میدهد . دوم آنهایی که شعارهای انقلابی را میبزد برند ولی اقدامات وفعالیتشان نتایج معکوس به بار میآورد . تجربه بهشرف اجتماعی در کشورهای اینرند رشته مطمئن ترین معیار برخورد به گروههای مختلف انقلابی در موکراتوزریانی فعالیت هسای علی آنهاست . فقط کار ارتیک امکان میدهد اینظنورتوجه بگیریم که در برخی از انقلابهای ملیست - در موکراتی مسئله اساسی باگرایندهای اپورتونیسیتی چپ در سیاستگروههای رهبری کننده ارتباط

دارد . در صورتیکه همین مسئله برای گروه دیگری با بوزو اپورتونیسیم راست همراه است و این نیستز انقلاب را به بن بست میکشاند و آنرا بافوش استعمار زونی افکند .

ما با توجه به تجربه ای که در زمین دموکراتیک بدست آورده ایم ، میتوانیم بگوئیم که فقط پیروی از تئوری سوسیالیسم علی به انقلاب تصوریوشنی از مسائل اساسی بهشرف اجتماعی میدهد و برای تجزیه وتخلیل درست وموضعیگویی صحیح استراتژیکی وتاکتیکی چه در سیاست داخلی وجهه در سیاست خارجی امکان فراهم میآورد . منظور ما از استراتژی مقدم بر هر چیز تعیین موضع خود در مقابل مسائلی است که به عامل عده در واران ما ، یعنی مبارزه میان دو سیستم جهانی ، مربوط میگردد . بنظر ما سیاستی که در جریان این مبارزه میان دو سیستم جهانی ، مربوط میگردد . بدون چشم انداز وحکوم به شکست نمائند ، زیرا در آن واحد نمیتوان هم بکار یا به سرمایه داری وهم به پلانفورم سوسیالیستی متکی بود . در واران کنونی ، موضع صحیح برای انقلابیون عبارت از گام نهادن در راه مبارزه بی امان بر ضد نیروهای امپریالیسم ، صهیونیسم ، ارتجاع وتزادگراشی ویا تکانه بهعصیگی انترناسیونالیستی نیروهای مترقی کمک به پروسه انقلاب جهانی وادای سهم خود در آن است .

تصمیم استراتژیکی انقلاب در چهارچوب کشورهای در حال رشد بطور جداگانه ، عبارت از خصلتوشکل حل مسئله مربوط به حاکمیت است . در واقع نیز ، پیروی انقلاب ملی دموکراتیک وتحقق درگرونیهای اجتماعی بدون تضمین حاکمیت اینجین و بدون الحاقی کامل دستگاه دولتی که سرایت نفوذ ایسم واستعمار است و بدون ایجاد سیستم تازه ای که منافعی مادی ومعنوی زحمتکشان واکثرت مردم در تطابق داشته باشد ، غیرممکن است . باید خصلت حکومت کهنه را ، موسسات وموازن لشکری وسوسیالی آنرا کاملا تغییر داد وحکومت دموکراسی واقعی کشتی بنود های انبوه مردم باشد وتواند آنها را به مبارزه در راه ساختمان زندگی نوین جلیسکند ، بوجداد آورد .

تجربه ما و کشورهای دیگرهم نشان داده است که حل رادیکال مسئله حاکمیت بسود مردم برای استحکام استقلال سیاسی وآزادی وبشرف اقتصاد ملی نیز اهمیت قاطع دارد . با پایان بخشیدن به وابستگی اقتصادی به سیستم سرمایه داری جهانی باالحاقی اشکال کهنه مناسبات اقتصادی از طریق برقراری برنازه ویژه ملی بهشرف اجتماعی - اقتصادی که هم روی زمین ما وهم بیروننا تاثیر میکند (بجای هرچوجه کهنه وژده طرز تولید سرودن) ارتباط دارد . تغییر متحولاتیسی که بر این پایه میتوان انجام داد از قبیل : ایجاد مالکیت بزرگ خارجی و داخلی ، ایجاد بخش دولتی اقتصاد ، حل مسئله ارضی ، ایجاد تعاونی ها وواحد های اقتصاد دولتی همان اشکال لازم تحقق بخشیدن به سنگینی بظهورگی ، فرهنگ بظهورگی ، بهداری صهیونیستی ، هرصدمات ، تأمین اجتماعی سیستم آموزش وپرورش ، فرهنگ بظهورگی ، بهداری صهیونیستی ، هرصدمات ، تأمین اجتماعی ونظایر آنها نیز با تازابی می باید . با آنکه مسئله حاکمیت در عرصه سیاست داخلی مسئله عده است ، گزینش خلاق شیوه های حل مسائل سیاسی ، اقتصادی وفیرو است که برای بهشرف ضرورت دارند از نگاه گذار از جامعه ماقبل سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی را تأمین میکنند . ما اهمیت معنی سیاسی خود را کشتی سنگینی سوسیالیستی است ، فقط اینظنور درک میکنم .

طبیعی است که این چنین در عرصه سیاست خارجی نیز خود را نشان میدهد . در واران کنونی مبارزه میان سوسیالیسم وسرمایه داری ، جنبش که هدف آن ایجاد درگرونیهای بنیادی ونسوازی جامعه باشد بدون ارتباط نزدیک وتائیدر مقابل پیرویه انقلابی جهانی وسنوری اصلی آن یعنی سیستم سوسیالیستی ، جنبش کارگری جهانی وشینش آزاد پیشخرف ملی نمیتواند موفق گردد . در شرایط

بنی العلقی کنونی ، چنانکه تجربه نشان میدهد ، برقراری چنین ارتباطی با تحکیم اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارنده نظامهای مختلف اجتماعی همزمان چشمگیری آسان نمیگردد . تحقق این اصول بهترین شرایط ممکن را برای فعالیت تاجمهرهای انقلابی ، میوه در کشورهای درحال رشد فراهم میآورد .

بیشرفت انقلاب درین دو موکراتیک و مستگیری سوسیالیستی آن با واکنش کسانی روبرو میگردد که با این شیئی موافق نیستند . توطئههای بی درین و خرابکاری ها بر ضد جمهوری ما و از جمله محاصره اقتصادی و تبلیغات گسترده پیرامون آن که با یقه شان تحریف اصول و هدفهای ما است ، گویا مبارزی بر این دعوی است . در گزارشهای انقلابی که مردم بین مدت درازی با خاطرات آنها مبارزه کرده اند ، نیروهای امپریالیسم و ارتجاع را که ارتقا شریف "ناطلوب" بین دو موکراتیک روی خلقهای برخی از کشورهای دیگری پیمانک اند ، همزمان زیاد تیارا حتمی کند .

توانایی و استعداد ما در یکپارچه ساختن نیروهای انقلابی کشور در رکنه وحدت در سال ۱۹۷۵ نیز یکی دیگر از وظایف مهم اراحتی محافل امپریالیستی و ارتجاعی است . از اینها بیستون روداد که امری به ما باقی نمانده فقط برای منطقه همین است بسیار دشوار است . زیرا بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از واحدهای دو موکراتیک و مترقی در کشورهای درحال رشد در حال تفرقه و پراکندگی اند و تعداد های کم اهمیت و اختلافهای ناچیز موجود میان آنها بر تعداد و اختلاف با دشمن اصلی و عدوی می چربد . تفرقه پراکنندگی آنها به امپریالیسم و ارتجاع برای کسب موفقیت در تحقق نیات تاجرانگانه و خرابکارانه و حفظ مواضع و منافع خویش امکانات زیادی میدهد .

بطور مثال ، امروز ما در منطقه همین جایی هستیم ؟ تعرض امپریالیسم و ارتجاع شدت می یابند و نفوذ آنها در بسیاری از کشورهای افراطیتر پیدا میکند . امپریالیسم ایالات متحده آمریکا هر از چهل شکست در ویتنام و در تمام شبه جزیره هند و چین مساعی خود را در خراب کردن و میوه در منطقه عربی متمرکز کرده و اشغال اراضی و سرزمینهای عربی که هنوز هم ادامه دارد و تلاشهای مکرر برای درهم شکستن نیروی اراده مردم فلسطین به بدست آوردن آزادی از ارتقا شریف و گویا همبراهدهای ما است . جنگهای خونین لبنان که بر ضد مقاومت فلسطینی ها و نیروهای دو موکراتیک و ملی لبنان جریان دارد ، چیزی دیگری جز بخشی از توطئه امپریالیسم و ارتجاع بمنظور تفرقه افکندن در نیروهای جنبش آزاد بیخشی ملی عربی (۱) و مقدر چهره در آن نیروها که مواضع مترقی قرار دارند ، نیست .

بدین ترتیب ، امپریالیسم و متحدین آن مانند همیشه میکوشند کشورهای انقلابی و دو موکراتیک را در جهان عرب از میان بردارند . این تلاش و کوشش در توطئه هایی هم که بر ضد انقلاب عمان (که رهبری آن با جبهه ملی آزادی عمان است) سرهم بندی میکنند ، بخوبی شاهد میگرد . تاج و نیروهای مسلح ایران که منظر واقعیتی نه فقط بر ضد مردم عمان بلکه علیه امر صلح در تمام منطقه است ، در اینجا روشن و آشکار است . محافل امپریالیستی و ارتجاعی به فعالیتهای خود بر ضد جمهوری توده ای دو موکراتیک من هم ادامه میدهند ، و تلاش برای سرهم بندی بلوک های گوناگون با اشتراک ایران و دیگر رژیم های ارتجاعی به بهانه "تأمین امنیت سطح فارس و دریای احمر" و آشوب و تفرقه از طرف امپریالیسم ارتجاعی آنها است .

معلوم است که کوشش برای مسامحت از تمسوق و گسترش پیروسیهای انقلابی در کشورهای نواستقلال به منطقه خاور نزدیک محدود نمیشود . ما پس امپریالیسم و ارتجاع خصلت جمعی و سرسری دارد و

۱ - یک نمونه تازه : کوشش منتهی و دراز مدت برای پاشش اختلاف میان لیبی و مصر است . هیئت تحریریه

مناطق دیگر ، از جمله افریقا را نیز در بر میگیرد . میدانیم افریقا منطقه ایست که جنبش آزاد بیخشی ملی در آنجا طی سالهای اخیر به پیروزیهای درخشانی نائل آمد و این بدیده از جمله با تجدید یافتن مستمره های سابق بر تقابل بکشورهای مستقل با مستگیری سوسیالیستی ارتباط نزدیک دارد .

محافل امپریالیستی و رقا ره افریقا با آنکه "بمعدت بین واقعی خود نظیر برخی از رژیم ها میکوشند به روشی که ای که شده برهه آزادی ملی و اجتماعی را متوقف ساخته و آرتا به عقب برگردانند (۱) . میدانیم که انقلابهای آنتیونی و سوسیالی عصر مرموجوداش نایه بر این جنبش اند . این نظریه همیسی است که امپریالیستها میکوشند از برخی ارتقا شرف های موجود میان این کشورها استفاده بعمل آورند ، آنها را شد بد بگردند و برآتش نفاق در آن زند تادرت نتیجه بخوانند و انقلاب را در نقطه مقابل یکدیگر قرار دهند ، آنها را با هم درگیر سازند و در آخر بین تحلیل هم این وهمان را "بی ضرر ساخته" و سرکوب و مغلوب نمایند .

چنین نتیجه ای بی آمد های منفی جدی نه فقط برای خلقهای این دو کشور ، بلکه برای تمام جنبش آزاد بیخشی ملی در سراسر افریقا در بر میداشت . بهین سبب است که نیروهای مترقی خواه در موکراتیک و سوسیالیسم برای کمک بعمل و فصل مثبت مسائل موجود میان انقلابهای آنتیونی و سوسیالی و همی گذاردن توطئه امپریالیستی علیه آنها از حیث اقدامی فرودگذازینکند . بهین علت است که وحدت و انقلابیون در همهجا ، در تمام کشورهای و در تمام مناطق از ضروریات هم روز است .

یکی از ابراهین امکان حل این مسئله ، بعقد ما ، وحدت نیروهای انقلابی در جمهوری توده ای دو موکراتیک بمن استکاد راه ایجاد یک حزب بهشتا ز متحدان بنهاده است . ما با توجه به تجربه خود و همچنین تجربه جنبش کمونیستی و کارگری جهانی بر این عقیده ایم که اتحاد انقلابیونی که در مواضع نزدیک و با واحد سیاسی واید ثولوزیک قرار دارند ، برای عقب راندن دشمن خود ، امپریالیست ها و مترجمین ، دشوار نیست .

ما خوب میدانیم که ویژگی انقلاب در کشور ما چیست . ما بدین نکته واقفیم که بفرنجی شرایط کار ما و فعالیت نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی همزمانا امکان تاج را برای پشتیبانی از انقلابهای دیگر می محدود و میسازد . با اینجهه ما اطمینان داریم که هر چه تمام اینها بر هم توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی علیه خواهی بگرد و همیستی خود را با نیروهای که در راه ضلع ، دو موکراسی مترقی در سراسر جهان مبارز میکنند ، تحکیم خواهیم بخشید .

۱ - از جمله در جنوب افریقا . هیئت تحریریه

کالا های مورد نیاز آن باقی نماند . سیاست استفاده و سهمناک از اعتبارهای خارجی برای مستهلک ساختن کسری که بانک دولت دنبال میکند نتیجه آن افزایش وام کشور شد بد و با بستگی آنست با دشواریهای روز افزونی روبرو میشود .

در نتیجه این طلب کسری موازنه پرداخت ها که با رسمیت برای اقتصاد کشور است ، سه معضل حادی صدل شده است که خطر بزرگی برای کشور بردارد . اگر تدابیر فوری به مقتضای اوضاع کنونی اتخاذ نشود کسری موازنه پرداخت ها شکل رادیکالی گاهش نماید ، بحران مسزوری بهر شکستی مالی باین آمد های و خصمی برای پروموتولید و مصرف منجر گردد . امیرالیمم و ارتجاع کشور براه فلاکتی و نا اطمینان منجر افتاده اند . آنها اینطور تصور میکنند که در شرایط بحرانی سلطه بر میآیند سنگین ترین شرایط سلطه اقتصادی ، مالی و سیاسی را بر مردم ماحتمل کنند .

بهمین سبب است که اتخاذ تدابیر فوری ضرورت پیدا میکند ، باید نیروی تمام ملت را متحرک ساخت تا بتوان بر بحران غلبه کرد ، بر دشواریهای کنونی غافق آمد و سالم سازی وضع اقتصاد کشور را تأمین نمود .

وضع که پیش آمده نتیجه اجتناب ناپذیر بر سنگینی کلی سیاست اقتصادی و اقدامات مشخصی روزانه است که عملاً ساختار زیر سرمایه داری را که انقلاب ایجاد کرده ، ضعیف میسازند . واقعیت بازگرداندن موسسات به صاحبان آنها که از اداره امور کشوردستان کوتاه شده بود و از نو بازآوده و همچنین بازگرداندن اراضی به لا تیفوندیست ها که در مجموع اقدامات خشم آفرین سر عادلانه ای هستند ، بروشنی نشان میدهند که سیاست احیای سرمایه داری نه فقط به پیشرفت اقتصاد ملی منتهی نمیشود ، بلکه در دشواریهای جدی بیابار میآورد ، باعث کاهش کار موسسات و متنزل سطح تولید صنعتی و کشاورزی میشود .

در نتیجه خود کاشکی دولت اراضی به لا تیفوندیست ها بازگردانده میشود و اعضای تعاونی های کشاورزی و واحد های اقتصادی گروهی که در این اراضی کشت و زرع میکردند ، باز هم بیکار میمانند . در ضمن قطعات بزرگی از اراضی کشاورزی به زمین خشک و بی آب و تلف مبدل میشود . زمینهای بسیاری نشان میدهند که بازگشت به لا تیفوندیسم مانع جدی در راه احیای اقتصاد کشور است و اقدامات وزارت کشاورزی و وزارت معادن و صنایع معدنی در اقتصاد است . هدفهای و زیر بارها (از مرتبه حزب کمونیست پرتقال و جیب روهایی سابق) کاملاً روشن است و با احیای اقتصاد کشور هیچ وجه مشترکی ندارند ، اوضاع سخنرانی خود در ۲۱ ژوئن ۱۹۷۷ با مراجع کامل گفت : " اصلاحات ارضی ما از لحاظ ماهیت خود سوسیالیستی است و هدف آن را ندان کمونیست ها از آنناست " . ولی در واقع این فریب حزب کمونیست در آنناست و طریقه مقاصد بارها در زمین و افزایش بی باید و این حزب سوسیالیست است که مواضع خود را از دست میدهد .

زندگی نشان میدهد که اقدامات دولت سوسیالیستی اظتیک که مغایر با ویژگیهای اقتصاد پرتقال است نفعی برای زندگی اقتصادی کشور ، بلکه بدتر شدن وضع اقتصادی و مالی آنرا بد نسیال دارد . در ضمن باید گفت که مبارزات زحمتکشان در امته احیای سرمایه داری را محدود کرده و امکانهای فراهم آورده که تا اندازه معینی دست آورد های مظهر انقلاب نظیر اصلاحات ارضی ، ملی کردن و کنترل کارگری استوار تر شود .

در چنین وضع بغرنجی در ژوئن سال جاری کنفرانس حزب کمونیست پرتقال برگزار شد که خود بنوعی ابراز بیگانه گوی میابد ل گرد بد و در قشرهای مختلف اهالی با واکنش مثبت روبرو شدند . حزب کمونیست پرتقال در ۲۰ مارس سال ۱۹۷۶ ، اندکی پرا زهشتمین گنگره خود به عملست

راه بازسازی اقتصاد پرتقال

کاروش کوشنا

عضو بیرخانه و کمیسیون سیاسی
کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال

سیاست بااصطلاح بازسازی اقتصادی که دولت سوسیالیست ها با تاید حزب سوسیالیست در مرکزاتیک و سوسیال دموکرات مرکز نیال میکند در واقع سیاست برقراری مجدد مواضع سرمایه داری ، لا تیفوندیسم و امپریالیسم است که مانع احیای اقتصاد پرتقال میباشد . این سیاست عملاً در جهت نابود ساختن دستاوردهای انقلاب و بازگشت به نظمیست سرمایه داری دوران فاشیسم است که به بهای بدتر شدن مداوم وضع اقتصادی و مالی و صرف نظر کردن از سیاست ملی مستقل در مسائل اقتصادی تمام میشود .

تولید کشور در حقیقت در حال رکود است . سرمایه گذاری مانند گذشته در نازل ترین سطح است . محصول سال جاری کشاورزی مقداری از بهای کمتر از سال پیش است . در سال ۱۹۷۶ کسری موازنه بازرگانی خارجی نسبت به سال ۱۹۷۵ ، ۲۰۶۰۰ میلیارد اسکود و افزایش یافت و طی سه ماهه اول سال جاری این کسری ۳۵۰ میلیارد اسکود نسبت به سه ماهه اول سال پیش بیشتر شد . طبق آمار رسمی طی دوران اوزونیه ۱۹۷۵ تا آخر فوریه سال ۱۹۷۷ بیکاری تقریباً دو بار افزایش یافته است . دستمزد واقعی طی سال گذشته ۶ درصد کاهش یافته و در نتیجه ثابت نگه داشتن دستمزد ها باعث بدتری رهیگش خواهد نمود . هزینه زندگی از مارس سال گذشته تا آخر مارس سال جاری در لیسن ۳۲ درصد بالا رفته است ، روضه غواری و فساد و احتکار و سفته بازی افزایش یافته است . اختلاف طبقاتی میان تولید ملی و مصرف بیکسری موازنه بازرگانی خارجی منجر میشود که در سال ۱۹۷۵ به ۷۵۰ میلیارد اسکود برسد . این امر نیز نتایج در وضع مالی کشورهای تاثیر داشت . کسری موازنه پرداخت هاد سال گذشته ۲۹ میلیارد اسکود بود و تخام نشانه ها گویا بر آنست که این کسری روه افزایش است . پرتقال ۸۵۰ تن ذخیره طلا دارد (۳۵۰ تن آن تاکنون بعنوان گروگان قرضه مورد استفاده قرار گرفته است) که بهای آن به نرخ کنونی در حدود ۱۳۰ میلیارد اسکود است .

ذخیره اری در حال حاضر ۵۰۰ میلیارد اسکود و بیشتر نیست . در ضمن حال قرضه خارجی (دولتی و کمپانیهای خصوصی) به ۱۶۰ تا ۱۷۰ میلیارد اسکود میرسد و این بدان معنی است که اینبهای ذخیره طلا و ذخیره اری بیشتر است . و خات اوضاع کاملاً روشن است : این امکان وجود دارد که کشور تمام اری و طلا خود را از دست بد دهد و همچنین امید ی هم برای گرفتن اعتبارهای تازه به منظور وارد کردن

و خیم شد در وضع اقتصادی و مالی کشور تصمیم گرفت بطور منظم شرایط اقتصادی کشور را بررسی کند و منابع و امکانات پیشرفت اقتصاد طی رامورد مطالعه قرار دهد . پنجم کمیته مرکزی که چهارم آوریل ۱۹۷۷ تشکیل شد کارهای انجام شده را ارزیابی کرد و قرار داد برقرار خواندن کنفرانس حسرتزب تصویب رساند . کنفرانس باید در اطراف مسئله : "وضع اقتصادی و مالی و راههای غلبه کردن بر شرایط نامطلوب کنونی" تبادل نظر نماید .

در هفته های سیاسی کمبود تصویب پنلوم واقع شد تاکید شده است که "رشد تولید در صنایع کشاورزی یگانه پایه اطمینان بخش برای احیا" و پیشرفت اقتصاد است . در این سند همچنین قید شده است که برای انجام این کار سازمانهای حزبی در موسسات اهمیت ویژه ای دارند و نقش ویژه ای آنها را در واحد های کشاورزی و سایر بخش های تولیدی و همچنین گردیده است . در این سند ضرورت انجام بحث و مذاکره آشکار در باره مسائل اقتصادی در فرصت های مناسب با اشتراک افراد زحمتکش غیر حزبی و اعضای سایر احزاب هت تاکید شده است و زیرا چنین بحث و مذاکره ای مورد علاقه مسوولان تمام اهالی برتقال است .

هشتاد و دو باره رشته های مختلف اقتصاد ای بمنزله رهنمود های اولیه تهیه شده است . در این اسناد اساسا جنبه های مشخص تولید چه در کشاورزی (مانند تولید غلات و دام های روستایی و دامداری ، تولید شیرونی ، آبریزها) ، چه در صنایع (مانند صنایع ماشین سازی ، صنایع درختی و صنایع استخراج معدن ، ریسندگی و بافندگی) و همچنین مسائل مربوط به حمل و نقل ، آموزش و بهداشت و موضوع مالی مورد توجه قرار گرفته است . این اسناد وسیله سازمانهای حزبی که بطور مستقیم با مسائل ویژه هر رشته معین سروکار داشتند انتشار یافت . پس از این حوزه های حزبی و سازمانهای حزبی به مطالعه مسائلی که در این اسناد بدانها اشاره شده بود پرداخته و خود را آماده بحث و مذاکره کردند . ۱۲۸۳ جلسه همگانی تدارکاتی با اشتراک صد ها کارکنان تکنیکی ، اقتصاد دان و ده ها هزار تن از زحمتکشان در سراسر کشور برگزار گردید . در بسیاری از جلسات که با ابتکار حوزه های حزبی تشکیل شده بود اکثریت شرکت کنندگان و فعالین از کمونیست هان بود . حتی دو هفته برای اشتراک در کنفرانس ملی هم براساس همین معیار فرستاده شد و هیئت از ۵۰ درصد دولت نامه هسا به افراد غیر کمونیست داده شد . در جریان تدارک کنفرانس صد ها نامه مخصوصی ۱۹۷۷ نامه دسته جمعی شامل پیشنهاد های گوناگون برای کمیته مرکزی حزب فرستاده شد . بسیاری از پیشنهاد ها از طرف غیر حزبی ها و اعضای سایر احزاب بود .

در نتیجه این اقدامات هدف کنفرانس روشن و دقیق تعیین گردید که عبارت بود از : مشخص ساختن وظایف و تکلیف و راههای حل آنها برای هر یک از رشته های فعالیت اقتصادی و مالی و ویژه برای آنها فیکه وزن شقل بیشتری در موازنه برداخته اند و میتوانند داشته باشند و همچنین تهیه طرح توصیه های لازم و باره راههای کاهش چشمگیر کمتری موازنه برداخته که به منظور افزایش تمام در هوارها ، نیازمند پیاپیجات ضعف اقتصاد برتقال مبدل شده است . به عبارت دیگر هدف کنفرانس تهیه و تدوین طرح تدابیر فوری ، برای از بین بردن کمتری موازنه بازرگانی خارجی و کمتری موازنه برداخته بود ، زیرا رضی اساسی سیاست اقتصادی حزب در همان کنگره هشتم معین گردیده بود .

کنفرانس به این نتیجه رسید که در حال حاضر مهم ترین شرط برای احیای سریع اقتصاد ملی حفظ نظام و سازمانهای اقتصادی موجود در کشور است که کنگره هشتم حزب کمونیست برتقال به موقع خود آنها را تعیین و تشریح نمود و این نتیجه گیری در اعلامیه نهایی کنفرانس انعکاس یافت .

نظام پروسازمانهای موجود در برتقال طبق مصوبات کنگره برقرار است :

- ۱ - نظام غیر سرمایه داری اقتصاد کمربک از سه بخش است :
 - (الف - بخش دولتی در موسساتی که ملی شده اند و موسساتی که با بودجه دولت و وسیله دستگامهای دولتی اداره میشوند)
 - (ب - بخش تعاونی ها و واحدهای کشاورزی دسته جمعی در منطقه ای که اصلاحات ارضی انجام گردیده)
 - (ج - بخش تعاونی های که از طرف زحمتکشان در موسساتی که صاحبان آنها را رهساز کرده اند بوجود آورده شده است)
- ۲ - نظام اقتصادی تولیدات صنعتی تولیدات کوچک و مالکان کوچک و
- ۳ - نظام سرمایه داری و

۴ - نظام اقتصادی که گرایش آن بسوی تبدیل شدن به بخش سرمایه داری دولتی است و از موسسات مختلط دولتی و خصوصی با سرمایه برتقالی ها و با خارجیان تشکیل یافته است (۱) مصالح احیای اقتصاد کشور در حال حاضر حفظ مناسبات تولیدی کنونی را ایجاد میکند و به هر یک از نظام ها سازمانهای اقتصادی در حق موجودیت و پیشرفت میدهد . اصلاحات ارضی امکانات عظیم بالقوه ای را برای تولید نشان داد که در نتیجه ایجاد واحدهای دسته جمعی کشاورزی و تعاونی های که از طرف زحمتکشان و خرد مالکان و مالکان متوسط اداره میشوند ، بوجود میآید . باید به استفاده از زمین را برای همیشه به واحد های دسته جمعی کشاورزی و تعاونی های که اینک مالک زمین اند و برای آن کار میکنند بطور کامل و قاطع واگذر کرد و اراقات خرابکارانه از طرف مالکان بزرگ ممانعت بعمل آورد و تدابیری را که بحق واحد های دسته جمعی کشاورزی و تعاونی ها خدشه وارد میکنند ، برای فعالیت آنها مزاحمت ایجاد میکنند و یا مصونیت آنها را با خطر ماند از نغدغین کرد ، باید مواد قانون اساسی مربوط به اصلاحات ارضی را بموقع اجراء آورد .

کنترل و نظارت کارگری و با نظارت بر اقدامات رهبری برای تأمین فعالیت های موسسات و حفظ و نگاهل آنها ضروری است . موسساتی که از طرف صاحبان عادل و باطل افتاده و کار آنها وسیله کارگران و با پشتیبانی دولت از سر گرفته شده نباید به صاحبان خرابکار آنها باز داده شود . باید بکس خود کارگران برای این قبیل موسسات را معنی یافت ، به اداره امور این قبیل موسسات باید ادامه داد ، باید موسسات مختلط بوجود آورد ، آنها را به بخش دولتی به تمام مالکیت تعاونی و نظارت آنها واگذر کرد . موسسات ملی شده باید بمنظور عده احیای اقتصاد کنسریدل شوند . رعایت گرایش ملی کردن و واگذاری نقش قاطع به موسسات ملی شده در اقتصاد کشور مانع از آن میگردد که سرمایه داری قبیل موسسات بدست مالکان خصوصی افتد .

در باره بخش سرمایه داری و از جمله موسسات کوچک و متوسط باید قوانین متناسبی وضع کرد و وسائلی برای تشدید فعالیت آنها فراهم آورد . این بخش در شرایط مشخص برتقال میتواند نقش جدی و درگش و اراقت آنها کند و تولید کالا هائی را که اینک از خارج وارد میشود سرمایه داری دهد . در این عرصه است به خرد مالکان و مالکان متوسط کمک کند ، باید کمک های فنی و اعتباری را اختیار آنها بگذارد ، در فروش و صرف محصولات آنها طبق قیمت هائی که قبلا تهیه شده و در ایجاد تعاونی ها و انجام اقدامات نظیر پیشتر م گردد .

1 - Alvaro Cunhal, A revolução portuguesa. O passado e o futuro. Edições "Avante!" 1976, P.281

مردم پرتقال ، تمام استشارهوندگان ، تمام قشرهای زحمتکش ، تمام طبقاتی که در تحکیم و مکرکراسی و دفاع از استقلال ملی ذنبق اند فقط به چنین سیاستی که برواقعیات اقتصاد کشورما بنیاد نهاده شده ، واقعیاتی که در نتیجه انقلاب بوجود آمده و در قانون اساسی تثبیت شده ، نیازمندند . بعقیده شرکت کنندگان در کنفرانس وضع کنونی بعد از پیرزمنهازند است .

بهری از سیاست اقتصادی که مگندم بر هر چه جز افزایش تولید و کاهش کسری موازنه پرداختها در ضمن حفظ نظا موازنه انبهای اقتصادی موجود و یاد رفتار گرفتن وزن ثقل و دینامیک پیشرفت ویژه آنها ، اساسی گذاری شده باشد .

کاهش واردات و افزایش صادرات از طریق حدا سیمه و تبق تمام امکانات هنگام انتصاب قهرست تولیدات کشورما و با برتری کامل برای کالا هائی که از بیشترین قدرت و نیاز را در قیاس برخوردارند و با نیازمندی به سرمایه گذاری دارند ، و هم هنگام ساختن نظارت دولت بر صادرات و کمک بدان بهنگام طبقه بندی واقعی مناسبت خارجی و بهیروی از سیاست استقلال ملی و

افزایش تولید کالا هائی که کمترین صادر میشود بر اساس حدا اکثر استفاد ه از ظرفیتهای ملی ، امکانات تولیدی موجود و ذخایر نیروی کار بمنزله شرط لازم برای برقراری تعادل و توازن در موازنه پرداختها و بحای اقتصاد کشور .

تعمیل منابع درآمد های خارجی مانند (جهانگردی ، بروات و حواله های نقدی سیاهچرین) که برای تحمل بار واردات امکان فرار همیاورد و انتقال اعتبارهای خارجی به دایره تولید در چین حفظ حق حاکمیت ملی ، استفاده از اتمت امکانات برای گرفتن اعتبارهای بین المللی با شرایط مساعد تر منظر تقویت پتانسیل تولیدی کشور .

انحاد سیاست خشن و آشتی ناپذیر نسبت به هزینههای غیر تولیدی و بیفایده و با صرفه جویی کامل در منابع (انرژی برق ، سوخت ، مواد خام و غیره) .

تمام اینها دایره که در جهت سالم سازی اقتصاد و از جمله کاهش ادم و از میان بردن کسری موازنه پرداخت ها در کوتاهترین مدت است باید متکی بجهات عمده پیشرفت اقتصادی باشند . هدفهای اصلی این پیشرفت هم منافع مرد هواستقلال ملی است .

اقتصاد در آن واحد وابسته به یک سلسله عوامل است که عبارتند از : سیاست ملی ، پایه پذیرش نیاز موازنه های اقتصادی و موجود و تنفیق تدابیر نظارت بر اقتصاد و دستگیری در فعالیتهای اقتصادی و مالی بطرز صحیح مانند (برنامه ریزی ، سیاست اعتبارها و سرمایه گذاری ، سیاست ارضی و صنعتی ، سیاست در رشته بازرگانی و قیمت ها) .

در ضمن حال روش اقتصاد کشور وابسته به عامل دیگری نیز هست که آن همان هنگام ساختن مساعی دولت و موسسات و زحمتکشان ، روح و دینکار آنها در چهارچوب سیاست تعیین شده و برنامه ایست که باید بجزایه اجرا در آید .

کنفرانس ملی حزب کمونیست پرتقال بدین نتیجه رسید که کاهش سریع و وسیع ازین بردن کامل کسری موازنه بازرگانی خارجی و کسری موازنه پرداختها امکان پذیر است . اما شرط دست یافتن بچنین نتایجی این است که پیشنها ها هائی که بمتصویب کنفرانس رسیده و همان روز با اطلاع مردم رسانده شده است مورد قبول و موافقت دولت واقع گردد و تدابیر مشخص مورد نظر تحقیق پذیرد . شرکت کنندگان در کنفرانس بر این عقیده اند که تولید محصولات کشاورزی و جنگل ها را در ظرف دو سال تقریباً تا دوازده میلیارد اسکود و میتوان افزایش داد . طبق محاسبات مقدّماتی تولیدات صنعتی تا مدتی میتواند افزایش یابد که از لحاظ ارزش کلی از حجم تولیدات کشاورزی فراتر رود . این امکان نیز وجود دارد که

در مدت کوتاهی واردات رانزد یک به ۲۸ میلیارد اسکود و کاهش در هم ، از جمله ۱۱ میلیارد حصاً زیر صرفه جویی شد بدو ۱۷ میلیارد از طریق کاهش واردات با محصولاتی که در داخل کشور تهیه میشود . بسط و تکامل توریم ، صادرات و افزایش مقدار ارزی که از سیاهچرین بدست میآید امکان میدهد تا کسری موازنه پرداختها جبران گردد .

سیاست سالم سازی اقتصاد که از طرف حزب کمونیست پیشنها میشود بر اساس ساختارهای اجتماعی - اقتصادی موجود بین ریزی شده است میتواند نتایج مطلوبی ببار آورد که از آن جمله است دست یافتن سریع به تعادل اقتصاد پرتقال ، کاهش نرخ بومی صرطرف ساختن غائی کسری موازنه پرداختها ، آزادی از زیر بار وامهای خارجی ، پیشرفت اقتصاد پرتقال بر پایه اصول و مکرکراسی ، ترقی و استقلال ملی . اما روش زندگی اقتصادی فقط با اشتراک زحمتکشان امکان پذیر است .

زحمتکشان کشور که بوظیفه خودی برده اند آماده اند که در این پروسه بطور اطمینان ، آگاهانه و خلاق شرکت ورزند .

دولت کنونی سوسیالیستها تا به حل مشکلات ملی نیست . سیاست دولت که عبارتست از احیای مواضع سرمایه داری ، لا تفیوند بسم و امپریالیسم ، عدم کفایت تمرکزیشی آن و فقدان پشتیبانی مردم ، همه باعث حادث شدن این مشکلات است و نه حل و فصل آنها . بهین سبب است که تمام نیروهای سیاسی کشور رجستجوی می در گیری هستند که جایگزین این سیاست گردد . (۱)

نیروهای ارتجاع میگویند خط مشی و حکومت مورد نظر خود را به دولت کنونی تحمیل کنند . با اصطلاح " توافق و مکرکراسی " یعنی بلوک حزب سوسیال دموکرات و سوسیال دموکرات مرکز - در واقع بمنزله اتحاد اجتماعی عمل میکنند که هدفش تشکیل آشکار و پنهانی راستگرا با و پدید آمدن اشتراک حزب سوسیالیست است . چنین روشی نه فقط اقتصاد کشور را سالم نمیکند ، بلکه در مدت کوتاهی راه را برای دیکتاتوری تازه ای هموار خواهد ساخت .

این دموکراسیها هستند و نمرتجمین که قادرند اکثریت تولید مکرکراسی را تا بین کنند و فقط زحمتکشان رتوبه های مردم و نه سرمایه داران ، مالکان بزرگ و امپریالیست ها کطیله مردم پرتقال

۱ - دولت سوسیالیست ها علمرفم و تد هائی که به انتخاب کنندگان داده و علمرفم برنامه حزبی و روش خود این اواخردست با قد اماتی زده که با منافع زحمتکشان مغایرت دارد و بیشترین دست آورد ها و انقلاب را بمانا بوری تهدید میکند . از آن جمله است : با اصطلاح قانون چارتن " در باره اساسهای اصلاحات ارضی نوین " که جایگزین قوانین ارضی پیشین یعنی قوانینی گردیده که در نخستین سالهای انقلاب پرتقال بمتصویب رسیده و بدین ترتیب آشکارا مواد قانون اساسی را نقض میکنند ، همچنین قوانینی درباره پرداختها و تسهیلات ، صاحبان قدیم موسسات ، بانکها و شرکت های بیمه ای شده و بمتصویب رسیده است . کمونیستها با بررسی همه جانبه وضعی که پیش آمده و در ناتمام کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتقال (ژوئیه سال جاری) پیشنها های خود را برای بحث و تصویب کرده به مردم پرتقال عرضه داشتند . در این پیشنها ها استغفای دولت فعلی ، انحلال پارلمان و انجام انتخابات تازه و پیش از موعد مقرر گجانده شده است . حزب کمونیست همچنین پیشنها کرده است با استفاده از موازین قانونی قضائی موجود از اجرای قوانینی که چندی پیش در اجلاس سه جمعیوری به تصویب رسیده ، جلوگیری شود .

هیئت تحریریه

استقلال ملی عمل میکنند ، قادر به انجام این امرند . چنین اکثریتایی فقط با اشتراك حزب کومنیست ، حزب بزرگ زحمتکشان میتواند تحقق یابد و بیجان نمیتواند بر ضد حزب کومنیست باشد .
 کنفرانس ملی اعلام داشت که حزب کومنیست پرتغال در آینده نیز تمام سیاسی خود را در راه رسیدن به وحدت تمام مردان و زنان پرتغال کمیکوشند مانع از این رکشت به گذشته فاشیستی گردند و از پیشرفت پرولت و موکراتیک دفاع میکنند مصروف خواهد کرد . حزب کومنیست پرتغال بار دیگر آمادگی خود را برای بررسی امکانات تهیه و تدوین کارنامه مشترک ملی با تمام نیروهای دموکراتیک و محافظی که در ادامه پرولت دموکراتیکه کردن کشور و دفاع از رژیم متکی بقانون اساسی زمینند ، بدو استثناء تاکید کرد . چنین کارنامه مشترکی باید احیای اقتصاد ، تثبیت آزادیهای سیاسی و تحکیم استقلال ملی را تامین کند .

مابجرات میتوانیم بگوئیم کنفرانس به هدف های خود دست یافت . زیرا واداشته قراردادهای که از طرف آن به تصویب رسیده بهتر از انتظارها بود . در کنفرانس ۱۱۱ نماینده سخنرانی کردند و کمسیون آن ۳۵۰ پیشنهاد و تذکره اصلاحی در باره طرح قرارها از سر کشتندگان در کار کنفرانس دریافت کرد .

هیچگاه در کشور ما تا این حد اخبار و اطلاعات گردآوری نمیشد ، چنین تجزیه و تحلیل دقیق و جزئی انجام نمیگردد و در باره امدها نیز مشخص تا این اندازه قرار و توضیحی معارف بصورتی نمیرسید . این کنفرانس از لحاظ وسعت دوره اشتراك کنندگان در آن و خصلت خلقی بحث و مذاکره نمودند و تلویزی برنامه ریزی و اقدام موکراتیک بود . میتوان گفت که در تمام تاریخ کشور ما ، هیچوقت مردم اینطور عمیق در مسائل ملی و اقتصادی وارد نمیشدند ، هیچگاه سیاست اقتصادی و چنین تعریف و تمهین همه جانبه مشروح و دقیق نیاقتند بود . چنین امری در پرتوشیوه کار حزب کومنیست پرتغال امکان پذیر شد ، زیرا بررسی عمیق مسائل در ضمن اشتراك مستقیم ، گسترده و گاملا و موکراتیک زحمتکشان از خصایص آنست .

پیدایش و تشکل طبقه کارگر در سوریه

یعقوب گارو

عضو کمیته مرکزی حزب کومنیست سوریه

بطوریکه معلوم است یکی از مشخصات اساسی انقلابهای ملی - دموکراتیک معاصر افزایش اهمیت جنبه های اجتماعی - طبقاتی آنهاست . بهمان نسبت که زندگی و وظائف و مسائل تازه پیشرفت را مطرح میکند ، تضادها و مبارزات طبقات و قشرهای مختلف جامعه مستند پذیر میگردد . البته در کشورهای که مورد تجاوز مستقیم امپریالیسم با متحدین آن قرار میگیرند ، مانند برخی از کشورهای عربی و از جمله سوریه ، وظائف ملی همگانی مانند گذشته در درجه اول اهمیت قرار دارند . اما در این مناطق هم پرولت های مرزبندی اجتماعی که در همان شکل برخورد طبقات مختلف اجتماعی بمسائل ملی همگانی انعکاس پیدا میکند ، خیلی بیشتر از هر زمان دیگری در خصلت حل و فصل این مسائل تاثیر میبخشند . پیدا این تغییرات تازه در تمام جنبه های طبقاتی اصلی و در اوضاع کنونی در بسیاری از کشورهای در چشم اندازهایی که در برابر آنها کشود میشود ، مشروط واقع میشود .

پیدا این تشکل تا بقدری که منزله عامل شریک و صاحب نفوذ در زندگی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا ، از این نقطه نظر اهمیت ویژه ای دارد . با آنکه تا بقدم کارگر هنوز اکثریت قاطع این کشورهای نیروی اجتماعی مسلط نیست ، تا امروز افزون آن در سیاست شخصی گروههای رهبری آغاز گردیده است . در ضمن طبیعی است که ضمن موضع طبقاتی آن و جهت و اشکال مبارزات واحد و زیاد ، بستگی به خصلت سنگینی کلی پیشرفت این همان کشور دارد . کم . این مسئله بطریق اولی از آن لحاظ جانب است که در کشور ما که چنانکه مبد اینهمان کشورهای آزاد شده یکی از نخستین کشورهای بود که در راه پیشرفت و ترقی گام نهاد ، وظایف عقیم گذاردن کوشش هایی که برای تخمین سنگینی آن بعمل میآید در حال حاضر مبارزات و سپهر است .

پرولت پیدا این تشکل طبقه کارگر سوریه و مبارزات در راه منافع ملی همگانی و منافع ویژه طبقاتی خود مقدم بر هر چیز ، بسط و رشد جنبش مندی با یکی انعکاس یافته اند . نخستین اتحادیه کارگری در کشور ما در سال ۱۹۲۵ یعنی فقط یکسال بعد از تاسیس حزب کومنیست سوریه بوجود آمد . آنرا کارگران بافتندگی ایجاد کردند . این امر ویداد مهم تاریخی در پیشرفت جامعه سوریه بود . تشکیل اینس اتحادیه و راتحاد و زیاد ی فعالیت حزب ما و روزنامه غیر ملکی حزب در آن دوران " شفق سرخ " تدارک دادند ، زیرا اندیشه و آگاهی سوسیالیستی را بنیاد و های زحمتکش میرساندند . در سال ۱۹۲۸ ، کارگران چایخانه ها اتحاد به خود را بوجود آوردند . بعد ها بتدریج اتحادیه های دیگری ایجاد میشد

در سال ۱۳۳۸ با پشتیبانی جدی کمونیست‌ها در راسین عمومی کارگران سندیکاها سازمان پیدا کرد. تاریخ ۵۰ ساله اتحاد بهای کارگری سوریه، در تاریخ مبارزه زحمتکشان در راه خواستهای اقتصادی و سیاسی بسیار است که هنگام با جنبش هنگامی ملی - دموکراتیک علیه رژیم استعماری انگلیس - توری های ارتجاعی که یکی پس از دیگری بوجود آمد و بر ضد پیمان ها نوشته های امپریالیستی بود کفرب به سوریه تحمل میکرد. طبقه کارگر نخستین پیروزی خود که انتشار نخستین مجبوه قوانین کار بود در ژوئن سال ۱۹۶۶ (پنج بلافاصله پس از خروج ارتشهای بیگانه از سوریه) دست یافت.

گروههای اجتماعی محافظه کار و از جمله بورژوازی میگویند که در تاریخ گذشته جنبش سندیکا کس خارج از چهارچوب های اقتصادی فقط بشوند. در سال ۱۹۵۲ فرمانی صادر شد که ورود اعضای سندیکاها به احزاب سیاسی را ممنوع میکرد. ولی توده های زحمتکش، سوسیالیست ها و کمونیست ها و سایر اعضای مترقی سندیکاها به تدریج گسترده و دامنه داری علیه این فرمان ارتجاعی دست زدند. در نتیجه اعتصابات و تظاهرات های اعتراضی آمیز که پیروزه در سال ۱۹۵۶ داشته و نتیجه یافت این فرمان طغی شد. برسمیت شناختن روزاول ماهه بنحله جشن سالانه زحمتکشان از طرف دولت که سابق بر آن از برگزاری این جشن معافیت بعمل می آورد نیز یک پیروزی مهم سیاسی در طبقه کارگر بود.

افزایش تعداد کارگران و رشد فعالیت سیاسی طبقه کارگر ارتجاعی در سوریه پیوسته اجتماعی سوریه بود. همان نسبت که در یونانی طبقه ارتجاعی و احزاب آنها در میان پیشرفت سریع اقتصاد ملی آشکار میشد و فعالیت های ضد خلقی آنها افشا میگردد، تحت تاثیر مقتضات عینی پیشرفت شرایط برای تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی و مترقی فراهم میشد.

پروژه ایجاد این درگروهها پیروزه در اوایل سال ۱۹۵۶، یعنی هنگامیکه در میان کارخانه و شرکت متعلق به بورژوازی ملی شد، تشدید یافت. گامهای بعدی رهبری کشور که از جنبش های چپ گرا تشکیل یافته بود، در همین جهت به ایجاد بخش دولتی قابل توجه و متوسل در انجام اصلاحات ارضی که در سال ۱۹۵۸ اعلام شده بود انجامید. بورژوازی و مالکان بزرگ را از کامیت خنوم ساخت و منفوق آنان ضربه شدیدی وارد آورد. حکومت بدست دموکراسی انقلابی افتاد و بدین ترتیب زمینه لازم برای برقراری همگامی معنی میان نیروها و احزاب مترقی، پیوسته در حزب کمونیست و حزب بحث بوجود آورده شد. گسترش دامنه این همکاری در سال ۱۹۶۲ منجر به تأسیس جبهه ملی مترقی گردید. تمام اینها یعنی گام نهادن سوریه در راه پیشرفت مترقی سوسیالیستی بود.

تشریح رهبری در تحققی در پیشرفت تاریخه رانه طبقه کارگر، بلکه انقلابیون دموکراتیک با امپریالیسم پیوسته داشتند. اما تندی نیست که مبارزه با طبقه کارگر و رخصت این درگروهها تا تاریخ پیشرفت. آزادی دیگر عوامل خارجی و مقدم بر همه افزایش قدرت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، موفقیت های عظیم آنها در تارخه های پیشرفت هم مؤثر بود. میان جبهه ملی اجتماعی وسیع در سوریه اعتقاد به اینکه گام راهی بخش پایان دادن به عقب ماندگی و استحکام استقلال ملی و مترقی مداوم اجتماعی - اقتصادی و پیشرفت در جهت سوسیالیسم است. قوت ملی گرفت. این گرایش در حزب حاکم باعث هم پیوسته آمد.

همانطور که در برنامه حزب ما، (موضوع کنگره چهارم) قید گردید که پیروزی انقلاب ملی دموکراتیک در سوریه دوران رشد غیرسرمایه داری کشور را آغاز کرد. است که طبقه فترتی آن عمارت افزا هم ساختن شرایط مقدماتی عینی و ذهنی ضروری سوسیالیسم است.

عده مترقی این شرایط بشرح زیر است:

آمارگی و تشکل طبقه کارگر با اندازه کافی نیرومند و فعال با هسته اصلی آن یعنی پرولتاریای

صنعتی، رشد آگاهی سیاسی در سطح عالی در صفوف آن وجود حزب انقلابی نیرومند یک فعالیت خود را بر پایه اصول سوسیالیسم علمی بنیاد نهاده و نقش پیشگام انقلابی را ایفا کند. حال بهینم تشریح و توصیف کلی، مقام و نقش طبقه کارگر در سوریه چگونه است؟

مقدم بر هر چیز باید یادآور شویم که هنوز سطح کلی اشتغال بکار بسیار پایین است. کسانی که بکار اشتغال دارند فقط ۴۲ درصد افرادی را که قادر بکار کردن هستند، تشکیل میدهند. یکی از علل عدم مانعیزی این شاخصی اشتراک زنان در کارهای دیگری غیر از خانه داری پیروزه در شهرها است. تقریباً شش دهم افرادی را که قادر بکار کردن هستند، زنان تشکیل میدهند. ولسی سهم آنها در تعداد کلی افراد شاغل از ۲۰ درصد تجاوز نمیکند. با وجود این پیشرفت معین اجتماعی و فرهنگی در کشور همچنان بالا رفتن مداوم هزینه زندگی هرچه بیشتر زنان را بزندگی اجتنافس جلب میکند. افزایش تدریجی تعداد زنان کارگر در موسسات صنایع سبک و سنگین یکی از بزرگترین پیروژه است.

نیمی از افراد مشغول بکار در حال حاضر در کشاورزی و ۳۰ درصد در رشته خدمات بازرگانی ارتباط، خدمات مالی و اجتماعی و همچنین در رشته حمل و نقل کار میکنند. از آنجا که سطح درآمد در این رشته بطور کلی بالا است تقریباً ۱۰٪ کانون جاده به کار نیرومند تری را اغلب بزبان صنایع ایفا میکند، رشته صنایع علیرغم پیشرفت بسیار سریع خود نعلاً فقط از ۱۵٪ نیروی کار استفاده میکند. پیچیده حزب کمونیست سوریه برای تفسیر تدریجی این وضع باید تا بهر از زمان اتخاذ گردد.

طبق آمار در راسین همگانی کارگران سندیکاها تعداد افراد زحمتکش در رشته های غیر از کشاورزی در سال ۱۹۶۲ به ۳۶۳ هزار نفر رسیده که ۱۵۳۳۰ تن از آنها در بخش دولتی و ۲۱۰۰۰ تن در بخش خصوصی کار میکردند. اگر در نظر داشته باشیم که تقریباً سه چهارم این افراد در تولید کار میکنند و ۲۰ تا ۲۵ درصد از آنها همکارانند هستند آنوقت معلوم میشود که شاغلین "خالص" در تولید باید بین ۲۰۹ تا ۲۲۰ هزار نفر باشد. با توجه به اینکه افزایش سالانه تعداد افراد شاغل تقریباً ۲ درصد است، طبق محاسبه ما تعداد کلی این افراد در حال حاضر باید نزدیک به ۲۸۰ هزار نفر باشد.

بدین ترتیب وزن مخصوص کارگران صنایع نسبت به تمام اهالی قادر بکار کردن در کشور هنوز بسیار نیست، ولی در پیروژه پیشرفت اقتصادی این رقم مرتباً افزایش مییابد. هنگام ارزیابی تقریباً کمی طبقه کارگر این نکته را باید در نظر گرفت که سهم "متوسط سرنانه" در ایجاد درآمد ملی فرد شاغل در صنایع تقریباً دوبرابر سهم آن شاخه را برود کشاورزی است (در سال ۱۹۶۴، ۲۵ درصد درآمد ملی از صنایع بدست آمد که در ۴۳ درصد آن به بخش دولتی تعلق میگرفت) - این نیز باید است. زیرا در صنایع پیروزه در بخش دولتی در تولید از وسایل شریک تری نسبت بکشاورزی استفاده میشود و در کشاورزی علاوه بر این پیوسته تولید تاحد زیادی وابسته بشرايط جوی است. بدین سبب هم با پیشرفت سریعتر صنایع، نفوذ اقتصادی و بالقوه نفوذ اجتماعی - سیاسی طبقه کارگر هم مرتباً زندهتر می شود.

طبقه کارگر نقش از لحاظ کلی، بلکه از لحاظ کیفی نیز زنده میکند، بدین معنی که سطح تخصصی کلی این طبقه بالا می رود و متزکر آن پیروزه در بخش دولتی تشدید میگردد، بخصوص که برای این بخش موسسات بسیاری با یکدیگر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ایجاد میگردد. در همین حال آگاهی طبقه ملی و سیاسی پرولتاریا هم بیشتر میشود.

افزایش تعداد افراد زحمتکشی که اعضای سندیکاها هستند از ۲۷۶۰۰ نفر در سال ۱۹۵۵

تا ۲۹۶۰ نفر پراکنده سال و تا ۱۹۱۸۰۰ نفر در سال ۱۹۲۲ خود می‌تواند نشانه ای بسیار نا
از این پروسه باشد. در ضمن این نکته جالب توجه است که ۷۰ درصد اعضای سندیکاها و کارگران
شافل در بخش دولتی تشکیل می‌دهند که بیش از پنج ششم مجموع کارگران این بخش اند، در حالی
که فقط یک سوم کارگران بخش خصوصی عضو سندیکاها می‌باشند.

در ضمن حال به شهر کارگران کشاورزی هم که اینک در حدود ۲۰۰ هزار نفر است افزود می‌شود.
آنها با تغییرات بسیار کم در تقسیم کار و تغییرات اساسی در سیاست و تمدن و پروتکل‌های صنعتی و اقتصادی
میدهند. متأسفانه کارگران کشاورزی اتحادیه‌ای ندارند و در ترکیب کلی قد راسیون در دهقانان متشکل
شده اند. کمیونتها و نمایندگان سایر نیروهای انقلابی کشور خواستار آنند که به پروتکل‌های پروسه
امکان داده شود سازمان حرفه‌ای خوبی را (همان‌طور که در گذشته داشت) بوجود آورد.

طبیعی است که هنگام گفتگو از افزایش کلی سطح آگاهی طبقاتی - سیاسی توده‌های
زحمتکشان نمیتوانیم به بغرنجی این پروسه که با دشواریهای عینی و ذهنی همراه است بی‌اعتنا باشیم.
بخشی از آنها وابسته به شرایط اجتماعی - سیاسی ویژه و برخی پدیده‌های منفرجه هستند، پیوسته
اگر از خط منحنی ای که بطور کلی مترقی است بطور یکجانبه پیروی نشود. اگر تداوم برای دفاع از
اقتصاد ملی در مقابل فعالیت‌های استثمارگرانه انحصارهای امپریالیستی، بی‌آند‌های نامطلوب
تقسیم بین‌المللی کاربرد نیاوریم، با اقدامات خرابکارانه بورژوازی بازگشتی طبیعی محلی و
خرابکاری و روشه‌خواری اتحاد می‌شود و اندازه کافی نباشد.

از این موجودات قبیل مشکلات و تشدید بد برخی از آنها از جمله نتیجه ماهیت طبقاتی نیروهای
است که حکومت را در دست دارند. زیرا آنها با اندازه کافی به نیروی عظیم توده‌ها ننگه ننموده و از
امکانات تمام نیروهای مترقی جامعه کاملاً استفاده نمیکنند. در این نیز تردید نیست که در پروسه
گوش‌جوت اجتماعی مختلف به شرفت جامعه در چهارچوب وظیفه‌های عمده متحد و مانده اند و این
وظیفه چنانکه می‌دانیم اینک عبارت از آزاد ساختن اراضی اشغالی و احیای حقوق قانونی مسترد
و تضمین است. این شرایط بسیار بغرنجی که مبارزه طبقاتی در ادوار آنها جریان دارد در فعالیت
نیروهای انقلابی مشکلات معینی بوجود می‌آورد و اغلب وسیله‌های را دستگیر برای متوقف ساختن
این مبارزه و اختفای وظائف اجتماعی - طبقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در دوره نیز مانند سایر کشورهای در حال رشد منبع اساسی تشکیل صفوف طبقه کارگر را
دهقانان کسبه و اصناف که بتدریج بکارگرفته می‌شوند، تشکیل می‌دهند. اغلب روستا زادگان
روابط نزدیک اقتصادی خود را با روستا حفظ می‌کنند. بطور مثال همه پرسی محلی ۱۰۰ کارگر در
شهر تیکه که همزمان با مسافرت ساخته شده روشن کرده که ۴ درصد آنها دارای درآمد اضافی از
اراضی زیر کشت اند. طبیعی است که این افراد بدون گذراندن مکتب تعلیم تربیت طبقاتی به
ارتز کارگری می‌پیوندند و بدین ترتیب ارتزنگر و روحیه خرده بورژوازی، متحد و بدین بخش آگاه‌هستی
اووگرایی به درد و متعلق سیاسی را به صفوف پروتکل‌ها می‌آورند.

در جمع‌حصول نمیتوانند در رشد بلوغ طبقه کارگر موثر نباشند. بیسواد می‌مان زحمتکشان نه
فقط که کاش نمی‌باید، حتی تا اندازه ای هم افزایش یافته است (طبق گزارش که به هم می‌دهند همین
کنگروه در اسیون همگانی کارگران سندیکاها در سال ۱۹۲۲ در ایدند، اگر رصدها همسواد در سال
۱۹۲۲، ۵۲ نفر بود در سال ۱۹۲۲ ۷۵ نفر افزایش یافت.) طبق آمار، اول ژانویه سال ۱۹۲۲
باز در رصدها شافل در ادوار و پروموسات دولتی در بخش دولتی بیسواد بوده اند.
واضح است که بدین وضعی مانع رشد بازاری اجتماعی را در دستورها ماسعسی

فرزادگی برای افزایش سطح آبادگی حرفه‌ای یکبار برد می‌شود، ولی کارگران غیرماهر بی تخصص
هنوز هم اکثریت مطلق طبقه کارگری را تشکیل می‌دهند.

فرزادگی از چند نیروی کار و وقت کم بر حده فراخشن متخص آنرا هم که درجه‌ها مختلف و از جمله
بخارجه آنجا هم می‌گردد باید یاد آور شد. این پدیده ناشی از بالا رفتن مداوم قیمت‌ها و اگر اساسی
روافزون بود، پیمانچه‌ها، شکست‌ها حمل و نقل، کاهش دستمزدها واقعی و سایر این پد تشدید شرایط
زندگی توده‌ها را زحمتکش است. یکی از موارد این فراخشنی کار انتقال این بخش دولتی به بخش
خصوصی اقتصاد و پیوسته به محیط خدمات و صنایع دستی است. در این شرایط موسسات بخش
دولتی با گروه‌های تازه‌ای از کارگران نافرمانت و آمادگی لازم سروکار پیدا میکنند و برخی از آنها
بخشی کارگزاران تولیدی می‌مانند و این پدیده واقعیت‌های اقتصادی آنها را با کمترین
میاورد. هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد و موجب استیفات و فراخشنی کار را فراهم می‌آورد.
شرایط ناسازگار زندگی تعدد هزینه بیشتری از کارگران را مجبور می‌کند که به رانیمیا رسدن وقت
کار را علیشان در تبادل کسب و کار دیگری بروند. اغلب آنها چنین امکاناتی را در بخش خصوصی پیدا
میکنند.

چنین است برخی از عوامل عینی و ذهنی که شرایط کلی زندگی و مبارزه طبقه کارگر سوریه را
بوجود می‌آورد. ولی بطریق همین این مشکلات نقش سیاسی آن در زندگی کشور افزایش پیدا می‌کند.
زحمتکشان سوریه در مراحل مختلف به شرفت پروسه انقلابی توانستند به موفقیت‌های مهمی دست
یابند. نمایندگان طبقه کارگر در فعالیت‌های شوراهای اداری مؤسسه‌های کسلی شده است. شرکت
می‌ورزند، ۵۱ درصد از نمایندگان شورای خلق (پارلمان) را کارگران، دهقانان و اصناف تشکیل
میدهند. در شوراهای محلی هم نمایندگان زحمتکشان بهمین نسبت است. از سال ۱۹۲۶ صدر
قد راسیون همگانی اتحادیه‌های کارگری و صد نفر راسیون همگانی دهقانان در فعالیت شوروی
عالی برنامه‌ریزی اشتراکی دارند.

در سال ۱۹۲۴ قد راسیون همگانی اتحادیه‌های کارگری تصمیم به ایجاد شوراهای کمیته
های تولیدی گرفت تا بدین ترتیب توجه نظارت کارگران بر موسسات تامین گردد. این پدیده
مهم اتحادیه‌های کارگری بود. برگزاری کنگره‌های کمیته‌ها و شوراهای تولیدی در نقاط مختلف
و وسیع تشکیل کنگره ملی آنها در فوریه سال ۱۹۲۶ که صد شوروی نیز بران، عده‌ای از وزیران،
تا نمایندگان رهبری حزب بعثت و پیروان جریانی قد راسیون همگانی اتحادیه‌های کارگری در آن شرکت
کردند و عزم را به تشکیل کنگره در دفاع از این بخش دولتی و متحد شدن با اقتصاد مستقلی بسوی
و مبارزه در راه استقلال اجتماعی - اقتصادی آن شرکت و طرح ریزی و تهیه برنامه‌های تولیدی و
نظارت بر اجرای آنها نمودار ساخت. تردید نیست که تصویب قانونی که موجود است این شوراهای
را تثبیت کرده و حدود اختیارات آنها را بدقت تعیین نماید به گسترش هر چه بیشتر فعالیت طبقه
کارگر خواهد افزود. حزب ما برابر این عده است که افزایش نقش کمیته‌ها و شوراهای تولیدی به هنگام
حل و فصل مسائل مختلف تولیدی بسوددها می‌ماند.

طبقه کارگری سوریه و تا بزحمتکشان کشور به وضع در شوری که در نتیجه تجاوز شرایط بوجود آمده
و از جمله به ضرورت صرف هزینه‌های بسیار زیادی که به سه چهارم بود چه کشور با بلخ میگرد، به منظور
حفظ و تحکیم قدرت دفاعی کشور، کاملاً بافتند. آنها علاوه بر مبارزه خود را در راه بهبود شرایط
زندگی با دفاع و پشتیبانی از مشی منهن پرستانه و مترقی و مبارزه علیه امپریالیسم، صبیونسم و ارتجاع
در هم آمیزند. هر دو این وظائف از بدگاه زحمتکشان با هم پیوندی ناگسسته دارند و جالب است

کاکا می موجود چنین ارتباطی در موضعی که کاملاً صیقل پرمیخته طبقه کارگر هنگام جنگ اکتبر ۱۹۲۲ ویران و همچنین در جنبش در راه بالا بردن سطح بازدهی کار در بخش دولتی بازتاب یافته و می باشد.

در اینجا باید خصوصاً برای اوضاع تمام کشورهای در حال رشد با مستگیری متروقی جنبه مشترک دارد یاد آور شد. رشد و تکامل آگاهی طبقاتی - سیاسی خودها در زحمتکشان اینجا منجر میشود که مبارزان در اوضاع و احوال مشابه هر چه بیشتر شکل و وضوح دیگری غیر از آن بخورد میگردد که در کشورهای که راه رشد سرمایه داری را گزیده اند چشم‌پوشی و بدین معنی که از لحاظ خصلت خود مبارزه ایست میشود. طبقه کارگر خود را نیروی ابرویسین حساب نمی آورد و دست بافد امانتی نیزند که کشورهای ارتجاعی بتوانند از آنها علیه رژیم های متروقی استفاده کنند. برخورد تازه کارگران نسبت به کارگر در دوره پید آمدن و کوشش برای بالا بردن بازدهی کار در بخش دولتی از جمله در اینجا هم با بقا کیفیت محصولت و نشان بر اینها انعکاس پیدا میکند.

در همین حال این نیروی است که دست بد پیشپناهی از منشی متروقی، گسترش زینهای توده ایگان و اینجا موفقیت آمیزینا همهای پیشرفت نیا زیند اتحاد تدا میرلا زم بسود زحمتکشان، اعتماد فراوان به طبقه کارگر و سازمانهای سندیکائی و سیاسی آن افزایش نفوذ آن در تمام رشته های زندگی جامعه است. تنها بالا بردن سطح تولید و افزایش بازدهی کارگائی نیست، اگرچه این هر دو محتاج اهمیت بسیارند. کیفیت و چگونگی تقسیم درآمد ملی و آنچه واقعاً برای بهبود زندگی توده های زحمتکشان اینجا میشود نیز بهمان اندازه مهم و حیاتیان توجه است.

افزایش تولید و بازدهی کار هر چه وین توجه لازم موضع کارگران، بدین اتحاد تدا میسر میشود. اقتصاد و سازمانی برای جلوگیری از فرار نیروی کار و بدین "ارتباط دادن" دستمزدها به شرایط و نتایج تولید نه طبق شرایط و نه از لحاظ برهاتک امکان پذیر نیست. بحقیق حزب کمونیست از جمله باید قانون تازه ای برای کار و هر دو محتاج اهمیت بسیارند. سالی همجانبه ای هم به منظور مبارزه با بیسواد و از بین بردن آن، بالا بردن سطح آمادگی حرفه ای کارگران و پرورش استعداد انسان برای فرا گرفتن تکنیک معاصر ضرورت دارد.

در بالا در هر بحثی شد بد مسائل پیشرفت اجتماعی - اقتصادی در دوره با مبارزه ملی همگانی طبیعتاً و اسرائیل یاد آور شد. در ضمن این مسئله که مشکل بختی با خود با ناسه از چه راههایی بچه و سائلی، خواه بطور کلی و خواه از لحاظ جنبه مخصوصی (آزادی سرزمینی های اشغال شده) حل خواهد شد. نمیتواند روی خصلت پرورده های اجتماعی - اقتصادی و در کشورهای تالیلازم را نکند. این مسئله با روشنی کامل در جریان پیشرفت و پیدادها در مصر نشان داده شد. در اینجا سیاست "درهای باز" بیرونی و داخلی و محلی که بلاواسطه در ارتباط با پیشرفت محافل راستگراست (انعقاد قرارداد های جزء" (۱) که با منافعی ملی مردم مصر در تضاد است) بعضی آمده ای منفی معنی هم از لحاظ اقتصاد و هم از لحاظ سیاسی انجامید. نامشایق و نتایج آن توده های مردم در مصر در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژانویه ۱۹۲۲ پاسخ قانونمند آنها به این سیاست بود.

طبقه کارگر و توده های نیروهای انقلابی سوریه بر این عقیده اند که بگانه راه الفای بی آمده های تجا و اسرائیل وطن و فصل مسئله خاور نزدیک و از جمله احیای حقوق قانونی مردم فلسطین ادامه مبارزه در راه حل و فصل همجانبه مسئله (تجزئی آن و یا حل جزای آن) و سیاست پیگیر و ستوار

(۱) - در این باره روح کتیب به مقاله ن. اشهب، در باره مسئله حل و فصل همجانبه خاور نزدیک.

ضد امپریالیستی است که هر گونه بند ارتباطی را در باره نجات امپریالیسم ویژه امپریالیسم امریکایی مردود می شمارد و این راه در ضمن حال در واقع تحکیم همکاری در تمام عرصه ها با کشور کمونیست امپریالیست کشورهای سوسیالیستی است که هر وقت تریبون صدیق ترین متحدین جنبش رها می بخش میبندند. تحکیم وحدت در روش و افزایش نفوذ جنبه ملی متروقی، تحکیم گسترش دایره همکاری میان احزابی که در داخل در ترکیب آند و مقدم بر همه ما، بر همه ما، در جهت و حزب کمونیست سوریه. آنگاه، توده های مرد زحمتکشان و اراضی و منافع و خواسته های حیاتی آنان هستند امپریالیست است که در راه این هدف ما است. بدین ترتیب اگر چه چون مخصوص کارگران مزدی نسبت به تمام افراد قادرین کار کردن در سوریه زیاد نیست، طبقه کارگران کشور هم از لحاظ کمی و هم از دیدگاه تکنیکال آن (در نتیجه بسط و تکامل بخش دولتی، در درجه اول) رشد میبندد. در ضمن حال آگاهی طبقه ای آن زرف تر شده و نفوذ آن در زندگی اجتماعی افزایش پیدا میکند. بخش مهمی از آن به پرولتاریای صنعتی معاصر بدل میشود. بالاترین سطح رشد طبقه کارگر در رشته های عظیم در حال پیشرفت چشم میبورد که کمک آنها در شوری و سایر کشورهای سوسیالیستی ساخته میشود.

بر تعداد کارگران هم حساب جوانان روستایی و هم افراد وابسته به برخی از قشرهای خرده بورژوازی افزوده میشود. محیط آنها را "رود" طبقه کارگر مقصد پر همه موسسات بخشد دولتی است. در ضمن بخش بزرگی از آن هم در صنایع متوسط و کوچک بخش خصوصی مشغول بگراست. در کشورهای پیشرو کوچک کارگران موسی و ضرورتی نیست افزودن آن نیز در کشورهای سوسیالیستی ساخته میشود.

طبقه کارگر سوریه از آغاز موجود بخشد علیه سلطه امپریالیسم و استعمار سرمایه داری و بر حقوق خود مبارزه کرد و نتوانسته است به بسیاری از خواسته های اقتصادی و سندیکائی خود دست یابد. این مبارزات امروز هم ادامه دارد. هدف نهایی این مبارزه در حال حاضر عبارتست از توسعه آزاد سیاسی و سندیکائی، گسترش دموکراسی، افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار، برابری حقوق تمام واحد های طبقه کارگر و از جمله زنان کارگر و پرولتاریای روستاها.

طبقه کارگری از نیروهای انقلابی اساسی در سوریه است که با هدفانان فقیر، پرولتاریای روستاها و قشرهای متوسط متروقی اتحاد برقرار کرده است. قدراسیون همگانی کارگران سندیکاهای که با یکدیگر منافعی آنست هم مبارزه هر چه فعال تر برای حفظ و تحکیم خط مشی متروقی ضد امپریالیست و مخالفت با تمام تلاش ها و اقدامات که بخشد و اقتدار کمونیست سوریه براهی دیگر بعمل میاید. مبدل میگردد و مرکز بسندیکائی ملی خواهدان افزایش هر چه بیشتر نفوذ دولت در اقتصاد ملی و در بازارهای خارجی و بازگائی عده فروشی داخلی، بسط و تکامل مناسبات اقتصادی سوریه با کشورهای سوسیالیستی است. مبارزه علیه نفوذ "لیس" مداخله آمیز بورژوازی طبیلی بوروکرات و کراسی و مبارزه در باره افزایش دستمزدها و بهبود شرایط زندگی توده های مردم با هم میسرمانند. قدراسیون همگانی کارگران سندیکاهای از جنبه متروقی ملی در داخل کشورهای پیشپناهی بعمل میآورد، با جنبش رها می بخش ملی در تمام جهان همکاری میکند و همکاری با اتحاد دبه ها و کارگری کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای گسترش میدهد و ضرورتاً در اسبون جهانی سندیکاهای است.

الیه در فعالیت جنبه ملی فعالیت نقاط ضعیفی هم وجود دارد. برای برطرف کردن آنها از جمله مراعات کامل دموکراسی متلا بهنگا و انتخاب ارگانهای رهبری و بر طرف ساختن برخی جهات منفی دیگر ضروری است. این ارتباطی فراهم میگرد که از این نقاط ضعف محافل ارتجاعی که تلاش دارند از ارجحیت را سبب همگانی کارگران سندیکاهای هاند و در آن خرابکاری کنند، شکست و مواضع مختلف در راه فعالیتها و آن ایجاد نمایند و تقسیم زمان دهند و نتیجه بکنند و تربیت کنند

آزادمان بود و های زحمتکش تضعیف نمایند ، استفاده میکنند . مبارزه با این قبیل تلاشها سزاوار
و وظایف داخلی تمام کسانی است که در ردیف کمونیست های سوریه برای نقش طبقاتی و در بین حال
مهمین پرستانه جنبش کارگری این فراوان تأمل اند و برای استحکام هرچه بیشتر آن از هیچ اقدامی
فریادگ از نمیکنند .

اینک نیروهای انقلابی کشور و از جمله کمونیست ها در راه حفظ وسط و تکامل دستاوردهای
مترقی مبارز میکنند . آنان میکوشند تا سوریه بطور استوار و رشدت با امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع
مبارزه کند ، در مقابل فشارهای آنها ایستادگی نماید و پرچم دوستی و همکاری با همین انقلاب اکثر
و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را برافراشته دارد ، به بهرکشت خود در راه سوسیالیسم
اراده دهد و مانند گذشته نقش مترقی در جنبشهای پیشتر عین ایفاء کند .

در این مبارزه است که اهمیت ، وزن و نفوذ طبقات کارگر ، نیروی اساسی اجتماعی زینفع
در ساختن سوسیالیسم ، بطور مستتر افزایش مییابد . با تفکار گرسوریه در اتحاد استوار با
تمام زحمتکشان میتواند رمالیت تاریخی خود را در امر گذار به سازمان اجتماعی که در آن به هر
نوع استثمار انسان از انسان پایان داده شود ، انجام دهد .

بمب نوترون ابراز خصومت

با جامعه بشری است

مارتین بومان

عضویت ریشم رهبری حزب
کمونیست آلمان

توجه محافل اجتماعی جهان را واقعات تازه ای بخود جلب کرده است . این واقعات
گواه بر آنند که در ایالات متحده آمریکا نیروهای مخالف تشنج زدائی بین المللی بشدت فعالیت
خود افزوده اند . تسریع پیشرفت تکنیکل سیستم ها و انواع تازه سلاح و مقدم بر همه سلاح هسته ای
که بوسیله این نیروها انجام میگردد ، کوششهایی را که در درون اخیر منظور تا همین صلح باید در رسیار
ناپاک رفته و در معرض تهدید قرار میزند و گواه بر تلاش و اشتیاق برای آغاز مرحله تازه مبارزه خطرناکتر
سابقه تسلیحات است که موجودیت بشریت را به خطر میاندازد . تصمیم و اشتیاق برای آغاز تولید
بمب های نوترون و استقرار این سلاح در خاک اروپا در این اواخر موجب برانگیختن انزجار شدید محافل
اجتماعی مترقی گردیده است .

شورای جهانی صلح ، فدراسیون جهانی اتحادیه ها ، فدراسیون جهانی زنان دموکرات
فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و دیگر سازمانهای بین المللی و ملی دموکراتیک ، سازمانهای
سندیکائی ، جوانان ، زنان و مذهبی و بسیاری از رجال سیاسی ، دانشمندان و شخصیتهای فرهنگی
علیه این نیت وحشیانه و اشتیاق با قاطعیت اعتراض میکنند . این واقعیت را که مخالفت با بمب نوترون
حتی در زمینه کلی مبارزه در راه تشنج زدائی نظامی و خلع سلاح باشد ت فوق العاده ای مشابهی
گردد و دامنه و مقیاس بزرگی تازه کسب کرده چگونه میتوان شرح کرد ؟ در درجه اول با ملاحظات
این سلاح تازه (کزامیز () . دولت ایالات متحده آمریکا با تصمیم خود برای تولید این سلاح
بشریت را مورد تهدید قرار داده است . دولت آمریکا کمیته بررسی گویا از حقوق بشر جانبداری میکند ،
ماهیت ضد بشری امپریالیسم را بیشتر از هر زمان دیگر آشکار و بر ملا ساخت .

مدافعان بمب نوترون بجهت تملاز دارند خط مشی تشدید سابقه تسلیحاتی را تیره کنند
و اعتراضات محافل اجتماعی جهان را خنثی نمایند . آنها با قیافه ای کاملاً جدی میگویند " برتری
های " وسیله تازه کشتار جمعی را مستعمل سازند و مناطق ویران نشان هم این است که گلاهاک نوترونی
تنها یک سلاح هسته ای " خالص " با شعاع عمل محدود است . اظهار نظر هربرت کرمپ سرد پیسر
روزنامه " دی ولت " آشپزینگر که با تاسف ناشیانه استوار شده ای می نویسد تولید بمب نوترونی خیلی بنده

۱ - بمب نوترون در نتیجه افزایش چند برابر تشعشع اشعه را د پروکتو ، گاهش حرارت انفجار و به حد
اقل رساندن آن من عریه در حالیکه به ارزشهای مادی و تسلیحات صد معنای نمیبراند ، میتواند تمام
موجودات زنده را نابود کند .

تاخیر افتاد، زیرا اگر رساله‌های جنگ دوم جهانی این سلاح وجود داشت "مشهد درسدن را بنا تمام زبانی هایش حفظ کرد، گرچه اهالی شهروند‌های مردم فراری گشته‌اند" (۱). آشکارا این میدانده که چنین "استدلال‌هایی" می‌تواند به جهت‌گیری‌های جنجالی منجر شود. گمانیکه بمب نوترون را می‌توانند در واقع تلاش دارند تفاوت اصولی میان سلاح معمولی - سلاح هسته‌ای را در نظر محافل اجتماعی از بین ببرند. چنین تلاش‌هایی تا زگی دراز - به مدت سال پیش هم کوئتراد آناتر در جمهوری فدرال آلمان ضمن تلاش برای استتار خطر نقشه خود برای تجهیز ارتش آلمان با مخفی سلاح اتمی که در کشورها جنبش توده‌ای اعتراض‌آبراز انگیزت، میگفت که سلاح هسته‌ای تا کنونی - تنها در امتحان نهایی پیوخانه است.

در حال حاضر مواضع نمایندگان رسمی سیاست جمهوری فدرال آلمان در مورد این مسئله متضاد است. اغلب سعی میکنند خطر بزرگی را که بمب نوترون همراه دارد سکوت گذارند. به‌شتر چنین اظهار عقیده می‌شود که گویا تنها سخن بر سر سلاح هسته‌ای با قدرت کمتری است و گویا این سلاح تنها برای استعمال در میدان نبرد بهتر بینی شده است، به عبارت دیگر گویا این بمب فقط نوع جدید سلاح هسته‌ای تا کنونی است. گاهی هم می‌گویند که نام "بمب نوترون" تصور نادرستی از آن بوجود می‌آورد.

در زمین اظهار نظرهای دو جنبه خطرناک در هم پیخته است. نخست اینکه گویا بمب نوترون خطرناکتر از سلاح‌های دیگر نیست، دوم، تمایل برای معتقد کردن مردم به اینکه این سلاح فقط می‌تواند در میدان نبرد بکار برده شود. در ضمن تلاش میکنند به محافل اجتماعی تلقین کنند که استعمال بمب نوترون الزاماً به جنگ جهانی هسته‌ای منجر نخواهد شد.

شرکت کنندگان در جنبش اعتراض علیه بمب نوترون به خطر چنین استدلال‌هایی واقفند. آنها درک میکنند که تئوری که طبق آن "توازن وحشت" می‌تواند از جنگ هسته‌ای جلوگیری کند افسانه‌ای بهتر نیست. این نظریه آگاهی به خطر هسته‌ای را که همچنان وجود دارد تضعیف میکند. پدیدایش بمب نوترون باریگز نشان داد که چنین خطری وجود دارد و احتمال دیگری جنگ را بیشتر کرد.

در رویا روشی کنونی نیروهای جنگ صلح، ارتجاعی‌ترین نمایندگان امپریالیسم حتی برای استتار جمهوری فدرال آلمان، به‌دعای اینکه گویا ناتوان هستند مسئله بمب نوترون بلاواسطه نبرد اخته است تلاش حقاقت آمیزی برای گشای واقعیت بکار برد. اما فاصله خود زنیال هاگک سرزمین آلمانی - واحد های نظامی ناتو در اروپا با اظهار این مطلب که مسئله بمب نوترون در محافل ناتو بررسی شده و امکان استعمال آن در اروپا مورد تأیید قرار گرفته است، دروغ گوئی وی واقفانه کرد.

شخصیتهای سیاسی ازرهیری احزاب دموکراتیک مسیحی و سوسیالیست مسیحی که غلبه اوتیه تولید بمب نوترون استقبال کرد به همانند آری از جنگ برخاستند. کارشناس نظامی و سیاسی روزنامه "فرانکفورتر گلمپانه" اینطور اظهار توبیخ کرد که برای ناتو بیانی فرار می‌دهد است که از نسیاب به اقدامات فعلی آن بهره‌آورد. بنا به گفته این کارشناس، مسئله خیلی ساده حل میشود، فقط باید اهالی خشمگین را به این مطلب معتقد ساخت که بمب نوترون نه در سرزمین خود بلکه در سرزمین دشمن بکار برده خواهد شد و آنوقت جنبش اعتراض خود بخود منتهی خواهد شد. اما ظفره و تقلا همه ایسین ملخین پتانگونی و ناتو و کلاهی بدافع متعصبان نظامی - صنعتی برای آنها نتایج مطلوب را بسیار نخواهد آورد. جنبش علیه بمب نوترون روز بروز توسعه می‌یابد.

"Die Welt" 14 Juli 1977.

نمایندگان جنبش علیه بمب نوترون کاملاً بحق خاطر نشان میکنند که این سلاح نوعی ادامه "آتشبوس" است، به کمک بمب نوترون میتوان شهرهای زیادی را بطور کامل به کشتارگاه عظیم تبدیل ساخت که پرازانجا بمب تنها اجساد در آنها باقی خواهند ماند. مبارزان راه صلح یاد آوری میکنند که نقطه ضعف دارگاه‌های ویژه جانیگران جنگ در آن بوده است که ایسین دارگاه‌ها تنها پراز کشتار و ملیونیت تنها انسان، پس از نابودی حلقه‌های بسیاری در آن برادران مادران اطرافه‌های گورسوزاندن آنها در رگورها، احکا، به حکومت ارمادو زکرتند. امروز ضروری است که از خود لیگان جانیتر ضد بشریت جلوگیری بعمل آید. به همین علت اکنون جلوگیری از تولید کنندگان و استعمال کنندگان بالقوه بمب نوترون وسد کردن راه تکرار کشتارهای جمعی از جنبش اهمیت برخوردار است.

همه گویا مان بودند که نقشه استقرار بمب نوترون در خاک جمهوری فدرال آلمان چگونه خفم و انزجاری اندازه شد بدست فل اجتهای آلمان غربی را برانگیخت، بسیاری از اهالی کشتور با اظهار "نه!" بطور مطلق این نقشه را رد کردند. نیروهای دموکراتیک و صلح دوست که در هر دو سطح زردانی فعالانه سبب خود را در کردند و در جنبش نیرومندی زیر شعار "مسابقه تسلیحاتی را متوقف کنید!" شرکت میکنند در اینجا نقش عمده را داشتند. این نیروها نظرها را متوجه انگیزی در واقع سلاح انجام دادند و بخوارشانرند که از تمام طرف‌های جدید تسلیحاتی صرف نظر شود. این موضوع از دولت فدرال طلب میکنند که با تولید بمب نوترون مخالفت کند و هیچگاه اجازه ندهد که این سلاح وحشتناک را در سرزمین آلمان مستقر سازند. این نیروها بر این عقیده اند که نقشه‌های جدید امپریالیست‌ها به اعتماد سیاسی لطمه می‌زند که در نتیجه عقد قرارداد های استتار از تولید بزر و صد میترمز اروپا وجود آمده، زیرا این قراردادها با چهای اصولی صلح در اروپا بشمار می‌آیند. مبارزان راه صلح و دموکراسی ایجاب میکنند که امانت ناهنجار نسبت به ابتدائی‌ترین حقوق بشر را نادانمی که با اهداف و اصولی که در رسد نهایی کنفرانس هلسنسکی اعلام شده، تضاد آشکار دارد، تلقی میکنند.

اقداماتی که با تصمیم برای تولید بمب نوترون در ارتباطند هیچ نحوی با اظهارات کردو ر مگر برزیدت کار ترغیب صلح، مطابقت میکنند. این اقدامات در قطب مخالف آن امید هائی است که با تدارک مذاکرات بسیار ضروری صلح بستگی دارند.

خلیجه‌های که به جنبش اعتراض علیه بمب نوترون که سراسر جهان را فرا گرفته پیوسته اند در چهاره کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه اتحاد شوروی متحدین طبعی دارند. در زمینه مبارزه ایگه علیه نقشه‌های تولید بمب نوترون در گرفته، تفاوت اصولی میان مواضع ناتو و همان رویا بر جستگی خاص به چشم می‌خورد. از یکسو امپریالیست‌ها قصد دارند سلاح جدید کشتار جمعی بسازند، از سوی دیگر کشورهای سوسیالیستی می‌گویند میان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا بیانی درباره امتناع از پیشدستی در استعمال سلاح هسته‌ای بسته شود. در یکسو و برزنی جنگ مرگ، در سوی دیگر چشم انداز صلح زنده گی.

کمونیست‌ها از بنو یارد دیگر در عمل احتیاط میکنند که به بگترین مبارزان راه صلح اند. در واقع این احزاب کمونیست و کارگری هستند که علیه بمب نوترون در گرفته نقش فوق العاده مهمی ایفا میکنند. اینکارا تنها در سراسر جنبش، در راه صلح تا میسر می‌گردد. در آنجا می‌توان اقدام مشترک و مواری با یکدیگر می‌مانند نظرها را گواگین در میانه‌های طی هستند که اغلب با همکاری نزدیک با هم نیروهای دموکراتیک و صلح دوست تشکیل میشود. در راه اوت سال ۱۹۷۷

بمناسبت سالگرد فاجعه هیروشیما و ناگازاکی ۲۸ حزب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی اروپا و ایالات متحده آمریکا و کانادا و آمریکا مشترکاً منتشر خواهند کرد طلی آن با تالیف و تدوین که دولت ایالات متحده آمریکا در مرکز تهیه آنست مخالفت میکنند . این احزاب همه نیروهای صلح دوست بویژه سوسیالیستها و سوسیال دموکراتها و مسیحیان را فراخواندند که در راه ادامه سیاست تسلیح زدائی ، در راه تامین صلح از طریق اتخاذ تدابیر موثر برای خلع سلاح اقدام نمایند . این احزاب خلقها را فراخواندند که برفع قطع مسابقه تسلیحاتی بویژه علیه مسابقه تسلیحاتی هسته ای فعالیت کنند .

نبرد پیوسته این پیام کمونیست ها در مسابقات جهانی با واکنش و پشتیبانی روبرو خواهند شد و وسیعترین اقشار محافل صلح دوست و دموکراتیک و همه کسانی که امر صلح را گرامی میدانند ، مبارزه در راه تسلیح زدائی ، خلع سلاح و در راه صلح پایدار خواهند کرد .

مسابقه تسلیحاتی باید متوقف شود !

به محب نوترون کارتر تنها بد راه داد !

تبادل نظریین المللی
در براب

کنفرانس بین المللی علمی - تئوریک

امریکای لاتین:

مسائل مبرم مبارزه ضد امپریالیستی و همبستگی بین المللی

از ویژگیهای سالهای اخیر تشدید مبارزات خلقهای امریکای لاتین در راه تحکیم حاکمیت ملی شرقی اجتماعی و دموکراسی و مبارزه علیه خطر فاشیسم ، در راه تحقق دگرگونیهای بنیادی و ضد امپریالیستی بمنظور لغای سلطه انحصارها ی خارجی و پیروی از سیاست خارجی مستقل در کشورهای خویشراست . این مبارزه در شرایط پدیدایش تغییرات بنیادی در تناسب نیروها در معرض بین المللی بسود صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم و استحکام وحدت جریانهای انقلابی عده همعاصر یعنی سیستم جهانی سوسیالیسم ، سابقه کارگر بین المللی و جنبش رهاش بخت ملی جریان دارد .

موضوع "مسائل مبرم مبارزه خلقهای امریکای لاتین و همبستگی در مقابل استراتژی کمونیستی امپریالیسم" به تبادل نظریین المللی اختصاص داشت که از طرف مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" در برابگ ترتیب داده شده بود . در این تبادل نظریین نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری شرح زیر اشتراک آوریدند :

روینر ایسکارو (کمونیست - از رجال سیاسی آرژانتین) ، لوئیس پادیللا (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلوی) ، مارسلوما نتوس (عضو کمیسیون اجرائیه کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل) ، پدرو ارتگاداس (عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ونزوئلا) ، ژانت واکان (عضو کمیته اجرائیه ، رئیس شعبه بین المللی حزب تود مومتری گویانا) ، دینویرتالینس (عضو هیروی سیاسی د بیریگمته مرکزی حزب کمونیست گوادلوپ) ، ایتماناچیر (عضو کمیته مرکزی حزب کارگزاران) ، ملبلتون پاردس (عضو کمیته سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست هند وراس) ، فرانسیسکو گامبیا (عضو کمیته سیاسی کمیته مرکزی حزب پیشاتاز کوبا) ، مانوئل مندس (نماینده حزب کمونیست کوبا در محله) ، مویس ورتسون (از حزب کمونیست مارتینیک) ، سالوادور ورتسونالس مارین (عضو بدویرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست مکزیک) ، ریگاردو گارسا (از حزب سوسیالیست نیکاراگوئه) ، فلنیکو دیکسون (عضو مشاور کمیته مرکزی حزب خلق پاناما) ، کارلوس ماسیل (عضو کمیته سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پاراگوئه) ، پدرو مایتا مایاتا (عضو کمیته سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو) ، مینگ اشیرگه مندس (از حزب کمونیست پورتوریکو) ، انریکه رودریگس (عضو کمیته اجرائیه و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اوروگوئه) ، اوژلاند ویلاس (عضو کمیته سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی) ، رنه موزه (عضو کمیته اجرائیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اکوادور) . متن های سخنرانی شرکت کنندگان در تبادل نظریین اختصار درج میشود .

بقیه زیر نویس از صفحه ۶۲

جبهه ای که رسالتش تامین موفقیت آمیز پیشرفت کشور در راه رشد غیر سرمایه داری باشد ، همیشه تحریقه

۲ - بعلمت محدود بودن صفحات مجله آخرین بخش از این تبادل نظر که مربوط به کشورهای بولیوی ، هند وراس ، گواتمالا و پاناما بود اختصار شد .

کاروس نویسن آنایوتارته صد رگمیسیون مجله نوزده مسائل جنبش رهایی بختر ملی در کشور های امریکا ی لاتین ، نماینده حزب کمونیست پرورد ر مجلسه جلسه افتتاح کرد . اوگت : این تاجان نظر متعمرکننده تعادل کمونیست های امریکا ی لاتین به غنا و پیشرفت مستمر تئوری ما ، آشنائی با تجربه در این و بر خورد سیاسی احزاب برادر به این با آن بدیده و رویداد است . وظیفه شرکت کنندگان تازه بحران ساختاری و سیاسی در امریکا ی لاتین ، روشن ساختن مقایسه و مقصود واقعی استراتژی کنونی امپریالیسم از جمله امپریالیسم امریکا ی شمالی است که در نتیجه شکست های بزرگ در سایر مناطق جهان ، میگذرد بهر قیمتی شد مواضع از دست رفته و رفاه مارا از تهدید ست آورد . امپریالیسم به نسبت تمسک تضاد هایش ، برای خلقهای جهان خطرناکتر میشود . همان طوری که در گفتار احزاب کمونیست کشورهای امریکا ی لاتین و حوضه دریای کارائیب (هاوانا ، سال ۱۹۷۵) نشان داده شد ، تشدید بحران عمومی سرمایه داری و جد چوانائی کامل آن برای بافتن راه خروج از وضعی که بد آمده ، تجا و زکارترین معا فل سرمایه انحصاری را بر میانگیزد که به فاشیسم متمول شونده (۱) . بهین سبب است که آموزش و تشمیع انواع گوناگون فیرمانانه علیه فاشیسم که در شرایط بسیار دشواری در شمالی ، اوروگوئه ، برزیل ، بلیوی ، پاراگوئه و سایر کشورهای در جریان است تا این اندازه اهمیت دارد . پشتیبانی همه جانبه و مستمر خلقهای ما از طرف معا فل مترقی و مقد هر چه از کسوف جامعه کشورهای سوسیالیستی و همچنین از جانب جنبشهای دموکراتیک کشورهای مادلل و پیرهان منع نیرومندی و اهمیت همستگی بین المللی و انترناسیونالیسم پرولتری است .

این قبیل تبادل نظر ها شکل زنده ای از ارتباط و تماسی است که امکان میدهد برخورد به سه مسائل مشترک را گسترش داد و موضع ترسانیم و درنگ و تقصیر بفرنج و متغیر و اسهلتر و آسانتر میکند .

۱- رگنسالطریان - امپریالیسم که با دشواریها ی روز افزون روبرو شده ، میگذرد سیاست تازه ای بافتند و بهتر گیرد . در تلاش آنست که با برآمدن های بحران عمومی سرمایه داری رابد و کش کشورهای سوسیالیستی که وابسته بداند و پیروز بدوش همسایه ها ی جنوبی خود نهد . اینت امپریالیسم در فعالیت فاشیستین تنبیک امپریالیسم نظیر فوند ارزی بین المللی نمود ارضی شود . در همین حال امپریالیسم به الیگارش و انحصارهای محلی آنک ، میکند کمنافع اقتصادی و سیاسی آنها با منافع کشورهای امپریالیستی ارتباط نزدیک دارد . بنابراین امریکا ی طرف دولت جدید مکزیک اتحاد میگرد و در الیگارش محلی در راه رسیدن به هدف نهایی خود از موفقیت فراربان برخورد راست . ترا تقاطع مباح صلاح " اتحاد دریای تولید " که در ولت مکزیک با نماندگان ارتجاعی ترین معا فل الیگارش " باشا " ماند ، دعوت از مردم برای کاستن از خواستها و مصرف خود ، عملا به نایبگذا هد اشتن دستمزدها ، کاهش هزینه های دولت برای تامین نیازهای اجتماعی و آموزش پرورش و افزایش سود الیگارش منجر میگردد . در همین حال ما هاد بحران شیوه های اداره امور از طرف دولت یعنی شیوه های هشتم کمبود استقار بوروکراسی سیاسی طی چندین سال اخیر بود . کمونیست ها علیه بحران کنونی را امکان بدیسمر میداند . ولی ما نمیتوانیم در قبائل تدابیری که برای غلبه بر بحران اتحاد میگرد و بی تفاوت باشیم . این تدابیر نباید بزبان توده های مردم باشد . گذشته از این ، با توجه به در سهای بحران ، خواستهای رایی پیوسته کمکم که انجام آنها به تضعیف وابستگی اقتصاد ملی به امپریالیسم کمک میکند .

۱- امریکا ی لاتین در شرایطی امپریالیسم در بر راه استقلال ملی ، دموکراسی ، رفاه خلقها ، صلح و سوسیالیسم . مسکو ، اداره انتشارات " پراودا " (بزبان روسی) ، ۱۹۷۵ ، صفحه ۲۴ .

درباره بحران سیاسی باید بگویم که گوشه عد مدار رجعت حل و فصل دموکراتیک آنست . علمی ما ختن کامل حزب کمونیست مکزیک دلیلی بر این میبود کمصا فل حاکنه گام در چنین راهی نهد . اند .

۲- گامی است امپریالیست ها سالهای زیادی است از جان اتحاد امریکا ی مرکزی پشتیبانی میکنند که با منافع آنها سازگار باشد . خلقهای ما این را درک میکنند که وجود این اتحاد بخود و خود نیازمندی به پیشرفت اقتصادی است ، ولی آنها میخواهند این اتحاد تحت حمایت امپریالیسم وجود آورد . ایالات متحده امریکا موفق به ایجاد " بازار مشترک " با سیستم همکاری اقتصادی امریکا ی مرکزی شد و برپایه قراردادی نظامی " شورای دفاع امریکا ی مرکزی " را بوجود آورد که بنایه تصمیم آن ارتش یک کشور میتواند در سرزمین های کشورهای دیگر عملیات ببرد از . این قرارداد نظامی پیروزه با منافع اهالی کومستاریک مربوط است ، زیرا کومستاریک امریکا ی مرکزی است در امریکا که ارتش ندارد ، اگر چه نیروهای برای حفظ نظم عمومی در جامعه موجود دارد که همان گارد کشوری است که وظایف قوه مجریه را انجام میدهد . ما موسسات نظامی و پابلسک نظامیان را نداریم . در کومستاریک رژیم دموکراسی بورژوازی برقرار شده است . این یگانه جمهوری در امریکا ی مرکزی است که کمنا سبب دپلماتیک و پارک با کشورهای سوسیالیستی برقرار کرده است . کمونیست ها و نیروهای چپ پر از ۲۷ سال کار منفی موفق به فعالیت گاملا خلقی شده اند ، جنبش سندیکائی هم نسبتا آزادانه فعالیت میکند ، اگر چه با دشواریهای زیادی روبرو است . ما با سایر نیروهای چپ برای بدست آوردن وحدت بشدت فعالیت میکنیم .

۳- امپراگرو - امپریالیسم پر از شکستها ی بی درین در آسیا و افریقا مساعی خوبی را بد نفاع از مواضع خود در امریکا ی لاتین متحرک ساخته است . شکست موفقیت پرور دموکراتیک باد ورنسای سوسیالیستی در شمالی و برقرار در یکتانتهای ای گوناگون در سایر کشورهای بخش جنوبی قاره بدین معنی نیست که خلقهای امریکا ی لاتین عقبشینی میکنند و با فاشیسم بهتر فرآقا کرده و در همه جا مرتب مواضع تازه ای را اشغال میکند . به جنبش انقلابی در برخی از کشورهای امریکا ی لاتین واقعا هم ضربه های شدیدی وارد شده است ، ولی موفقیت های این جنبش راهم نمیتوان انکار کرد . بعقیده ما هنگام ارزیابی این موفقیت ها نباید فقط این را در نظر گرفت که ما میتوانستیم حکومت را بدست بگیریم یا نه . ما باید درجه اشتراک تود مهاراد مبارزه ضد امپریالیستی ، به شرف جنبش انقلابی در تمام امریکا ی لاتین ، بیدایش تغییرات و در کور و صحنه برخی از نمایندگان نیروهای مسلح ، موضع گیری کاتولیک نسبت به جنبش دموکراتیک و اتحاد امانی که برخی از معا فل بورژوازی مخالف سیاست انحصارهای بین المللی بعمل میآوردند و نیز از اینها راد در نظر بگیریم . تمام اینها گناه به شرف جنبش ضد امپریالیستی و انقلابی و رفاه است . هر کشوری از ای ویژگیهای مخصوص بخود است و باید در نظر گرفت آنها هر حزب مشی خود و کتابتک خود را مشخص میسازد . البته همسایک دشمن مشترک داریم که امپریالیسم است ولی در همین حال همستگی بین المللی هم صلاح هستند . ما است . از این رو کمونیست ها باید خواه در امریکا ی لاتین و خواه در سایر راجهان بطور هماهنگ فعالیت کنیم .

تضاد های موجود میان امپریالیسم ایالات متحده امریکا و توده های مرد پورخی از دلتپسای کشورهای امریکا ی لاتین تا حدی عدت یافته است که میتواند به قطع ارتباط کامل میان آنها در آینده منجر گردد . ولی از اینتن و سایر کشورهای قاره بر سر مساعی نظامی " دفاع " از جنبه منسوب آتلانتیک ، قراردادهای هسته ای و حقوق انسانها با ایالات متحده امریکا رگیری و برخورد منافع دارند . وظایف ما این است که بتوانیم از این برخورد و درگیری بسود به شرف جنبش ضد امپریالیستی

استفاده کنیم .

بنظر ما تمایز یک راه برای وحدت آزادی وجود دارد و آنهم در مبارزه با سرمایه است . هم راه مسالمت آمیز و راه غیرمسالمت آمیز ، همواره با همین مبارزه بود و ما باید ترتیب بدهیم تا این اقدامات ما اجرا شوند . اقلیت جدا افتاده ها ، مبارزه در راه سوسیالیسم در کشورهای ما مبارزه در راه گرگونی های بنیادی و نوگرایی ارتباطی نامکنتنی دارد . ما ، کمونیستهای آرژانتین با انواع چپ گرائی افراطی که به جنبش کمونیستی ضد امپریالیستی تائین اندازده زبان وارد ساخته در عرصه ایدئولوژیک همپا رویه میگیریم . بمعنی مانع فقط به فعالیت سازمانهای سیاسی و اجتماعی و اقدامات توده ها ، بلکه به پروسه های هم که در کشورهای مسلح میگردد باید توجه زیادی مژدون داشت . نظریات مسالمت آمیز آرژانتین دارای نظریات مختلفی هستند . هم گروههای دارای نظریات مترقی و هم گروههای با افکار رقیب در ارتجاعی وجود دارد . برخی از نصابان کمونیسم را رد میکنند ولی در مواضع ضد امپریالیستی و نوگرایی قرار دارند . بنظر ما مسئله نظامیان باید اهمیت زیادی داده شود .

آرژانتین مبارزه بر سر این است که امپریالیسم و ارتجاع که به امپریالیسم خدمت میکند انسان محروم جنبش را فرانسگردد . اگر بتوان احترام بقزادی و حقوق و موکراتیک آرژانتین ها را تامین کرد ، این امر انگیزه های همسایه نیز تاثیر خواهد داشت ، زیرا تاثیر اقتصادی و سیاسی آرژانتین روی آمریکا روشن و آشکار است . هرگاه در موکراسی آرژانتین استوار گردند (و باید گفت که ما نسبت به جنبش چشم اندازی خوشبین هستیم) ، در آن صورت اوضاع در محروم جنبش تغییر خواهد کرد .

۴- امریکه فلنس - برزیل نت فورد ، چند روز پیش ارتزک کاخ سفید گفت ایالات متحده امریکا در نظر دارد پورتوریکو را به ایالت دیگری بدل سازد . این نظریه برای کمونیست های پورتوریکو غیرمنتظرانه بود . کمپانی های نفتی امریکا ی شمالی چندین سال در اراضی پورتوریکو آبهای ساحلسی بگاوشهای مربوط به زمین شناسی مشغول بودند . رساله اعلام شد که در منطقه ساحلسی شمال کشور ذخایر فراوان نفت ، سرود بگرمواد معدنی وجود دارد . پورتوریکو در این اواخر ایالات متحده امریکارا از لحاظ سیاسی سخت نگران ساخته است . حزب کمونیست پورتوریکو خواستار ایجاد جنبه وسیع مبنی بنظرواحل و فصل مسئله وضع حقوقی کشور بسود مصالح ملی یعنی القای رژیم استعماری است ، در این جنبه باید تا چه بین پرستان سرقتنار و وابستگی های حزبیشان شرکت کنند . همبستگی بین المللی با امکان دارد مده مبارزه در داخل کشور بهتر از اینها گسترش دهد .

۵- تالیسن - مرد بگوار لوب دست اندر کار بگوار دست و شوری در راه استعمارزدائی اند . با اینکه ما تا کنون موفق نشده ایم مسئله بدست آوردن خود مختاری را بموضوع مورد علاقه خود است تمام زحمتگان بدل سازیم ، این مسئله یکی از مهمترین مسائل برای بگوار لوب است . امپریالیسم فرانسه در ولت فرانسه گمد اقوام مختلف است ، خود مختاری را خدای برای سلطه استعماری خود بر کشور ما میداند . ولی ، همانطور که انتخابات سال ۱۹۶۴ نشان داد اکثریت رای دهندگان به تغییر رژیم استعماری رای داد . نزدیکی نیست که ایالت بگوار لوب برای وحدت کشورهای کلمبیا استعمار مبارزه میکنند امکاناتی وجود دارد . خلق ما نیز مانند تمام خلقهای جهان به چشم انداز مبارزه با امپریالیسم خوشبین است .

۶- موزه - اولمعه ای که در ولت نیروهای مسلح بحاکمیت رسید حزب ماسی تا کنون اتخاذ کرد که عبارتست از جنبشهایی از انعام آنچه در فعالیت دولت شبهتخصیص میدهد . حزب ما همچنین ضرورت مبارزه با تمام جنبه های منفی سیاست آن راهم که به منافق مرد پوکتورینا میزند یاد آورد . میان نظامیان

در برخوردشان بموضع سیاسی کشور اختلاف وجود دارد . عناصر رادیکالیسمی هستند که در سال ۱۹۷۵ میخواستند بموکراتیک فاشیستی دست بزنند . در همین حال نیروهای نوگرایی وجود دارد که سلاح در دست با گروههای فاشیست بمبارزه برداختند . در این شرایط ما برای استحکام روحیات مترقی و نوگرایی برخی از ما فل نیروهای مسلح مبارزه میکنیم ، اگرچه نسبت به این موضوع که آیا تمام ارتش میتواند از اقدامات مترقی و انقلابی حمایت کند ، هیچ پندارتی در املی نداریم . در حال حاضر در ولت نیروهای مسلح بدجل در گرفته و نیروها بطلب های مخالف تقسیم میشوند . (۱) حزب ما در این زمان در جهت توسعه نیروهای چپ که حزب سوسیالیست ، محافظ مسیحی ، بخششی از ارتش ، کارگران ، جنبش دهقانان و دیگر کنگ نیروهای مترقی را در برگیرد مبارزه میکند (۲) .

۱- رود ریگس - در حوزه و تحلیل اوضاع منطقه ما از املای کمونیستهای احزاب کمونیست کشورهای امریکا ی لاتین و حوضه کارائیب آغاز میکنیم . گذشت زمان درستی ارزایی های یکی از آنها بدست آورد این امر ، هرگاه تغییراتی را که بد آمده وی شایسته سیاسی امریکا ی لاتین را در نظر بگیریم ، حاضر اهمیت فراوان است . این واقعیت نیز نباید مغرور که ما با حلقه متقابل امپریالیسم سرگرداریم . اگر در قیق ترکیبیم صحبت بر سر ترسری میگرد نتیجه آن را با مغلوب شده ایم ، نیست ، در آنرا گذشت و حیطه فعالیت معنی لغوی گمته است که امپریالیسم در اروپا و آمریکا بسیار جدی که در امریکای لاتین میگردد بدان دست زده است . ما خود را در گونیم ، حلقه متقابل موفقیت معینی بسرای بدست آوردیم . در همین حال بدتر شدن چشم انداز استراتژیک ناگزیر معنی هیچ روح شدن بی آمدن های سیاست امپریالیسم در لحظه تا کنون نیست . حلقه متقابل به بنیای فرمانی هورنج و عدالت فراوان برای خلقهای ما تمام شد . نمیتوان تمام آنچه را که طی دوران ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۷ (بر امریکا ی لاتین گذشته توصیف کرد . حالا در یگرمبارهای گذشته نمیتوان استفاده کرد ، زیرا حقیقت بر سر ما شایسته است . با اینکه برغم جنایات و هفتک ، امپریالیسم این واقعیت را نمیتوان انکار کرد . امپریالیسم موفق به نابود ساختن احزاب کمونیست نشده ، امپریالیسم همچنین نتوانست جنبش بسند یگانی را با تشعب گشاند و وسند یگای یزد بوجود آورد . در زمینه استراتژی (هم در بین رنژار گرفتن امکانات کنونی) تناسب نیروها در جهان بسود ما استقرار میابد . احزاب کمونیست امریکای لاتین طی سالهای اخیر کار عظیمی انجام داده اند . این فعالیت هیچوقت سهل و ساده نبوده است . احزاب بگوار در اوروگوئه ، آرژانتین ، شیلی و برزیل و سایر کشورهای بسیاری از آمریکای جنوبی و اعضای ساده حزب زا دست داده اند .

امپریالیسم امریکادرتلاش نیست که فعالیتها ی بیچهره خود بزند ، امپریالیسم در این انجمن تمام تبلیغات وسیع بین المللی علیه کشورهای سوسیالیستی و کوشش برای ایجاد تحریف و انضمام در جنبش کمونیستی جهانی بر سر مسئله حقوق بشر را بر راهی چپ در ازاراف شرایط واگذارد گمتهای نظامی محلل میابد استفاده میکند . اما چنین سیاستی تراخرین تحلیل تضاد ها ن تازه ای بسود میآورد مواضع آنرا در امریکا ی لاتین خرابتر میکند . این پروسه ای بسیار پیچیده است که عناصری

۱- در ولت مکتومرکز حزب کمونیست اکوادور که در ژوئیه سال ۱۹۶۷ برگزار شد از « خشونت تا بهر اجتماعی در ولت » برای سرکوب جنبشگرگری و دهقانی سخن بهمان آمده است . در لحظه حاضر محروم به نتایج بلوغ خاطر نشان شده است که امارات دهقانی بسیار زیاد کارگران ، دهقانان و دانشجویان نشان میدهد که تمام پارتیها و مبنی پرستان اکوادور سیاست اکوادور بسیار با اهمیت در میکنند . هیئت تحریریه ، ۲- در سال ۱۹۶۷ جنبه وسیع نیروهای چپ تشکیل یافت که ایجاد دولت توده ای را وادامه بخود فشار میآورد . هیئت تحریریه .

از مبارزه میان امپریالیست ها راهم شامل میشود (بطور مثال مانند موافقتنامه میان برزیل و جمهوریهای
فدرال آلمان در باره تولید انرژی هسته ای) . مایه نایب آنکه در چارچند ارهای واهی شوم و بسیار
استقلال سیاسی خود را از دست بدهیم باید از این تعداد ها استفاده کنیم . امپریالیسم - خود همیشه
کوشید مانع از آن شود که امریکای لاتین به اوضاع سالمی با ۱۹۷۰ (یعنی سال بیروزی و وحدت
خلق در شیلی) و میا بومی که پرا ز سقوط دیکتاتورهای رسالهای ۵۰ و بیروزی انقلاب کوبا ایجاد
شده بود ، بازگردد . نهایت بدی که امپریالیسم است بد آن تن در در ده موافقت با وضع نظم
و قاعده - معینی برای نمونه برزیل است . ولی امپریالیسم از فاشیسم دست بر نخواهد داشت و قشر
های هوادار فاشیسم را در صفوف ارتش سرکوب نخواهد کرد . این کار را خود مردم باید انجام دهند
(هر چند به بهای قربانی های فراوان باشد) و راه آنهاست متحد ساختن تما مشروهای میهن پرست
کشوری و لشکری ، مذ هبی و فرزند هبی برای آغاز گسترده ترین مبارزه علیه فاشیسم است . در چنین
مبارزه ای هم از تمام امکانات باید استفاده کرد ، اگرچه کوچکترین امکانات و امکانات غیر مستقیم باشد ،
زیرا هدف کمک به اعتلای مبارزه توده های مردم و وحدت آنان در مبارزه با فاشیسم و وارد آوردن شکای
در جبهه دشمن است .

چهار سال از هنگامیکه در پروگوئه دیکتاتوری بال بورد اپری برقرار شده میگذرد ، تعداد میان
کسانی که محاکمیت را پذیرفته اند تشدید میاید و وضع اقتصاد ی کشور لاکت با راست
دیکتاتوری که در نتیجه تضاد های درونی خود و همبستگی بین المللی تضعیف میگردد هر چه بیشتر
منفرد میشود . رهبری حزب کمونیست اروپا گوئی هیچ وقت از فعالیت در داخل کشور دست برنداشته
است . طبقات بدبختی و فقر بسیار زیاد ، حزب به تسلط خود بد مبارزه توده ها کمک میکند و مقصد
بر همه به حفظ ساختار سازمانی مرکز اتحاد بهای کارگری (مجمع ملی زحمتکاران) و ادامه فعالیت
آن نگه میدارد . هر هی حزب کمونیست اروپا گوئی هیچ وقت از فعالیت در داخل کشور دست برنداشته
است . ۱۹۷۵ و ۱۹۷۰ روز اول ماهه بطور مطلق و معیاری وسیع جشن گرفته شد . از اول اکتبر سال ۱۹۷۰ ،
حمله هجوم نیروهای فاشیست با شدت بسیار بقیه ای آغاز گردید . برای حفظ کارهای جنبش ما ،
میبایست به کار رخصتی عمیق متوسل گردید . مبارزه ادامه دارد و این برای ماعده ترین مسئله است .
همبستگی بین المللی به کمک عظیمی میرساند . ما چشم خود می بینیم کشورهای کمونیستند یک خلق
مبارز با پشتیبانی کنند جقدر زیاد است . ما آن ارتباط مستقیم را میان جنبش مقاومت در داخل کشور و
همبستگی بین المللی موجود است می بینیم و در این کشور که قربانیان رهبران ما نظیر برهام پیرس ، خوزو
لوپس ماسرا ، آلبرتو آنتونیو و فرناندو دیکر برای یکبارگی آید گولوزیک ، تحکیم روحیه افراد حزبی در آری
چنه اهمیت است . ما باید افتخار و یکم شخصیت سیاسی آنها بر همه روشن است . آنها نه فقط
قهرمانان واقعی جنبش کمونیستی را رو گوئی اند ، بلکه با رفتار خود در سلولهای شکنجه این سحر را
به دست آوردند که قهرمانان ملی مبارزه ضد فاشیسم نامیده شوند . این مبارزه جزئی از مبارزه در همه
بین المللی است که در آن تغییرات بسیار بزرگی جریان دارد که بسود مبارزه خلقها است . در
امریکا ی لاتین نبردهای شدید و شوری ادامه خواهد داشت که در آنها در رید موفقیت بسیار
امکان شکست هائی همچودارد . در باره اروپا گوئی باید گفت ما در ضمن کوشش در جهت دست آوردن
موفقیت در زمین وحدت عمل و ایجاد جبهه ضد مشروهای ضد فاشیست ، نه فقط برای آزادی کشور
خود کوشش کرده ایم ، بلکه سهم وین خود را هم در امر نابود ساختن دیکتاتوری های فاشیستی و
ارتجاعی در سراسر قاره ادا کرده ایم .

۴ . متشنس - در رپورتاژهای نیروهای صلح و سوسیالیسم ، پیشرفت مبارزه با یقه کارگرونیروهای
مترقی در نیادی سرمایه داری و همچنین موفقیت هائی که خلق اد مبارزه با استعمار و نواستعمار
بدست آورده اند ، امپریالیسم ناگزیر شده است از سیاست " جنگ سرد " دست بردارد .

شکست های بی درین امپریالیسم ایالات متحده امریکا در سراسر جهان از مشخصات سالهای
اخیر است . رفیق فیدل کاسترو براول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا در گزارشی به نخستین کنگره
گفت : " خلق میتواند بدین مباحثات کند گفتا ندازه یعنی به این شکست تاریخی امپریالیسم امریکا
کنکار کرد است . مردم کوبا با شتاب رساندند که ، خلقی کوچک در ۹۰ ملی ایالات متحده امریکا
با آنکه ، به تنهایی خود که عبارتست از نهم راسخ معارزه تا به آهسته همبستگی جنبش انقلابی
بین المللی توانائی را داشت که جلوی هجوم و تعرض نیرومند ترین کشور امپریالیستی اسارت آور
جهان را بگیرد " (۱) . موجودیت کوبا ی انقلابی ، موفقیت های آن در تمام عرصه های زنده گسی
اجتماعی ، شکست حاکم و زکاران امپریالیست امکان میدهد که به آینده روشن خلق کوبا علیه دشواری
هائی که هنوز موجود است ، امید و ابراشیم .

مبارزه آید گولوزیک که در جریان آن امپریالیست هایه و مسائل هر چه در فقی تر و رفتی توسل
میشود در حاحا خا فرشته بد میگردد . در شرایطی که سوسیالیسم موفقیت های دست میاید و
سرمایه داری را بحران اقتصاد ی خلق کرده است ، مللمان امپریالیسم برای بی اعتبار کردن سوسیالیسم
لیسم موجود به فعالیت وسیع تبلیغاتی سازمان یافته ای متوسل شده اند . محافل حاکمه ایالات
متحده امریکا بیوده میگویند خود را مدافع آزادی و بیروان سیاست واقعی صلح و مستکبرین خلق
سلاح همگانی " عادلانه " و متحد کنند . امپریالیسم که در نتیجه تغییراتی که در تنام مشروها پیدا
آمده ناچار به چنین موضعی شده است نمیتواند پیروه درگونهای ی بنیادی و مترقی را که منجر به
استحکام زاهم بیشتر در وگاه انقلابی میگردد ، متوقف سازد . پرا ز بیروزی نامزد انتخاباتی حزب
و مکررات کارتر در ایالات متحده امریکا مانورهای گوناگون بمنظور انمود کردن در دستگاه اداری تا بمنزله
مبلغ نظمنین در امریکا ی لاتین گسترش فراوانی یافته است . از جمله تبلیغات و دعاوی زیادی در باره
حقوق انسانها میشود . تبلیغات امپریالیستی سخن الزامی گک های نظامی ایالات متحده امریکا
به آن کشورهای امریکا ی لاتین میمان آورده است که این حقوق را زیر پا میگذاردند . اما در این نزدیدی
نیست که این پرده و حجاب تبلیغاتی بیخبر نیست ، زیرا کمکی با اصطلاح مستقیم نسبت به کمک های
بقیمت مستقیمی که زندهای و سنگرز ریافت میکنند بسیار ناچیز است . آنچه را که آنها نباید دست میگردند
غیر از فراوانی بدست دیگری هند . امپریالیست ها میگویند یک ای تبلیغات گسترده فضای عدم
اعتقاد در اطراف کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و مقدم بر همه در ارا اف اشعا دشواری وجود
آوردن و توجیه مردم را به مسئله با اصطلاح عدم وجود آزادی ، در مکزیک و حقوق انسانها در جبهه
سوسیالیسم و از جمله در کوبا معطوف دارند . در ضمن این واقعیتی است که فقط در شرایط سوسیالیسم
میتواند جامعه اصل بشر دوستی بوجود آورده شود که از هر نوع استعمار آزادی باشد ، جامعه ای که
در آن انسانها برابر یکدیگر باشند . اما در باره ایالات متحده امریکا باید گفت اصولا چگونه از مقسوق
انسانها در کشوری میتوان صحبت کرد که در آن تبعیض نسبت بانسانها بعلت رنگ پوست ویا منشأ
آنها وجود دارد . چگونه کسانی که به حاکمیت استعماری خود در رپورتاژها و ادبه هند و مبارزان راه
آزادی و استقلال این کشور را تحت پیگرد قرار داده و زندان میافکنند در باره این حقوق حرف میزنند ؟

۱ - نخستین گنگره حزب کمونیست کوبا . مسکو ، انتشارات سیاسی ۱۹۷۱ ، ص ۱۲۴ - ۱۲۵ (بزبان
روسی)

کسانیکه بهخبر ایگاری و ساجوتاز میبشوند ، در عدم ثبات و ولت های میگویند ، تجا و زطیعه خلقهای
 امریکای لاتین را امید دهند ، و از سیاست خنثی آنهمها صره کشورها دست برنمی دارند ، چگونه
 بخود انا ز امید دهند که در پاره این حقوق صحبت کنند ؟ امیرالیهتها چگونه میتوانند در پاره حقوق
 بشر هرز رانی کنند در حالیکه هم آنها ارتقا پوائلی که در اختیار دارند برای حفظ شد بد تسریع
 شکل دستمزد را قرار داده اند ؟ چگونه میتوانند خودشان را لیدر مبارزان در راه حقوق بشر
 بنامند در حالیکه برای هدف قیام و تجا و بزرگراه خود در سراسر جهان از جمله در زمین کشورها نیز
 در هیا پایگاه نظامی ایجاد کردند ، و با انواع سلاحهای مخرک راتولید میکنند .
 امیرالیهتم پرا ز رویداد های انگلای میگویند رشد ت تبلیغات گسترده خود برای ارج و اعتبار
 ساختن انقلاب کوبا بیفزاید . امیرالیهتم برای تأمین پشتیبانی از این تبلیغات در قاره و امکان ندان
 به برخی از کشورها امریکای لاتین و حوضه کارائیب تا اورتوئپهای با بهمی خود دفاع کنند ویا موفق بیه
 برقراری قیمت های عادلانه برای کالا های عدد صادراتی خویش گردند وحق چاکمیت ویا خود مختاری
 خویش را بد دست آورند شایعانی در باره " خطر حمله کوبا انتشار میدهند .

ملغان و ولت امریکای شمالی در این اواخر اعلام داشته اند که ایالات متحده امریکادردرد آن
 است که سیاست خود را نسبت به کوبا تغییر دهد . رفیق فیدل کاسترو در براول کمیته مرکزی حزب
 کمونیست کوبا در نخستین کنگره حزب گفت : " ما برای مذاکرات آماده ایم ، ولی ما را بیا حاکم تکرار
 میکنیم ، در این کنگره ، در پیشگاه تمام مردم کوبا اعلام میداریم که مذاکرات رسمی تنها هنگامی متواضع
 آغاز گردد که در سیاستها صره از طرف دولت ایالات متحده امریکای بطور جدی تجدید نظر شود . . ."
 او در راه سخنان خود گفت : " صحبت بر سر مذاکرات و شرایط برابر است و ما پیش از این گفته ایم
 که محاصره برای ما بمنزله کاری است که روی گلوله آشته باشد و معا صره چنان شرایط مذاکره آتی
 را بر ما را بر مدار که ما هیچوقت با آنها موافقت نخواهیم کرد " (۱) . اینک ، در ورنی که جبهان
 در دستگاهش نتایج پیش میرود ، کوبانی که همواره سیاست خود را بر اصول همزیستی ، مساومت آمیخته
 برابری حقوق و ولت و احترام بحق چاکمیت و استقلال استوار ساخته در مسئله فصل تضاد هایش
 با ایالات متحده امریکای موضع ناشکیبائی منفی اتخاذ نخواهد کرد . موضع ما بدینقرار است : هرگاه نسبت
 به کوبا سیاست صلح و دوستی در پیش گرفته شود ، آنوقت ما هم از چنین سیاستی پیروی خواهیم کرد .
 آغازی صا صره بمعنی وارد ساختن شکست به سیاستی میبود که بیش از ۱۰ سال است امیرالیهتم
 نسبت به کوبا در پیش گرفته است . چنین رویدادی بمعنی پیروزی خلقها و جنبش انقلابی بین المللیست
 میبود . در ضمن چنین وضعی در همیشگی مانست به خلقهای امریکای لاتین و جنبشهای انقلابی
 وروغی با خیر ملی در تمام کشورهای خلقی واری ندرت آورد .

ب . اورنگ د پاسر . کشور ما از لحاظ سیاسی مرحله دشواری را میگذراند : انتخابات رئیسی
 جمهوری نزدیک میشود . حزب خود را برای اطلای مبارزه های انتخاباتی خویش آماده میکند . و نیز بلا هیچ
 وقت چنین گرانی ، بالا رفتن قیمت هاجد و تکافوی مواد غذایی بخود ندیده است . همه اینها تالیح
 شکست اصلاحات " ارضی " است که مغلای برای مدافله حاکم بمنزله ساتری بود که در پیرامون اصلاحات
 کشاورزی پیروانی در مرحله اجراء را آوردند . در نتیجه سطح کمونی تولید محصولات کشاورزی ناپایندی
 های کشاورز بر آورد نمیکند . طرف دیگری ، ثروت مند شدن سریع گروههای اقتصادی بزرگ وابسته
 به امیرالیهتم و افزایش قدرت آنان است و آثار رسمی گواه این مدعا است . سرمایه خارجی بر مملتی شدن

۱ - نخستین کنگره حزب کمونیست کوبا ، ۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ ، ص ۲۴ - ۲۴۵ .

صنایع نفت و معادن آهن در این اواخر مواضع خود را در اقتصاد کشور میزبان زیاد ی استوار
 بخشیده است . در رشته های تولیدات صنعتی و امریالی ویا یکی سرمایه گذارین خارجی بهر صورت
 افزایش مییابد . این نیز برخلاف " قرارشماره ۲۴ " همانند آنجا همگی بود . وضع توده های مردم
 بسیار بد است . دستمزد واقعی زحمتکشان کاهش یافته است و در عوض در سالمای اخیریه سهیم
 پیروزی که در آمد ملی کشور را بخود اختصاص داده ، افزوده میشود .

طیروغ نفتر پیورگوا سی سندیکائی بزرگ که از اینکراف وابسته سازمان منافع امریکائیسی
 زحمتکشان وارتقا و دیگری جنبش سوسیال مسیحی است که ایالات متحده امریکای و جمهوری فدرال
 آلمان آن حمایت میکنند ، جنبش توده های مرد گسترش مییابد . در قاره یب بین سالهای ۱۹۶۰ و
 ۱۹۷۲ بر تعداد اعتصابهای غیر ملنی (باید یاد آوری کند که تا ما اعتصابها غیر قانونی اعلام شده است)
 بسیار زیاد ن اضافه شده است . این خود گواهی از افزایش قدرت مبارزه توده ها است . شرکت حزب
 مادر سازمان های جنبش سندیکائی توسعه یافته ویا به استحکام مواضع خود در آن ادامه میدهم .
 در پاره مبارزات انتخاباتی باید گفت حتی حزب عبارت ارتقا هم برنامه واحد و پشتیبانی از یک کاندید
 برای تمام پیروها یب است . ما از این نقطه نظر هوافقی بین هشتم و دهم مبارزه سیاستداری
 در پاره دریم و ممکن است موفقیت بدستیاوریم . اما این نکته مهم است که حزب در جریان این
 مبارزه واحد توانست ارتباط خود را با نیروهای سیاسی بزرگ استحکام بخشد .

۱ . ملیاس - فاشیسم در شیلی بمنزله واکنش در مقابل پیشرفت پروده انقلاب برهبری فاشیه
 کارگردید آمد ، پروده انقلابی که به موفقیت های مهمی دست یافت که آنها را از هن و پرودمردم شیلی
 نینتازد . برای ارزیابی مقرون بصحت فاشیسم ، باید تغییراتی را که در پیشرفت اقتصادی ،
 اجتماعی و سیاسی شیلی و سایر کشورها ، امریکای لاتین بوجود آمده عمیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار داد .
 کمونیست های شیلی به بررسی این مسئله در سالهای ۵۰ توجه ویژه ای مذل داشتند ، آنها بر نامه
 حزب مارانیه بودند وین کردند و تشنگ الیگارش مالی مجلس را با د آورشند . تجا و بزرگترین گروههای
 آن گما آنها را اکلان ها میزنگ مینامیم به جبر وستم تروریستی آشکار دست میزنند و بدین منفسور از
 فرماندهان نظامی فاشیست مستقیماً استفاد میکنند . امیرالیهتم در رجه اول اداره مرکزی جاسوسی
 وینک بداند اما امید دهند . خصلت اساسی که در وستم فاشیست با آن میتوان معین ساخت عبارت
 از این است که منزله سیستم سرمایه داری دولتی - انحصاری تحقیق مییابد . برخی از پیروندگان
 روی این موضوع بحث میکنند که عادلانه است اگر رژیسی را که وابسته به سرمایه ملی بین المللی است و
 سطح قابل توجهی از پیشرفت اقتصادی را نائل شده و بپروند ترین رشته های اقتصادی وابسته
 بکشورهای متروپول است ما بمنزله رژیم دولتی - انحصاری تعریف و توصیف کنیم . بنظر ما هنگام تجزیه
 و تحلیل چنین رژیم هائی در واقع هم باید وابستگی آنها از راس مسائل قرار داد . اما این راهم
 باید در نظر گرفت که این جهان شگلی از وابستگی است که در ضمن نوعی سرمایه داری دولتی - انحصاری
 نیز میا شد . فاشیسم در شیلی در جستجوی جلب حمایت تمام قشرهای بورژوازی و خرد بورژوازی به
 تبلیغات عوام فریبانه بر ضد نقش دولت میبگردد . اما ، این فقط یکی از انواع بی شمار رجیسم فاشیست
 فاشیستی است . زیرا در حقیقت امر بزرگترین موسسات شیلی هنوز هم در مالکیت دولت اند و تمام سیستم
 بخرنج تولید و میری اقتصاد کشور از طرف دولت هها بدست میبرند این موسسات در دست فرومایه ترین
 گروههای الیگارش مالی است . اشکال تازه سرمایه داری دولتی - انحصاری در شرایط فاشیسم
 در رجه اول در استحکام مکانیسم سلطه مالی در آن رشته هائی نمود آرمشود که فعالترین گروههای انحصاری
 با سرمایه ملی امیرالیهتمی درهم آمیزند .

با سرمایه مالی امپریالیستی در هم می آمیزند. «مدل» اقتصادی فاشیستی راجحش از طرح تقسیم کار بین المللی در جهان سرمایه داری میدانیم که بدست مؤسسات معین بزرگ بین المللی ایجاد گردیده است. این امر روشهایی به ناپودی بخش بزرگ از صنایع سنتی انجامید. در عین حال ریشه های از قبیل استخراج معادن و صنایع سلولز و مجتمع های کشاورزی صنعتی، جنگلداری و ماهیگیری زنیو شرفست میکنند. انحصارهای بین المللی برای آنکه در این رشته های سطحی قابل رقابت باشد برسد، پسر تکنولوژی و صنایع مالی که در اختیار آنها میگذازند نظارت میکنند. این کارهای مالی محلی هم نازانه تا همین تئوریک سرمایه و سود های کلان دارد. و اینهم بدون اداه «تئورفاشیستی امکان پذیر نیست» در صفا ما نصف طبقه کارگریهای عقبی که وضع کنونی کشور نافع آنها را بخطر انداخته کرد هم می آید. ما مؤلفیم نه فقط شعراهای خواستنیای نزدیک و مقاومت را برای تجویز کرده ها تهیه کنیم، بلکه برناه «میهن پرستانه و ضد فاشیستی پیشرفت آتی کشور» هم تهیه و تدوین نمائیم. ما هم اکنون بهیمن کار اشتغال داریم.

ک - فاسیل -

دیرا گوته در مقابل اساسی مانع پیشرفت نیروهای تولیدی و تولیدات صنعتی و کشاورزی است. اولین عامل تا لغووندیسم و دومی امپریالیسم است. سیلعه آنها به رگ و بود و جدیت با زار د اخلی می آید. کشور شرایط فقر توده ها و بیگاری شدیدی بر سر میرسد. در یک تئوری استراسمنن طی سالهای زیادی بطور سیستماتیک تئورهای ملی کشورهای امپریالیستی بین المللی میفرشد. در دیکتاتورید تلاش خود برای جلوگیری از گسترش مبارزات مردم به تهدید، پیگرد، چهره شکنجه و ربودن رهبران سیاسی و سندیکائی متوسل میشود و آنها را به قتل میرساند. وضعی که بر کشور حکمفرما است نه فقط با مانع بنیادی طبقه کارگر و دهقانان، بلکه با مانع بورژوازی صنعتی و بازرگانی ملی و حتی قشرهای فاقد امتیاز طبقه حاکم در تمام است. نشانهای همگانی از عقب ماندگی، فقر و تشنگی و فشار در حال حاضر شده پذیرد. در «مبارزه» طبقه کارگر گسترش مییابد. در عین حال دهقانان هم برای بدست آوردن زمین و در راه برقراری قیمت عادلانه برای محصولاتشان و تأمین تضمین آزادی فعالیت سازمانهای خود و دانشجویان در راه بهبود شرایط تحصیل مبارزه ادامه میدهند. جنبش در راه آزادی زندانیان سیاسی علیه زجر شکنجه میگرد و غیره گسترش مییابد. کلیتاً هم در رتبه ضد دیکتاتورید نقش مهمی بعهده دارد. حزب کمونیست پاراگوئه که دیکتاتورید ناپودی آنرا باها اعلام داشته است فعالیت خود در داخل کشور ادامه میدهد. با آنکه مارتنالی با راز است داده ایم باز میگل اخل سولر د بیرگیته» مرکزی و رفیق در لیس و لیاگرا که با اواخر سال ۱۹۷۵ باز داشت شد هیچ اطلاعی در دست نیست همسایری از کمونیستها هنوز زندان آنها زجر می کشند. حزب ما در پاراگوئه است و ارتباط با توده ها است. استحکام مییابد. حزب با محافل سیاسی کوچکین در پاراگوئه، نیروی «مبارزه» مشترک تمام نیروهای مخالف دیکتاتورید استراسمنن در تماس است. وحدت این نیروها شرط اساسی سرنگونی رژیم است.

پ - سیاست سالیان -

«پروسه» انقلابی در پروسه که دارای خصلت ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی و صحت ضد سرمایه داری است، با دشواریهای جدی مواجه شده است. بحران اقتصادی که با زباب بحران جهانی سرمایه داری است در جهان درگیر بهائی که در دست انجام بود تا عمیری اندازه متفی کرد. دولت نیروهای مسلح در جستجوی راه خروج از آن از خود کوه قلهی بد تو لویک که نتیجه ترکیب طبقاتی آمنت نشان داد. دولت در فعالیتهای خبیث تئوری راه نمود قرار داده است که دعوی سرکشی برای آن دارد و از جمله نظریه «سوسیالیسم خود مختار» را ملاحظه فرمایید. و اما امروز برای آن روی رسیدن به وحدت ملی ضرورت وجود حزب انقلابی و تعالیم مربوط به مبارزه طبقه ها مردود می شمارد. تمام این عوامل مانع از آن شده که دولت نیروهای مسلح راه تحمیل «پروسه» انقلابی را پسر کنند (چنین راهی یعنی پایان بخشیدن به وابستگی و فرزند یکی به راه رشد سوسیالیستی بود) و در

نتیجه خالاد ولت در مقابل ارتجاع خلق مسلح شده است. نیروهای ارتجایی با استفاده از سواریهای اقتصادی مرفعی به تخیر دادن خصلت دولت شدند. جناح انقلابی از آن خارج ساختند. در هفت های برناه ای اساسی تجدید نظر کردند و دست هیچ درگیرتیهایی بنیادی را که در دست اجرا بود فاشیسم ضمیمه مرفعی ساختند. «بقرده» مان دولت کنونی درکلیت دولت انقلابی نیست. ولی این دولت و دولت فاشیستی هم تعیاشد و نظرها می کشد سیاست ویژه ای بر اساس نظریه های فوق الذکر برای خود طرح و تنظیم نماید. سازمانهای توده ای و مقدم بر همه حزب ما بر این عقیده اند که تهیه و تحقق سیاست خروج از بحران اقتصادی در حال حاضر صدها ترین مسئله است. در ضمن باید مانع از آن کرد که با راست گیسمن چنین راه حلی فقط بدوش زخم کشان افتد. هدف چنین سیاستی باید تحمیل «پروسه» انقلابی باشد و نه متوقف ساختن آن. کمونیستها چنان برناه ای برای حل مشکلات اقتصادی پیشنهاد میکنند که وحدت تمام نیروهای انقلابی را ممکن سازد. برغم حمله های بی دبی ارتجاع و عناصر فراطبی چپ گرما و پسر و تلاش برای ایجاد فقره در صفوف ما، حزب کمونیست وحدت خود را با پایا پذیری فراوان حفظ میکند. بنظر ما ملی رزم چرخشی که در کشور وجود آمده، در جریان خود «پروسه» انقلابی امکانات کافی برای نیروهای توده ای و یگر کنایه بد یاد آمد که با آنها اجازه میدهد از چرخش بیشتر طرف راست و یا برقراری رژیم فاشیستی در پروسه جلوگیری کنند.

۴ - روستن -

مردم روستیک نسبتاً مدت کوتاهی است که از آگاهی ملی برخوردار شده اند. «مبارزه» مان در راه آزادی ملی در کشور گسترش مییابد که با وجود مشکلات فراوان طبقه کارگران بدست آورد های مهمی ناظر گردیده است. «مبارزه» طبقاتی در کشور ما سازمان آید به ای را بوجود آورده که مانع از حل و فصل نواستعماری مسائل نظیر برخی از کشورهای آفریقا میگردد. تمام اینها به مبارزه ما خصلت ویژه ای میدهد و این ننگه را روشن میسازد که چرا شما را خود مختاری دمکراتیک است و نه استتلال. کمونیستهای ما روستیک برای تشدید همبستگی بین المللی و استحکام وحدت جنبش بین المللی انقلابی اهمیت فوق العاده زیادی قائلند.

م - ساتونوس -

هما نظیر که رفیق لیس کارلوس پرستش، بیرکل کیه» مرکزی حزب کمونیست برزیل نشانده امپریالیسم مرفعی نشد گرایش به استحکام نیروهای مرفعی را که در تاره ما موجود است تغییر دهد. با وجود این ما نباید فراموش کنیم که در مقابل مدت دو سال لیاگرا نشانس ها با ما میگردند. امپریالیسم توجه خود را با کلا به امرگای لاتین معطوف داشته است. این رانیز نمیتوانید از روند که در حال حاضر در تاره ما خفاقیسیم وجود دارد. اگر ارتجاع فاشیسم متوسل میشود این خود دلیل ضعف آن، استحکام طبقه کارگر و تشدید مبارزه طبقاتی در امرگای لاتین است. ما ملاحظه شدن خطر فاشیسم و تحقق آن در براتیک بهیچوجه ناگزیر نیست. این خطر می تواند در نتیجه اقدامات هم آهنگ خفایای و احزاب ما در عین وجود همبستگی بین المللی تقوی مرفع گردد. ما مسئله سرمایه داری و دیشی انحصاری در تاره را که رفیق میلیاس مطرح کرد بسیار جدی و مهم میدانیم. این مسئله مربوط به کشورهاست میگرد که سرمایه داری در آنها با اندازه کافی رشد نکرده و تنها حد و زیادتی وابسته به امپریالیسم اند.

رژیم دیکتاتورید برزیل در راه آفریل سال جاری برای چند روزکنگره داخل کرد، دلیلتان هم این بود که اپوزیسیون با تصحیل لایحه «رفرم در سیستم قوه قضائیه مخالفت کرد» فعلاً هم این رفرم و هم تدابیر بسیار دیگری که همه نمایندگان قانون اساسی کشور اند و هدف از آنها محدود ساختن امکانات موجود در سیستم انتخاباتی است به کشور ما تحمیل شده است. هدف از تغییراتی که در سیستم انتخاباتی داده شده این است که مانع از آن شوند که اپوزیسیون در انتخاباتی که سال آینده انجام خواهد شد در مسند قدرت ولت

های ایالات اکثریت بدست آورد. رژیم دیکتاتوری کمک تصویب نامه شماره ۵ عدد ۱۰ اختیارات قوای مقننه و قضائیه را از آنها سلب کرده است. پانجم کمیته مرکزی حزب ما پس از تجزیه و تحلیل مرحله کنونی سیاست رژیم یعنی مرحله ای که رژیم تضعیف میشود و پایه های آن محدد و میگردد، یاد آور شد که فاشیسم در دست بهمین سبب نتواند از زمینش برود که ضعف بران روی می آورد و در بین دست قرا ر میگیرد. ولی جنبش نیروهای آلمانی بر علیه سیستم موجود هنوز ادامه گسترده کافی و لازم را پیدا نکرده است. بعقیده ما مقصد می توان گفت نیروی تازه ای گرفته است. ارتقا در ذات عظیم توده ها هنوز خبری نیست. موضع حزب ما عبارت از کوشش و تلاش برای وحدت تمام نیروهای است که با فاشیسم مخالفند و یا آنکه با آن در تضادند اگرچه از همرا هان موثقت آن باشند این روش ما مانع میدهد تا تمام نیروهای که در نقطه کنونی در صف مقابل فاشیسم قرار دارند با قدرت امداد مشترک در دست بر زمین ما تمام نیروی خود را برای جلوگیری از فروپاشی و درگیری نظامیان و سایر پرورد هم بکار ببریم و مسئله اساسی را جنب بخش قضایی از نیروهای مسلح بطرف خود و یا حداقل بیطرف ساختن آن مس دانیم. ما همچنین معتقدیم که برای پیروزی در نبرد علیه فاشیسم باید همبستگی بین المللی موجود را گسترش داد زیرا این همبستگی است که کمک قاطع را با ما میرساند.

مسابقه تسلیحاتی در کشورهای نورد اده دارد و بدین منظور هر ساله در اردو امیلارد در لارنبرگ میرسد. مرتیانکه، هواپیما، ناوهای جنگی تولید میگردد و در تحقق قرارداد یک با جمهوری فدرال آلمان با ما رسیده اده دارد. مبارزه بر ضد نقشه ایجاد پیمان آتلانتیک جنوبی مسئله ای مرموز و مرموز بنیادی در امر گسترش کاهش تشنج در تازه ما است. مسائلی نظیر محدود ساختن دامپره تولید سلاح اتش مستدم مدخله در مورد اخلی سایر کشورهای اروپایان بخشدین به مسابقه تسلیحاتی و غیر قابل تعیین بودن مرزها هم از مسائلی است که برای آمیختگی لاتین جاها اهمیت بسیار است.

گرمیاس حزب ما وحدت تمام نیروهای ضد دیکتاتوری ضد امپریالیستی را پیشنهاد میکند. برنامه حزب سوسیالیست نیک را گوته دموکراتیزه کردن جامعه ما را نخستین گام در این راه میداند. برای انجام این عمل باید تمام قشرهای جامعه را که دیکتاتوری با همه اقسام پنهان فاشان تها وارد ساخته متحد کرد. این قشرها در مجموع اکثریت مطلق اهالی را تشکیل میدهند. دلسردیها را از هم جدا کن و در محافل بورژوازی، فعالیت حزب ما مان توده ها و قشرهای متوسط جامعه شکست امپریالیسم در کوبا و بیتام و لاوس و کوبا موج همه عوامل است که با ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری ضد امپریالیستی کمک گسرد. گرایشها و جنبه مرکز راست در این جبهه شرکت دارند. مبارزه نیروهای انقلابی نیک را گوته در شرایط دشوار و دشوارید جریان دارد. ولی جبهی رزم ایروند شواربها و مشکلاتی که حزب ما با آن روبرو است و زمینگشان را بسج میکند، رهبری و بنامید و هر شد آگاهی طبقاتی آنان در جهت صحیح کمک میکند.

کود جاساگ پس از آنکه دولت گویا تا موضوع ضد امپریالیستی اختیار کرد در وضع کشور هم جبهات عظیم هم جبهات ملی بچشم میخورد. میتوان یک سلسله گامهای عظیم در ولت را در هر صورت در خارج و داخل هر قریبها نسبت با کشورهای سوسیالیستی را خاطر نشان کرد. در ورشته ۳ ساسی صابین در استخراج پوکسیت و تنبیه تند ملی شده است. ولی جنبه های منفی هم وجود دارد. رشکها ملی شده است و کم و بیش بهمان وضع پیش از ملی شدن باقی ماند مانده است. اما ملی کردن کشتیهای موجود آورد کشور بورژوازی و مراکز است. دولت بر زمین مدعی است که در هر صورت باید اولوی کارهای فراوانی انجام دهد. ولی ملی کردن راهبردی داری خود ازما کمیسر لنینیسم در حرف و هنوز هم از منی با اصلاح سوسیالیسم تمام و تنی پیروی میکند. این مسئله در کشورهای موج امید تولد یک موجود می آورد. نبود وحدت میان نیروهای چپ هم مشکلات است. ایجاد میکند (۱) وظیفه ما تحکم حزب مترقی خلق است تا بتواند روی دولت موشرا قه شود و بر زمین ساسی کشور نقش رهبری کند و داشته باشد (۲)

(۱) حزب مترقی خلق گویا تا مدت سال ۱۹۷۷ پیشنهاد کرد که جبهه ملی همین درست ایجاد شود و

فید زرسون را

مجله «مسائل بین المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تفریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد. مترجمان این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و متفک کهنده نظریات و اندیشه های آنست انتخاب و ترجمه میشود. در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰ (سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۷۷ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» چاپ رسیده است.

حساب بانکی جدید مجله «مسائل بین المللی»:

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010

خوانندگان عزیز!
باین نشانی با ما مکاتبه کنید:
P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden